ترجمه کتاب

Dynamic Trading

نوشته :

Robert C.Miner

مقدمه :

از آنجایی که تئوری امواج الیوت یکی از معدود روشهایی است که دیدی کلی نسبت به بـازار هـای سـرمایه دارد، بر آن شدیم که کتاب بسیار مفید **"Dynamic Trading"** اثـر **"Robert C.Miner"** را با پیشنهاد اولیه و بسیار زیبای دوست خوبمان، ***حسین عزیز (traderman123)*** و با همکاری یکـدیگر، به آرامی و سر صبر ترجمه کنیم و برای علاقه مندان به این روش، در این مجموعه قرار دهیم.

قدرت این روش همانگونه که در تاپیک استراتژیهای الیوت ویو (**Swing trading**) ، به همـت جنـاب امیر خان فرهنگی عزیز مشاهده کرده اید، بررسی و تحلیل سه جانبه قیمت، زمان و پترن هست کـه الحـق قدرت تحلیل را به حد بسیار زیادی افزایش داده و دید بسیار مناسبی را به فرد مسلط به این روش میدهد.

متأسفانه کتابی که در زیر لینک دانلود آن را میبینید، دارای عکس هایی با کیفیت نه چندان مناسب اسـت اما خوشبختانه آقا حسین بزرگوار این کتاب رو در اختیار دارند و زحمـت اسـکن کـردن عکـس هـای آن را میکشند که از این بابت از ایشان تشکری مضاعف میکنم.

در نتیجه از آنجایی که این کتاب دارای مثال های بسیار زیادی است (که یکی از مزایای این کتـاب هـم در همین مورد هست) امیدواریم که در نهایت به یک مجموعه مرتب و با کیفیـت مناسـب برسـیم کـه منبعـی خوب برای دیگر عزیزان باشد.

جا دارد که بار دیگر از جناب امیر خان فرهنگی تشکری کنیم که به صورت بسیار جـامع بـه بحـث تحلیـل الیوت با این روش پرداختند و باعث علاقه مندی بسیاری از ما به این موضوع شدند.

مسلماً در ترجمه کتاب ایراداتی وجود خواهد داشت که پیشاپیش عذرخواهی میکنیم اما سعی بر این اسـت که مفهوم و منظور کلی مطالب نویسنده رسانده شود.

نکته دیگر اینکه فصل اول و دوم این کتاب به مانند سایر مراجعی کـه در مـورد تئـوری الیـوت وجـود دارد، مقدمه ای بیش نیست. در نتیجه از ترجمه آن صرف نظر کرده و از فصل سوم کـه مبحـث تکنیکـال الیـوت آغاز میشود، شروع به ترجمه کرده ایم.

به امید موفقیت روز افزون برای تمامی عزیزان

ارادتمند شما

در این فصل کاربرد امواج الیوت را فرا خواهید گرفت :

دو نکته مهم و کاربردی امواج الیوت در:

۱-تشخیص روند و یا روند اصلاحی یک بازار .

۲-تشخیص پایان موقعیت یک روند و یا روند اصلاحی با توجه به پترن های الیوت ویو می باشد.

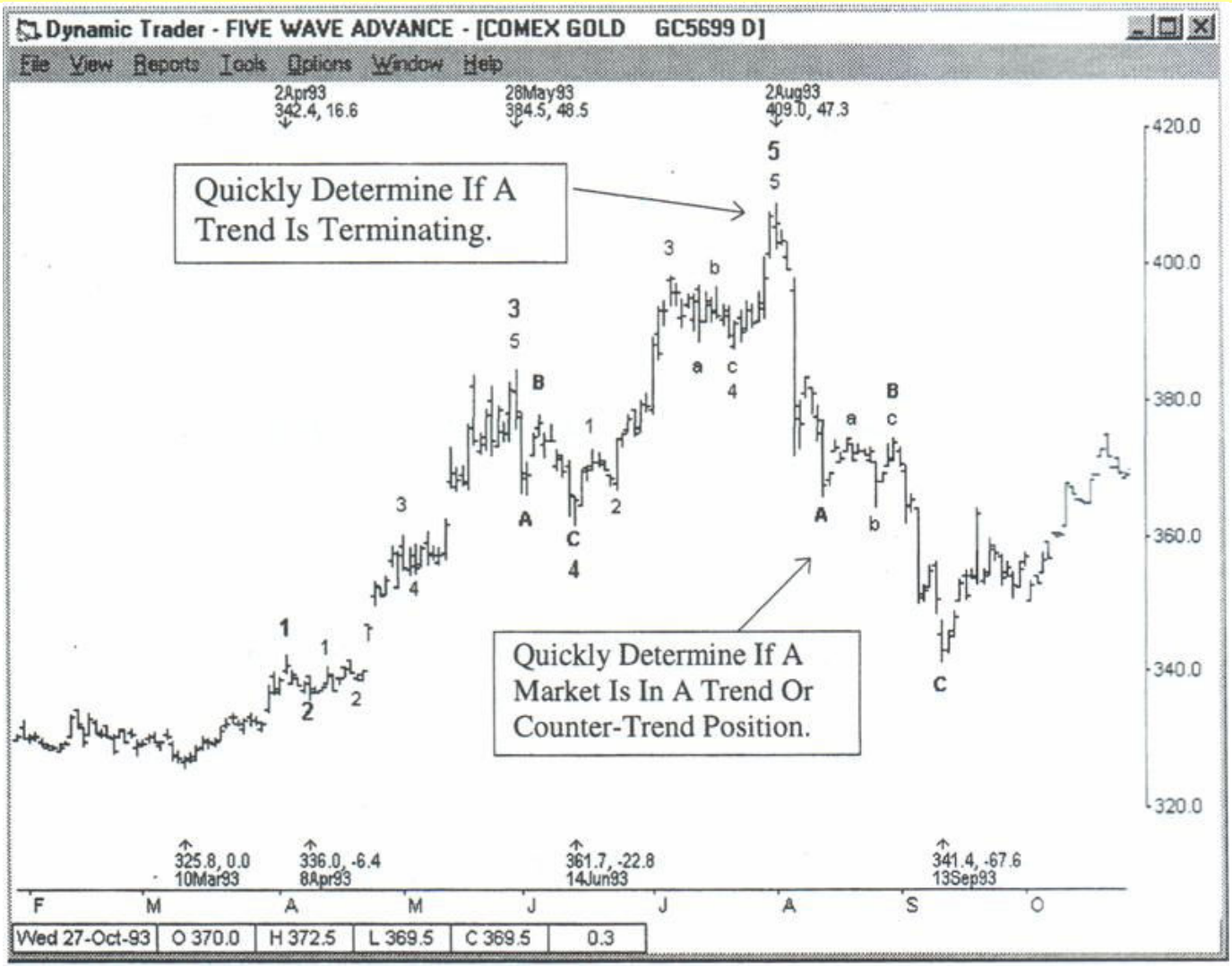

رالی صعودی طلا در ۲ آگوست ۱۹۹۳ به پایان رسید .تحلیل امواج الیوت روزهای کامل شدن این صعود را علامت داده بود.مولف داینامیک تریدینگ به خوبی پیشروی طلا را تشخیص داد.این فصل به شما خواهد آموخت که هر بازاری را به سرعت تشخیص دهید. می گویم بیشتر زمانها چون شما هم خواهید فهمید که چه موقع اطلاعات کافی در پترنهای الیوت ویو برای یک ترید وجود ندارد.

توانایی تشخیص موقعیت بازار که در یک روند و یا یک روند اصلاحی است برای شماچه ارزشی خواهد داشت؟؟؟

این یک امر حیاتی است تا بدانیدکه از چه استراتژی وچه ابزاری باید استفاده کنید.
آیا شما ریزش تندی را که s&p500 در July 1996 ساخت را به یاد می آورید؟ آیا به خاطر مـی آوریـد که مشاوران و تحلیل گران تبلیغ و ادعا می کردند که یک بازار نزولی در پیش روست؟
تحلیل گران الیوت ویو فهمیده بودند که ریزش July یک اصلاح را کامل کرده است.(احتمالا مـوج ۴) کـه برای ساختن یک high جدید، روند صعودی خود را فورا ادامه می دهد.

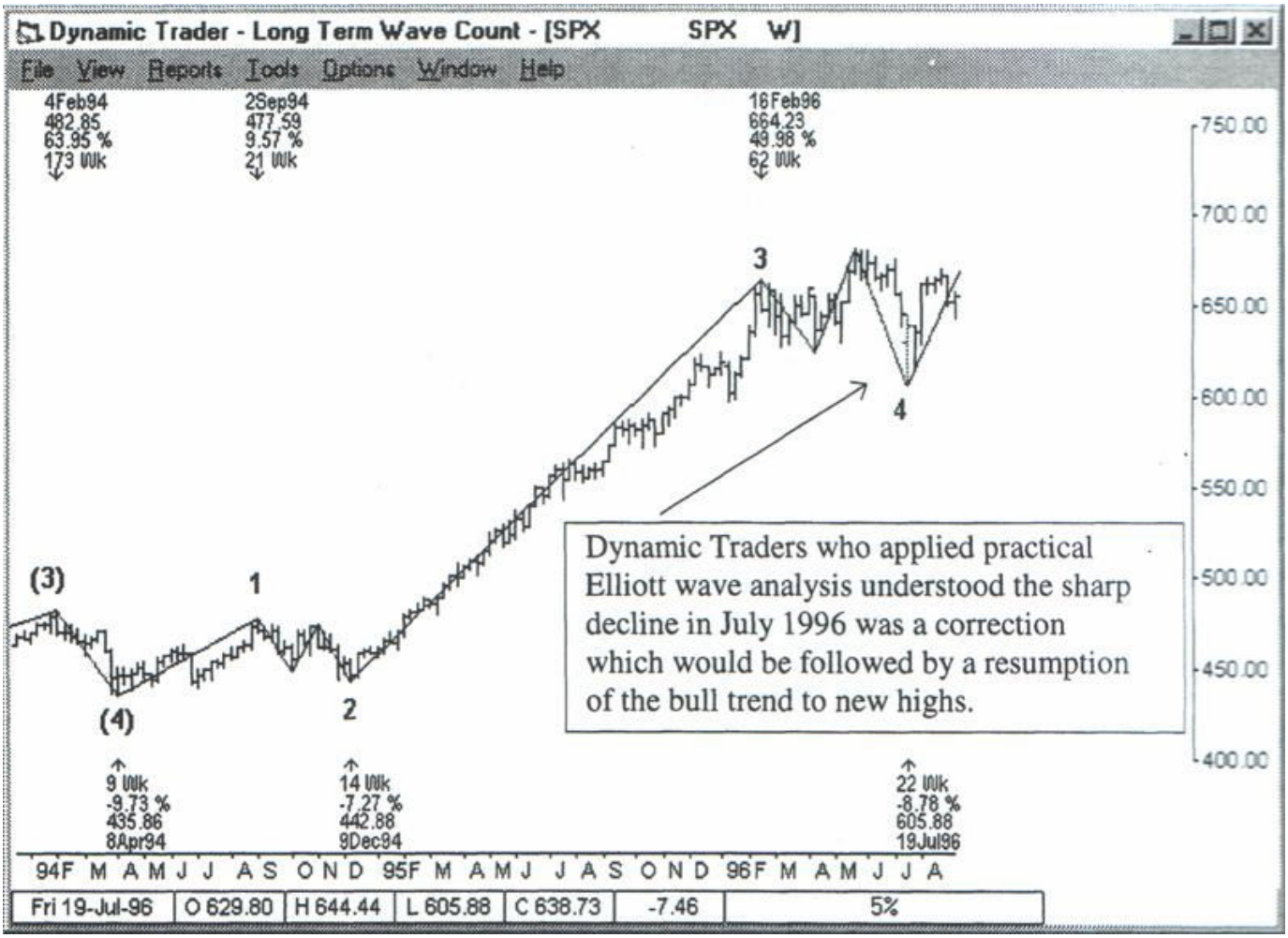

S&p500 در July 1996 بیشتر از ۳۰٪ از پایین ترین سطح خودصعود داشـت . بـسیاری از مـشاورین و تحلیل گران مشتریانی را که نزدشان حساب داشتند را برای یک روند نزولی تحریک می کردند.
دیدید که چگونگی فهمیدن یک روند و یا اصلاح از بازار برای شما بیشترین احتمال را برای معامله و تصمیم برای سرمایه گذاری فراهم می کند؟
داینامیک تریدر ها در July 1996 توسط فراهم کردن قواعدی ساده و راهنمایی های کاربرد امواج الیوت و داشتن یک استراتژی معاملاتی ، برای یک روند صعودی آماده شده بودند.
شما موقعیت یک بازار را خواهید فهمید و به تحلیل های بسیار زیاد و غلط مشاوران اعتماد نخواهید کرد.

لازم است که در اولین قدم شما نسبت به شناخت و تحلیل پترنها در یک موقعیت از بازار آگاه شوید . تحلیل بیشترین زمان وقیمت محتمل الوقوع در مسیر تکمیل پترنهای یک بازار.

بهر حال در ابتدا برای شما شاید قسمت پترن پیچیده تر از آنی که در واقعیت هست به نظر برسد.(این فصل را از قلم نیاندازید).اما لازم هم نیست تمام جزئیات را به ذهن خود بسپارید. شما در این فصل هستید تا درکی عمیق از کاربرد قوانین امواج الیوت را داشته باشید . در فصلهای بعدی(قیمت و زمان) و بکار بردن تمام موارد با هم هر آنچه در این فصل آموخته اید تقویت خواهد شد.

این بخش خلاصه ای از ساختار امواج الیوت است ، ما برای شرح و بیان اساس تئوری الیوت و تفکر اجتماعی و روانشناسی جمعی کوشش نمی کنیم . شرح و توضیح آنها در سایر نشریات راجع به امواج الیوت سودمند خواهد بود.

بیشتر تریدر های پیش از این در تحلیل اولیه امواج الیوت وارد بوده اند . شما هم اگر این قسمت را دنبال کنید آنگونه خواهید بود . این مهم است که شما اصطلاحات و علامتهای بکار رفته شده در این کتاب را ببینید و درک کنید . از این به بعد آنها اینقدر مشکل و پیچیده نخواهند بود . تحلیل بازار با این روش هنوز به صورت آکادمیک در نیامده ، اما در تحلیلها کاربرد داشته و به عنوان یک استراتژی معاملاتی با ارزش به رسمیت شناخته شده است.ما تحصیلات آکادمیک و بحث و جدل با تحلیل گرانی را که خود (در بازاری با تفسیر و ساختاری شایسته) معامله نمی کنند را رها کردیم و برای کمک کردن به خودمان جهت ساختن معاملاتی سود آور متمرکز شده ایم.در چارتی که آماده می کنیم با توجه به اطلاعاتی که بازار به ما می دهد قیمتهای مهم را بدست می آوریم که: در موقعیت فعلی وحالتی که بازار به روند موجود گرفته چه چیز محتمل تر است . حالتی که بازار به خود گرفته تاید کننده است و یا نقض کننده اگر ما بیشترین احتمال موقعیت جاری یک بازار را فهمیدیم ، دریافته ایم که به احتمال زیاد بازار در آینده کدام نقطه را ثبت خواهد کرد. (میگویم بیشترین احتمال).همیشه در ذهنتان باشد که ما با احتمالات سر و کار داریم .ما هرگز به طور حتم نخواهیم دانست که در کجای بازار هستیم و آینده آن کجا خواهد بود. تحلیل پترنهای قابل مشاهده و تحلیل زمان و قیمت ها فقط احتمالات را پیش روی ما قرار می دهند.ما هرگز به طور حتم نخواهیم دانست که بازار کجاست و آینده آن کجا خواهد بود.نلسون الیوت روشهای درک صحیح موقعیت یک بازار را به وسیله دانستن قوانین امواج ، برای تریدرها و سرمایه گزاران آماده کرده .در فصل پترنها فقط به قوانین امواج الیوت رسیدگی خواهد شد.قوانین الیوت موقعیت یک بازار را به صورت مطمئن شرح نمی دهد ولی همیشه در بیان اینکه در یک روند و یا روندی اصلاحی هستیم و یا اینکه درجه این روند و یاروند اصلاحی چیست وسیله ای مطمئن است . (که برای یک سرمایه گزار و یک تریدر می تواند اطلاعاتی فوق العاده گرانبها باشد).

در ابتدا مختصرا به بررسی امواج الیوت خواهیم پرداخت.ضعفها و قوتهای آن را خواهیم دید و توانایی استفاده آن را در معاملاتمان خواهیم داشت .

اساس امواج الیوت:

در ساختار اولیه امواج الیوت در بیشتر روندها ۵موج در جهت روند(امواج پیشرو) و ۳ موج در جهت خلاف روند (روند اصلاحی) به صورت آشکار و واضح قابل مشاهده می باشد.(۵موج پیشرو و ۳ موج اصلاحی) آنها یقینا قواعد و راهنما هایی هستند که به شناخت ساختار امواج کمک می کنند .قابل ذکر است که این امر به دو دلیل مهم به راحتی مسیر نمیشود.

۱- بازار فقط در حدود ۵۰ درصد موارد پترنهای امواج الیوت رابه صورت واضح به ما نشان میدهد ، معامله گران و سرمایه گزارانی که سعی می کنند تا هر بازاری را تحت هر شرایطی شمارش کنند معمولا قدرت یک موج را فرض بر شمارش آن نشان می دهند.وقتی این وضعیت وجود داشته باشد اطلاعات امواج الیوت به قیمت گرانی انسان را گمراه میکند و کسانی که به صورت یکپارچه بر تحلیل تکنیکال متمرکز شده ه اند دیدگاهی مبنی بر نفی و ناکارآمدی آن دارند . آنها سعی بر ثابت کردن خلاف آن را دارند. اما عملا معامله گران و سرمایه گزاران موقعیت تحلیل امواج الیوت را در زمانهای فابل اجرا تشخیص می دهند.

۲- به خصوص در حالتهای اصلاحی پیچیده ،آنها اشاره کمی به موقعیت یک بازار در یک روند درجه بزرگ تر می کنند.همه نشانه ها ممکن است بازار را در یک اصلاح ساده A,B,C بیان کند ولی تفسیر آنها همیشه مطمئن و مشخص نخواهد بود. در چنین شرایطی تحلیلگر نباید یک شمارش پیچیده را فقط به دلیل تشخیص چیزی که در آن مطمئن نیست تحمیل کند.

اگر در یک بازار و در مرحله ای اطلاعات لازم و کافی برای درگیر کردن سرمایه وجود نداشت باید آن بازار را به راحتی نادیده گرفت. در زمان و یا بازاری دیگر فرصتی در پلان معاملاتی بوجود خواهد آمد.

اگر ما در تشخیص شمارش امواج الیوت در یک بازار مطمئن باشیم آن شمارش دقیقا ما را برای شرط نقض آن شمارش نیز توسط بازار آماده میکند.این به شدت حیاتی است چرا که ما در مورد استاپ لاس صحبت می کنیم.در قسمت پترنهای استاپ لاس بیشتر این الگوهای منحصر به فرد را خواهیم دید.

حالا درس پترنهای امواج الیوت را با مطالعه مشخصات عمومی امواج اصلی و اصلاحی آغاز می کنیم.قواعد و راهنماها ی امواج الیوت دارای یک همبستگی هستند و ما را برای هدف قیمتی خاص جهت تائید و پایان یک روند آماده می کنند.

شماره گذاری امواج و قرارداد های نمادین استفاده شده در این کتاب :

امواج الیوت در درجه های مختلفی ظاهر میشوند که در درجه های کوچکتر بـه الگوهـای مـشابهی تقـسیم شده اند. همچنین این امواج خود جزئی از موج هایی از درجه بزرگتر هستند.

به طورکلی ما تنها به ۳ درجه از این امواج نگاه میکنیم: درجه پـایین یـا کوچـک، درجـه متوسـط و درجـه بزرگ.

در حالیکه که الیوت درجه های مختلفی از امواج، از سوپر سیکل ها که شامل دهه های اخیر میباشتد تا بـه امواج بسیار کوچک که تنها در تایم فریم های دقیقه ای دیده میشوند را تشریح می کرد، این امواج گسترده از ارزش کاربردی کمی در نظر معامله گران برخوردار بودند.

این مسئله باعث این شد که تصورات ساده لوحانه زیادی برای شمارش در تایم فریم های بزرگ با تایم فریم های کوچک در معالمه گران میان روز اتفاق بیافتد.

اگر شما بتوانید به صورت واضح دو یا سه درجه از ساختار امواج را تشخیص دهید، برای تصمیم گیری برای یک معامله، اطلاعات حیاتی ای را در اختیار خواهید داشت.

نمودار های زیر چگونگی شمارش امواج را در سه درجه بزرگ، متوسط و کوچک به تصویر کشیده اند.

درجه های میانی یا متوسط زیر مجموعه ای از درجه های بزرگ هستند در حالیکه خودِ ایـن امـواج درجـه میانی، متشکل از درجه های کوچکتر هستند.

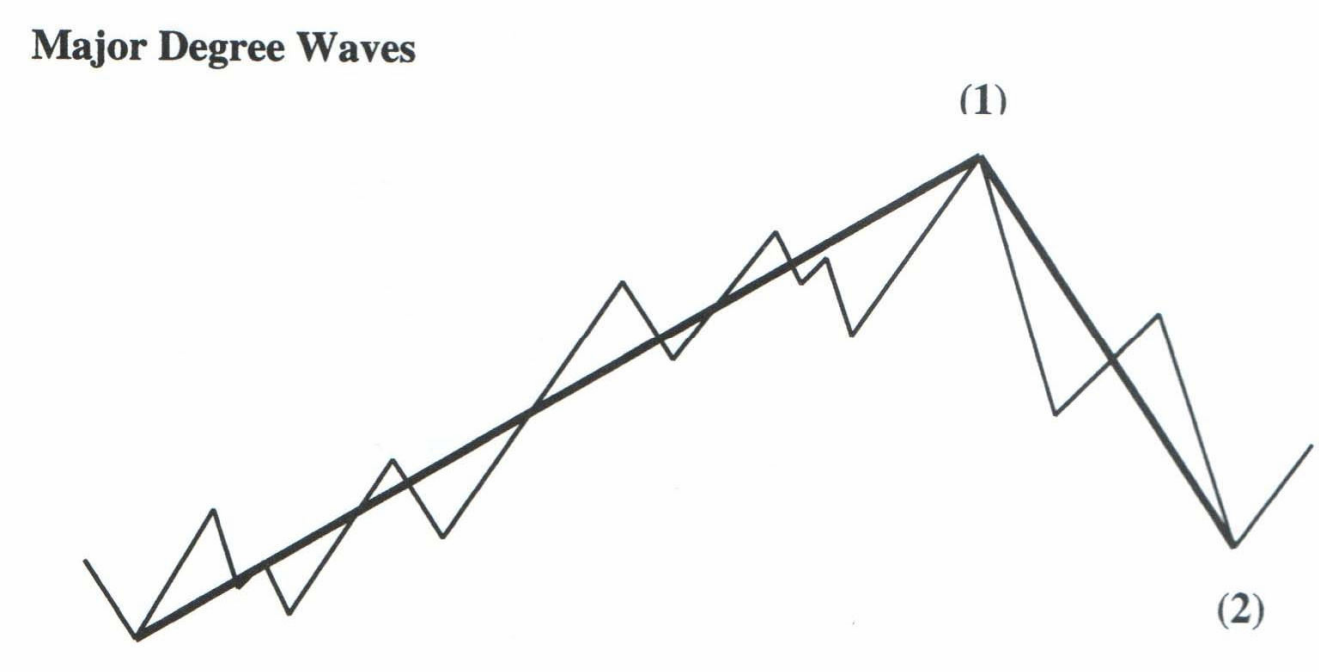

(موج از درجه بزرگ)

Intermediate Degree Waves

Sub-divisions of major degree waves.

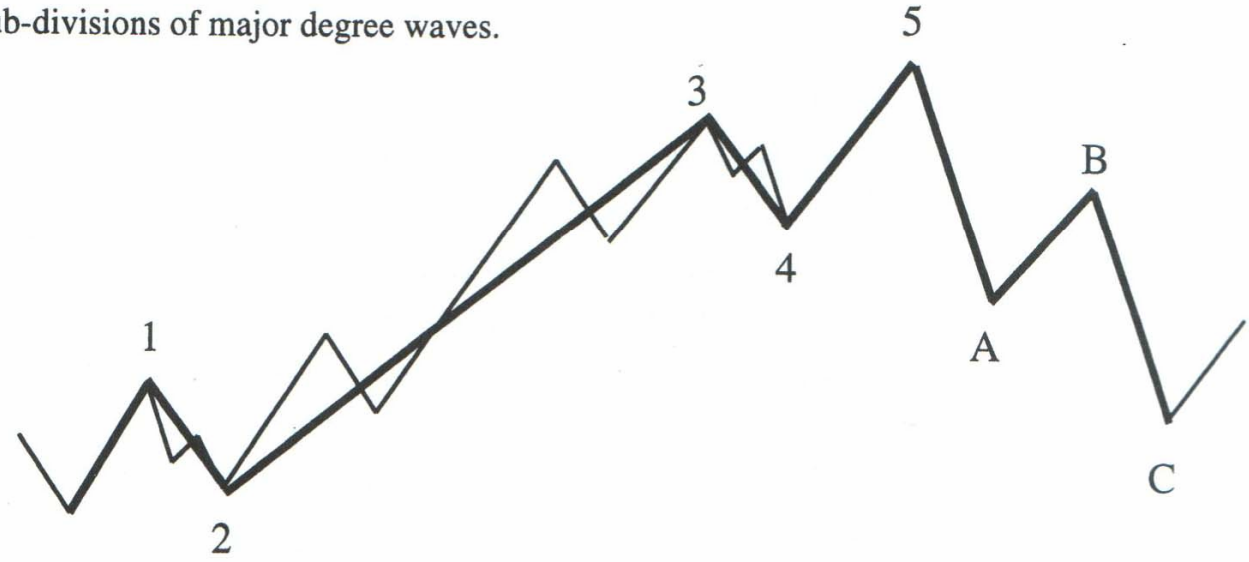

(موج از درجه متوسط)

زیر مجموعه ای از موج با درجه بزرگ

Minor Degree Waves

Sub-divisions of intermediate degree waves.

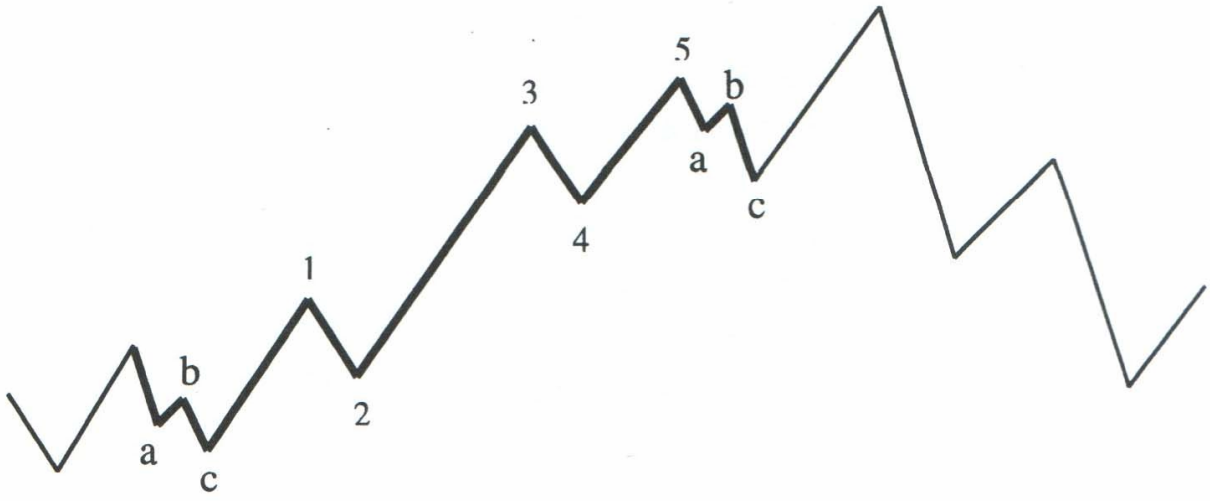

(موج از درجه پایین)

زیر مجموعه ای از موج با درجه متوسط

سه درجه از یک موج

در نمودار زیر یک سوویِنگ و تاب خوردگی بازار را شاهد هستید. البته در این تصویر فقط سری آخر موج به صورت کامل شماره گذاری شده است:

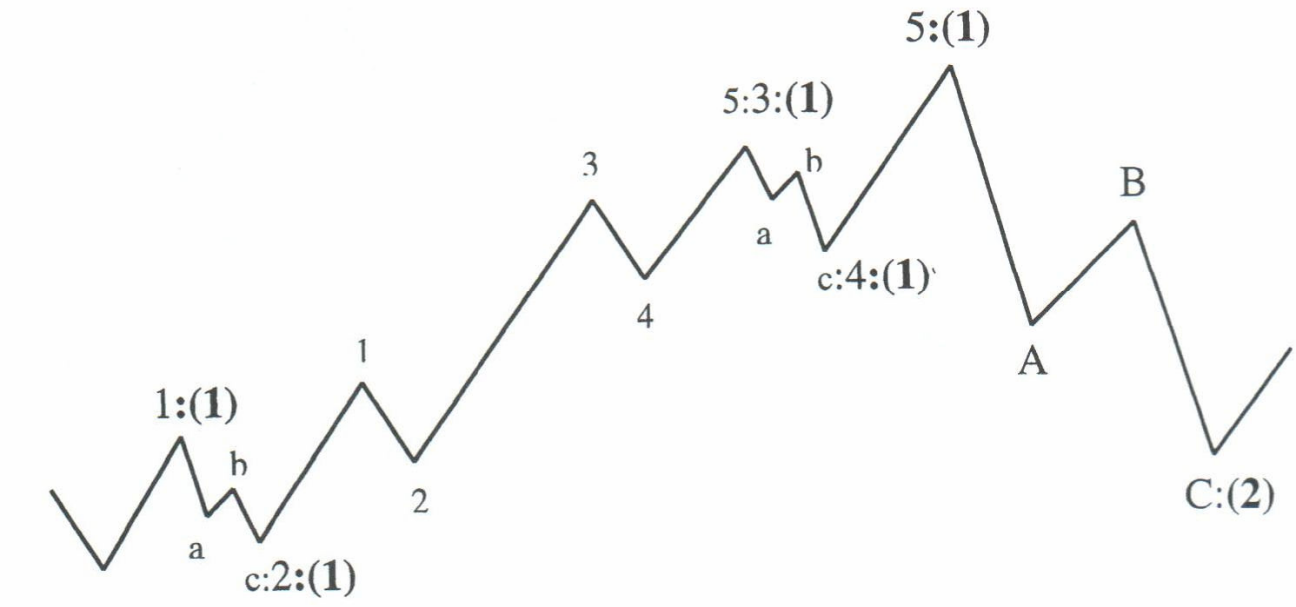

(شکل ۶-۳)

تسلسل صحیح نشان داده شده در شکل بالا، موج یک و دو از درجه بزرگ را نشان میدهد. (موج (۱) و (۲))
اصولاً وقتی یک موج با درجه بالا تکمیل میشود که موج با درجه پایینتر نیز تکمیل شده باشد.
وقتی که چند شماره بر روی یک موج قرار میگیرد، اصولاً از موج کوچکتر شروع به شماره گـذاری میکنـیم.
به طور مثال ۵:۳:۱ که نمایانگر پایان موج درجه کوچک شماره ۵ از موج با درجه متوسط ۳ از مـوج بـزرگ (۱) می باشد.
موجهای درجه بزرگ اغلب در تایم فریم های هفتگی و ماهانه مشاهده میشوند و شامل چندین ماه یا سـال میباشند.
موجهای متوسط اصولاً در چارت های هفتگی قابل تشخیص هستند و شامل چند ماه یا هفته میـشوند کـه در تایم روزانه میتوان شمارش آن را به صورت کامل دید.
موج کوچک و ریز موج ها هم اغلب از چند روز تا چند هفته پیشرفت میکنند . البته دوره زمـانی خاصـی را برای درجه های این امواج نمیتوان تعریف کرد.
بازار یک بذر یا حبوبات دارای درجه های بزرگ صعودی یا نزولی است که شامل ۳ تا ۵ سال میشود چرا که دوره های زمانی آب و هوایی خشنی که در دوره های فصلی بوجود می آید، بـازار هـای مـالی را بـه شـدت

تحت تأثیر قرار میدهند و یا سهام صعودیی که موج درجه بالای آن، حدود ۱۰ سال بـه درازا کـشیده شـده است.

واژگان و قراردادهایی که در این مبحث بکار برده میشود، شاید کمی با سـایر تحلیـل هـای الیـوتی ای کـه امروزه کاربرد دارند، متفاوت باشد.

پس، از حالت آکادمیک شمارش امواج دست کشیده و به سوی استدلال های خودمان روی می آوریم.

هدف ما در این کتاب این است که با ساده نگری قادر باشیم به راحتی این سوال را پاسخ دهیم که سـاختار امواج بازار چگونه است؟

مهمترین عاملی که باید به خاطر بسپاریم این است که باید به یک درجه بزرگتـر و یـک درجـه کـوچکتر از درجه ای که میخواهیم بر روی آن کار و معامله کنیم، توجه داشته باشیم.

در حالت ایده آل ساختار بازار به صورت سه درجه ای آشکار میشود.

البته این موضوع همیشگی نیست پس سعی نمیکنیم که حتماً یـک شـمارش الیـوت را بـر روی یـک بـازار داشته باشیم، در حالیکه به صورت واضح و آشکار امواجی شکل نگرفته است.

صاحب نظران و راهنماهای این روش در تمام مدت به صورت متناوب، تعداد زیادی از تحلیل های همراه بـا خطای خود را اصلاح می کنند. این نکته بسیار مهم است که چیزی را که به صورت آشکار بـرای تـشخیص تشکیل شده تحلیل کنیم نه آن چیزی که در پرده ای از ابهام قرار دارد.

دانش صحیح در حقیقت تشخیص این نکته است که شما چه مقدار اطلاعات و دانسته داریـد. یـک شـخص خردمند هیچ گاه نگرانی خاصی در مورد عدم داشتن اطلاعات ندارد.

ترسیمات ساختاری امواجی که در صفحات بعدی خواهیم دید در حقیقت سوییـنگ های ایده آل هستند.

هدف اول این است که بطور کامل با قواعد ساختار این امواج قبل از بکارگیری آنهـا بـر روی چـارت قیمـت آشنا شویم.

این بهترین راه آموختن است، سپس به سراغ چارت های واقعی قیمت خواهیم رفت.

اغلب ترسیماتی که در فصلهای زمان و قیمت آورده مـی شـود بـا فـرض بـر ایـن اسـت کـه شـما بـر روی ساختارهای امواج و نحوه شماره گذاری آنها در این فصل کار کرده و آشنایی کامل با این موارد را دارید.

جمع بندی کلی از اصول امواج الیوت

امواج پیشرو یا هیجانی – توصیف قاعده کلی

۱- موج های پیشرو به صورت الگوهای ۵ موجی ظاهر میشوند. یک الگوی ۵ موجی معمولاً بک جزء یا زیر مجموعه ای از روند با درجه بالاتر است.

۲- موجهای پیشروی ۱، ۳ و ۵ که داخل یک الگوی کامل ۵ موجی واقع شده اند، خود موجهای اصلی از درجه پائین تر هستند و هرکدام از آنها باید به الگوهای ۵ موجی تقسیم شوند.

۳- هنگامی که یک الگوی پنج موجی کامل میشود، سری در حال جریان باید بوسیله یک الگوی واضح و شناخته شده مثل امواج (ABC) یا یکی از حالتهای سه یا پنج موجی "امواج پیچیده" اصلاح گردد.

۴- امواج اصلاحی داخل یک سری پنج موجی، موج دو یا چهار هستند.

۵- وقتی که یک موج پیشرو به صورت معمول بسط پیدا میکند و یا به صورت مشهود از لحاظ قیمت گسترش پیدا میکند و از دو موج پیشرو قبل از خود بزرگتر باشد، در بازارهای مالی این موج های بسط یافته، اغلب موج سوم و در بازار های کالا این موج میتواند موج پنج نیز محسوب شود.

۶- دو موج عادی و بسط نیافته دیگر اغلب از لحاظ رنج قیمتی با هم برابر هستند.

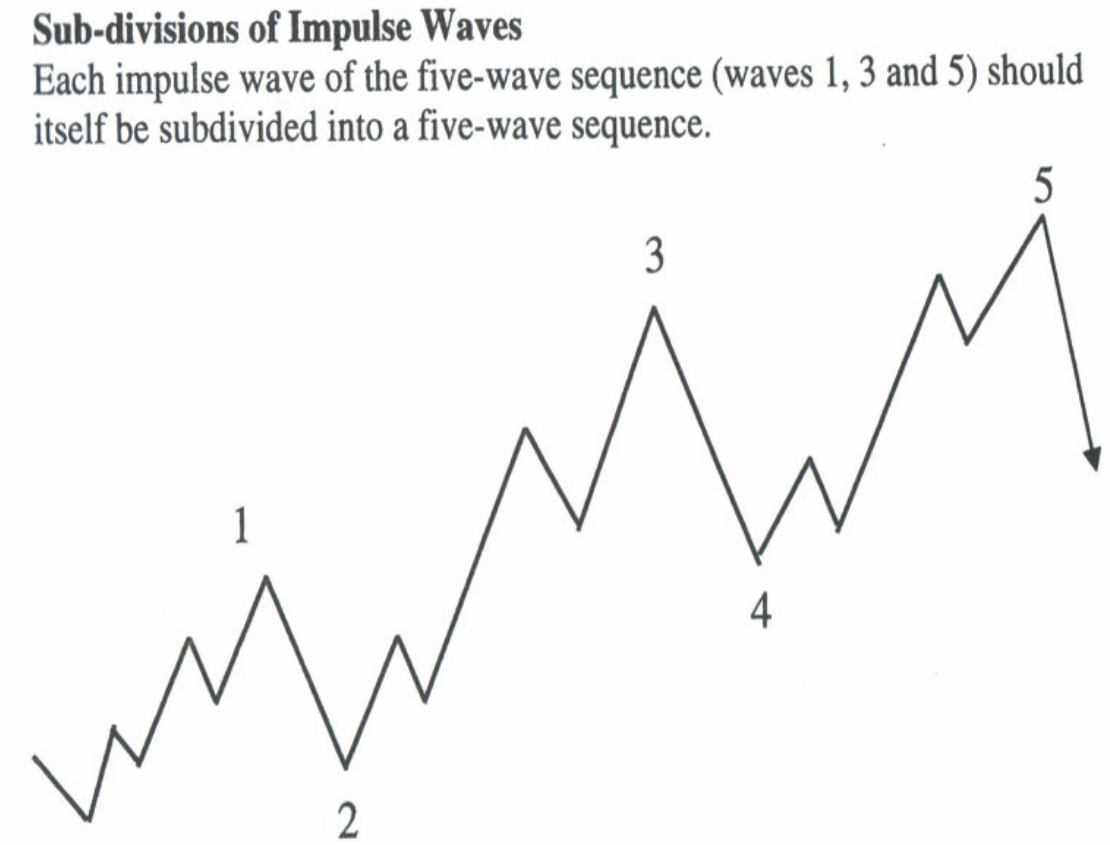

(شکل ۷-۳ – در شکل چگونگی ۵ موج بودن امواج پیشرو نشان داده شده است)

توضیح : به جای کلمه Impulse از واژه پیشرو یا هیجانی استفاده گردیده است.

قاعده کلی امواج الیوت برای یک سلسله موج پیشرو یا هیجانی

بر مبنای آنالیز رایج امواج الیوت، تنها سه قاعده وجود دارد که قابل تأمل و معتبر هستند. هر چند الیوت هرگز این قاعده ها را به صورت معتبر ثبت و ارائه نکرد. وقتی که الیوت این موقعیت ها را در ابتدای راه توصیف میکرد، از واژه ها و اصطلاحات "باید" و "نادر" استفاده میکرد نه از کلمه ای مانند "هرگز" . او بوسیله این کار از انتقاد های احتمالی با مضمون ناکارآمدی و هدفمند نبودن تحلیل امواج و الگوهای الیوت دوری میکرد.

نویسنده کتاب میگوید که من مشکوک بودم که این قواعد بعد از اتمام دوره پنج موجی ای که الیوت مد نظر داشت به صورت معتبر گسترش پیدا میکند؟

از آنجایی که این قواعد راهنمای خوبی برای هدفمند کردن تحلیل ها بر اساس تحلیل الیوت است، این قواعد را در اینجا بازگو خواهیم کرد.

در بخش آخر این قسمت از کتاب به شما چگونگی برسمیت نشناختن ظاهری قواعد الیوت توسط مارکت، که این هم آمیخته با نظم است را نشان خواهیم داد.

========== ==========

قواعد امواج الیوت:

۱- موج ۲ نمیتواند تا آغاز موج ۱ بازگشت و اصلاح داشته باشد.

۲- موج ۳ نمیتواند کوتاهترین موج در سه موج پیشرو در سیکل پنج موجی باشد.

۳- موج ۴ نمیتواند با محدوده موج ۱ همپوشانی داشته باشد.

اگر یکی از این سه قاعده اصلی نقض گردد، شماره گذاری ساختار امواج توسط ما غلط بوده و امواج باید دوباره ارزیابی و تحلیل شوند.

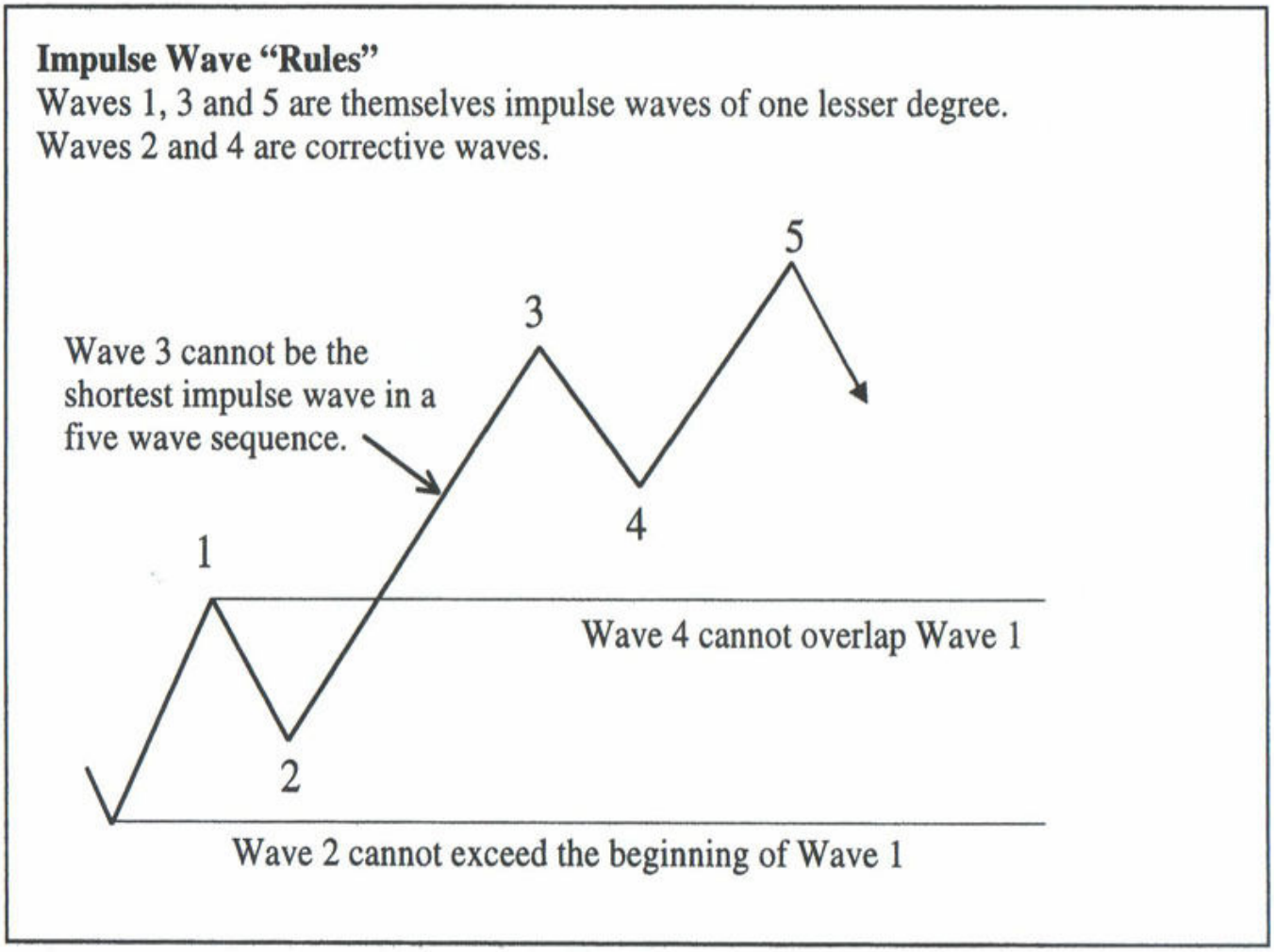

(شکل ۸-۳ – سه قاعده بالا در تصویر به صورت واضح نشان داده شده است.)

قواعد ترسیم شده در صفحات بعدی با فرض بر این است که چرخش و تاب خوردگی از نقطه صفر، همراه با آغاز یک موج پنج تایی پیشرو است.
وقتی که بازار برای ما آشکار میشود، فرضیات ما را معتبر می سازد یا ما را با پتانسیل شمارشی جدیدی، در صورت نامعتبر بودن شمارش قبلی، روبرو خواهد کرد.

==========

موج دو نمیتواند به محل شروع موج یک تجاوز کند.

اگر بازار در هنگام اصلاح از شروع موج یک هم فراتر رفت، شمارش ما باید اصلاح شود.
در شکل زیر پنج موج اولیه بوجود آمده از نقطه صفر نمیتواند موج یک از درجه بالاتر باشد چرا که بازار نزول بیشتری حتی از ابتدای موج یک داشته است.
به احتمال بسیار زیاد این سری پنج موجی، یک موج A از یک اصلاح نامنظم ABC می باشد. موج A و موج C اصولاً پنج موجی هستند که در مبحث امواج اصلاحی به آن خواهیم پرداخت.
یک حالت دیگر این است که نقطه صفر انتخاب شده توسط ما، محل تکمیل سری موج پنج تایی مورد انتظار ما نبوده است و ما این نقطه را به اشتباه انتخاب کرده ایم.
اگر بازار به زیر ابتدای موج یک فرضی ما سقوط کند و در آنجا معامله شود، ما باید به سرعت عقیده مان را نسبت به موقعیت بازار تغییر دهیم و شروع یک سری پنج موجی جدید را باید از سر بیرون کنیم.
بر طبق ساختار قبلی امواج، این حالت بوجود آمده نشانگر یک مارکت بشدت نزولی (Bearish Market) است.

Wave 2 cannot exceed the beginning of Wave 1.

This five-wave sequence cannot be a wave (1) of larger degree as it has declined below the beginning of wave-1. It may be an A wave or even the termination of a complex correction.

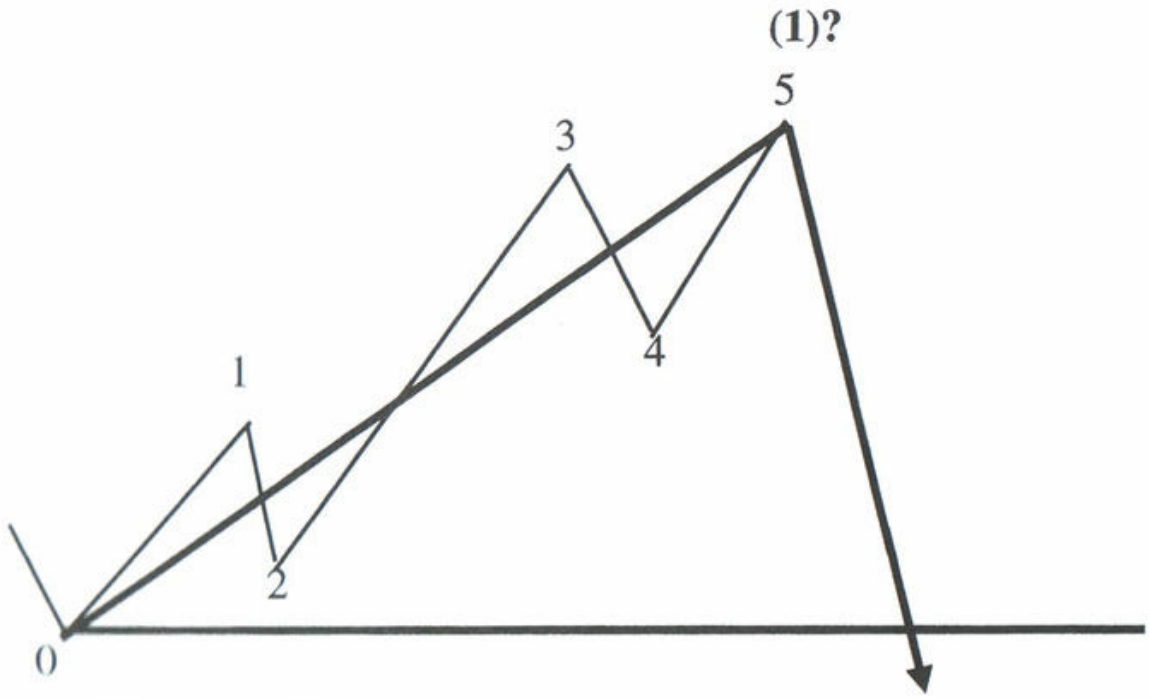

(شکل ۹-۳ – موج ۲ نمیتواند به ابتدای موج ۱ تجاوز کند.)

==========

موج ۳ نمیتواند کوتاهترین موج پیشرو باشد. (بین امواج ۱، ۳ و ۵)

اگر شمارشی که ما بدان اصرار داریم، موج سه را کوتاهتر از موج ۵ شماره گذاری شده توسط ما نشان میدهد، این شمارش اشتباه است و اعتباری نخواهد داشت.

اگر چنین حالتی رخ داده شود، احتمالاً با یک موج ۳ بسط یافته مواجه خواهیم بود و موجهای سه به بعد شماره گذاری شده احتمالاً امواج داخلی موج سه از درجه بالاتر هستند و شمارش باید طبق شکل زیر اصلاح گردد:

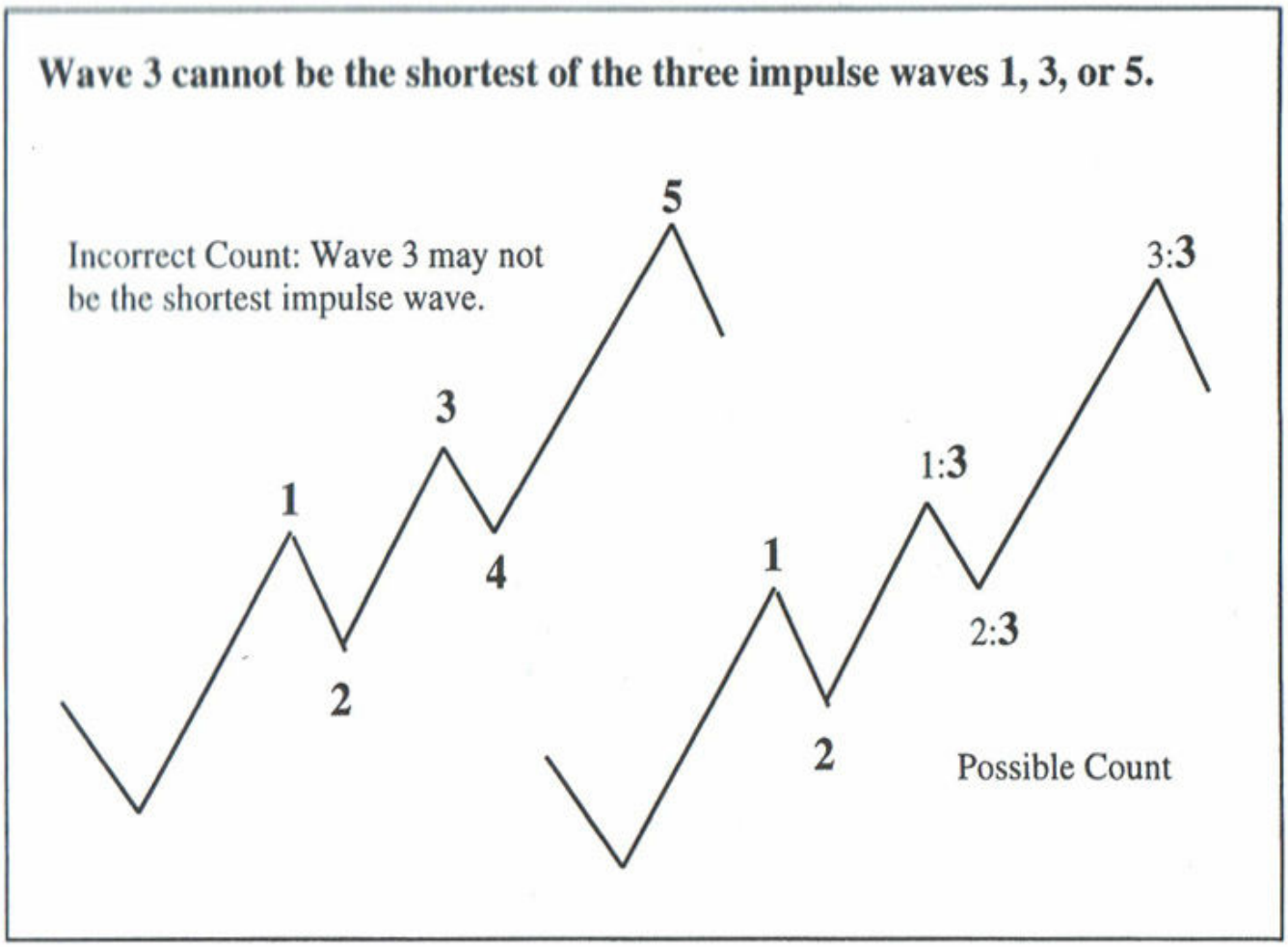

(شکل ۱۰-۳ – موج سوم نمیتواند کوتاهترین موج باشد)

==========

موج چهارم نمی تواند در داخل محدوده قیمتی موج یک معامله گردد.

اگر ما یک شمارش به صورت ۱ – ۲ – ۳ داشته باشیم و زیر موجهای موجود در بازار صعودی از موج سه برگشت کرده و وارد محدوده موج یک گردد، شمارش ما باید اصلاح شود چرا که یکی از قوانین مهم الیوت نقض شده است.

در حقیقت شماره گذاری ۳ و ۴ ما، امواج یک و دو از یک "موج سه با درجه بزرگتر" هستند و یا اینکه مارکت در حال اصلاح قیمت است و شماره گذاری یک تا سه ما در حقیقت یک الگوی اصلاحی ABC است.

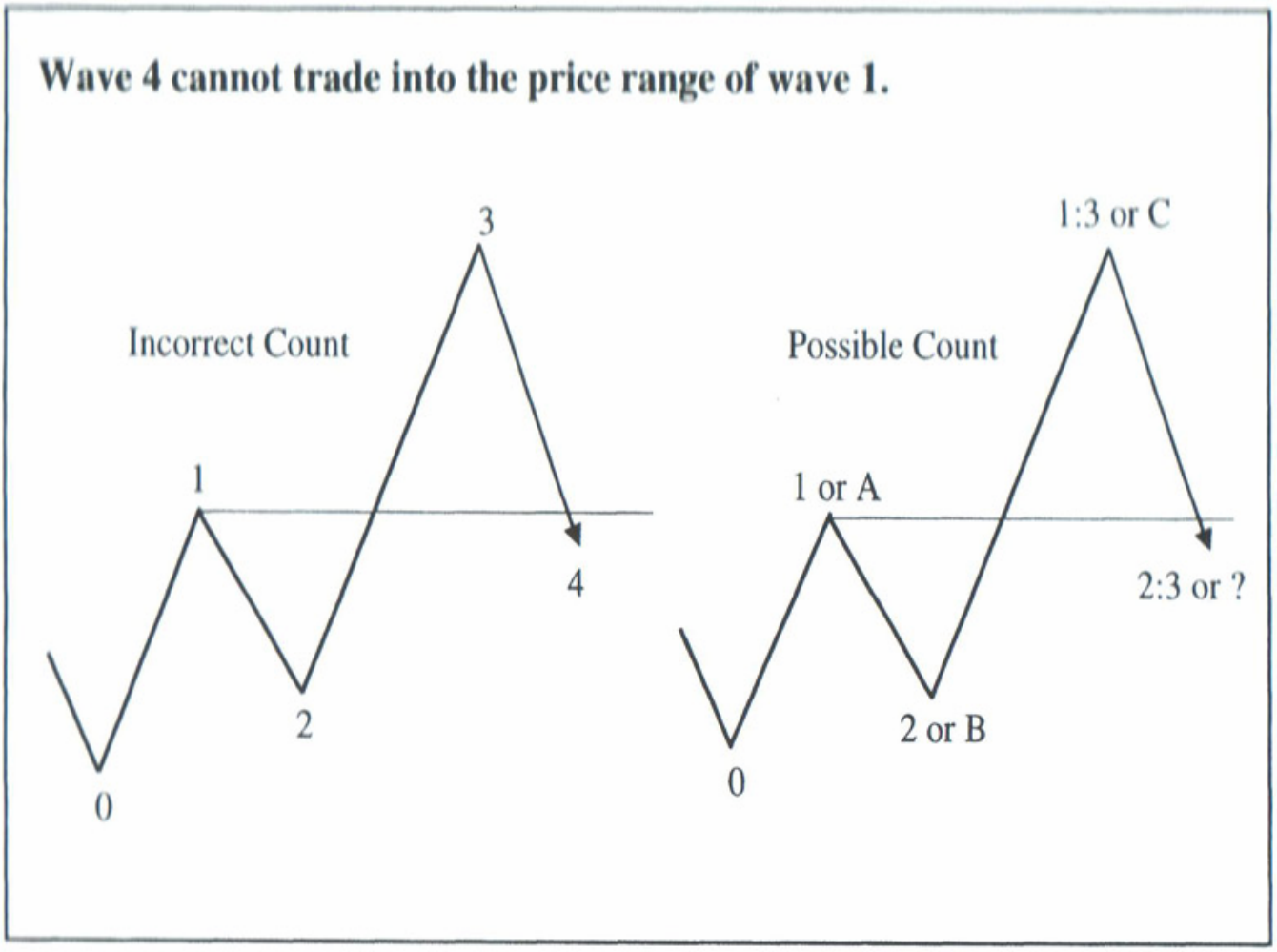

(شکل ۱۱-۳ – موج ۴ نمیتواند وارد محدوده موج ۱ گردد)

==========

الگوهای درجه پایین تر، الگوهای با درجه بالاتر را تأیید و تکمیل میکنند.

وقتی که چارت قیمتی یک بازار شکل میگیرد، به صورت متداوم حدس و احتمالات ما در شمارش امواج را تأیید و یا نقض میکند.

فرضیه زیر این است که بازار با ساختن یک توالی پنج موجی، موج (۱) از درجه بزرگتر را می سازد. از بیشترین قیمت در نقطه (۱) بازار یک نزول اما به صورت پنج موجی را انجام میدهد. این اصلاح پنج موجی، مسلماً یک اصلاح کامل از الگوهای متداول مثل اصلاح ABC (سه موجی) نیست.

این نزول پنج موجی می تواند موج A از یک اصلاح ABC باشد و یا جایی را که ما با (۱) علامت گذاری کرده ایم، انتهای یک اصلاح در سوئینگ نزولی از درجه بزرگتر باشد و این نزول جدید، ادامه روند نزولی خواهد بود.

موقعیت حال حاضر بازار خیلی زودتر به ما کمک خواهد کرد تا نقش بندی آینده بازار و موقعیت الگوهای مختلف را احتمال دهیم، در نتیجه همگی ما خواستار این هستیم که بتوانیم موقعیت حال حاضر بازار را تشخیص دهیم.

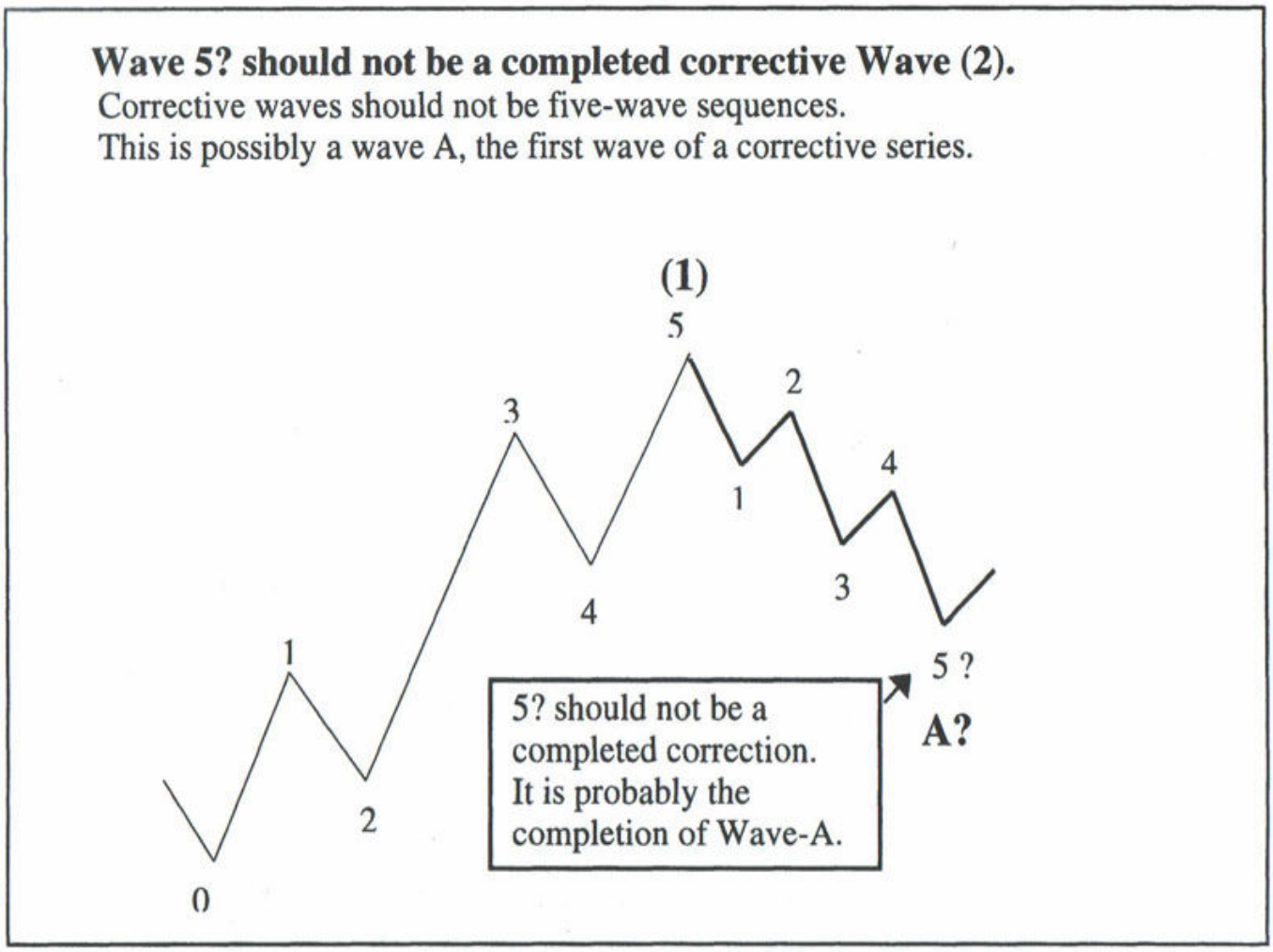

(شکل ۱۲-۳ – پنج موج نزولی نمیتواند یک اصلاح کامل باشد.)

تجارت و معامله کردن، کاربردی کردن دانشی است که با احتمال بیشتر موقعیت و مکان بازار را از یک روش تحلیلی استخراج میکند.

در موقعیت بالا یک نکته مهم این است که نقطه ای که احتمالاً بعد از نزول به عنوان (۲) نام گذاری شد، غلط بوده و تصحیح بر روی آن صورت گرفته است.

داشتن یک سری فرضیات و احتمالات از ساختار غلط یک بازار در قبال اینکه احتمالاً بدانیم ساختار امواج بازار در کجا قرار دارد، چندان ارزشمند نیست.

شکست موج پنجم

انتظار ما از امواج پیشرو (هیجانی) اینگونه است که هر یک از امواج پیشرو (که داخل یک موج با درجه بزرگتر پنج موجی هستند) باید از حداکثر یا حداقل (قله یا قعر) موج پیشروی قبل از خود تجاوز کنند.

به بیان دیگر در یک روند صعودی موج سوم باید از موج یک بالاتر رود و بر همین اساس حداکثر قیمت موج پنج نیز باید از حداکثر موج سوم بالاتر رود.

بعضی اوقات این حالت در موج پنجم اتفاق نمی افتد و موج پنجم در فاصله اندکی از حداکثر موج سوم پایان می یابد. به این حالت ناتوانی یا شکست موج پنجم میگویند.

موج پنجم یک موج پیشرو است و خود این موج باید به پنج زیر موج در درجه پایین تر تقسیم شود.

ترجیحاً قبل از حدس زدن بازار در هنگام شکست خودن موج پنجم، شایسته است که ساختار داخلی و هدف قیمتی امواج داخلی موج پنجم را محاسبه کرده و مشخص کنیم که آیا این شکست میتواند صحیح باشد یا اینکه هنوز موج پنجم تکمیل نشده است؟!

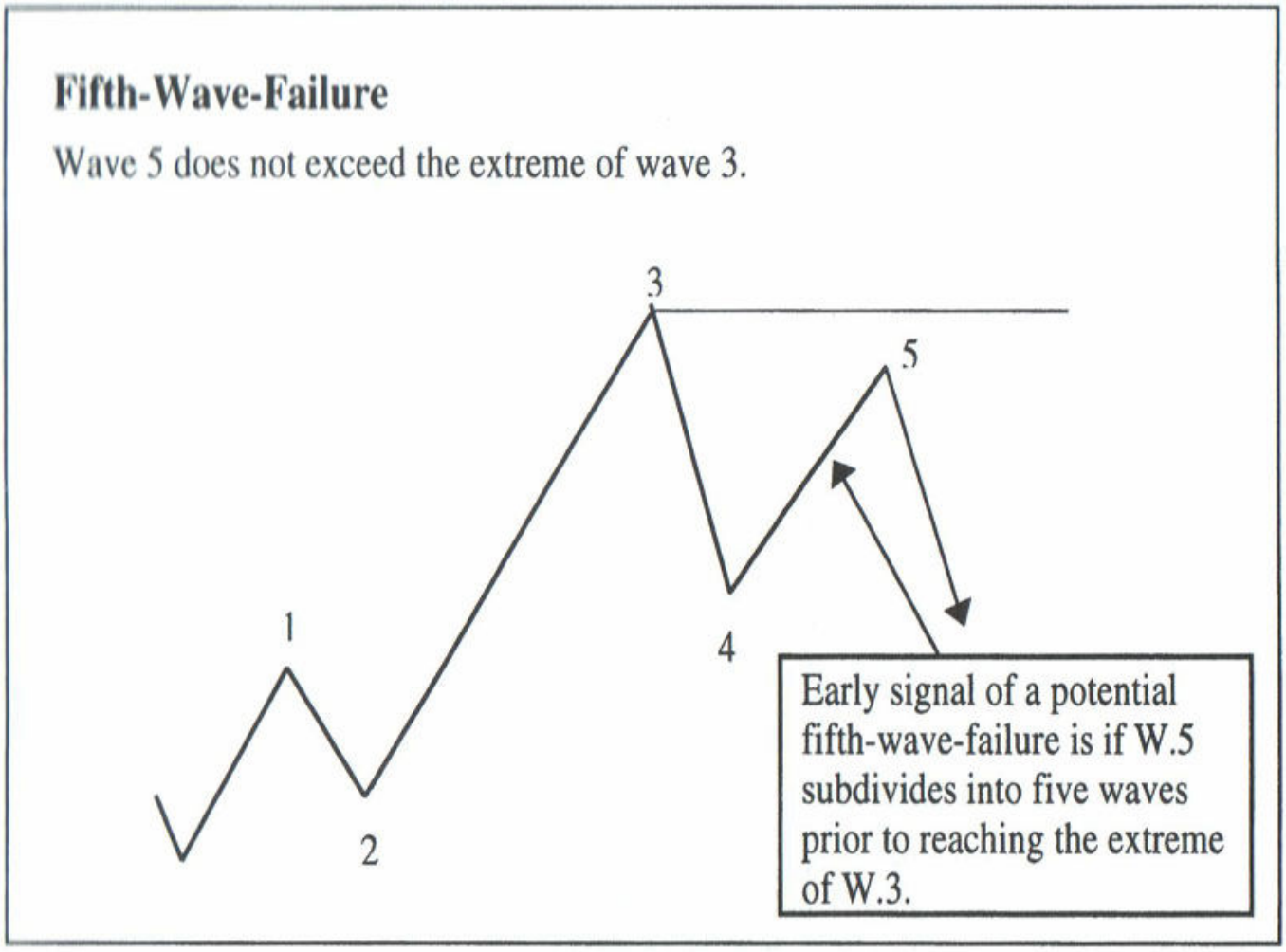

(شکل ۱۳-۳ – ناتوانی و شکست موج پنجم)

یک زنگ خطری که از قبل در مورد شکست موج پنجم به صدا در می آید، ماهیت موج چهارم است. اگر موج چهارم حالت غیر عادی به خود بگیرد و مثلاً اصلاح و بازگشتی بیش از ۵۰٪ محدوده قیمتی موج یک تا سه را انجام دهد یا بیش از اندازه به قله موج یک نزدیک شود، می توانیم از این نشانه ها شکست موج پنجم را احتمال دهیم.

معاملات مهم با توجه به شکست خوردن موج پنجم

یک شکست و ناتوانی در موج پنجم در سری امواج، یک مفهوم و دلیل خوب برای نزول شدید بازار در اصلاح های بعدی است. در نتیجه اصلاح عمیق تری نسبت به حالت عادی اتمام موج پنجم مورد انتظار است.

در ادامه این مباحث، با واژه های Price Retracement، Alternative Price Projection و Price Expansion روبرو خواهیم شد که ترجمه کامل این مباحث تکنیکی در فصل بعدی این کتاب هست و هنوز با آن فاصله زیادی داریم.

مروری بر واژه ها :

Price Retracement : به معنی میزان بازگشت امواج که با Ret بیان میشود.

Alternative Price Projection : به مفهوم تصویر موج پیشرو قبلی از شروع موج پیشروی جدید. (مثلاً میزان حرکتی که موج ۳ نسبت به موج ۱ انجام میدهد.) که با APP بیان میشود.

Price Expansion : از این حالت اغلب در شروع یک سری موج استفاده کرده و هدف نهایی سری موج را اندازه میگیریم و با Exp نشان داده میشود.

میتوان در متن ترجمه به عنوان مثال برای APP از تصویر موج پیشروی قبلی در موج پیشروی جدید یا تصویر قیمتی متناوب استفاده کرد که چندان جالب نیست . در نتیجه از مخفف های این واژه ها استفاده خواهیم کرد.

ان شاء الله بعداً به صورت مفصل همراه با مثال های فراوان، این واژه ها توضیح داده میشوند و تقدیم حضورتان خواهد شد.

پنجمین موج، مثلث دیاگونال:

پنجمین موج دیاگونال یک قاعده استثناء می باشد.مهمترین چیزی که در مثلث دیاگونال وجود دارد تشخیص انتهای مثلث آن می باشد. مثلث دیاگونال در پنجمین موج از یک سری ۵ موجی رخ می دهد، ممکن است امواج پیشرو ۱،۳،۵ از موج درجه بزرگتر ۵ دارای ساختاری ۳ موجه باشد و نه ۵ موجه که این امر می تواند سبب گیج کنندگی در شمارش و موقعیت یک بازار شود .در قواعد امواج الیوت یک استثناء وجود دارد و آن نفوذ موج ۴:۵ به موج ۱:۵ است. ۵ موج دیاگونال بسیار نادر و کمیاب است و معمولا در بالاترین قله های بازار رخ می دهدنه در کف آن.

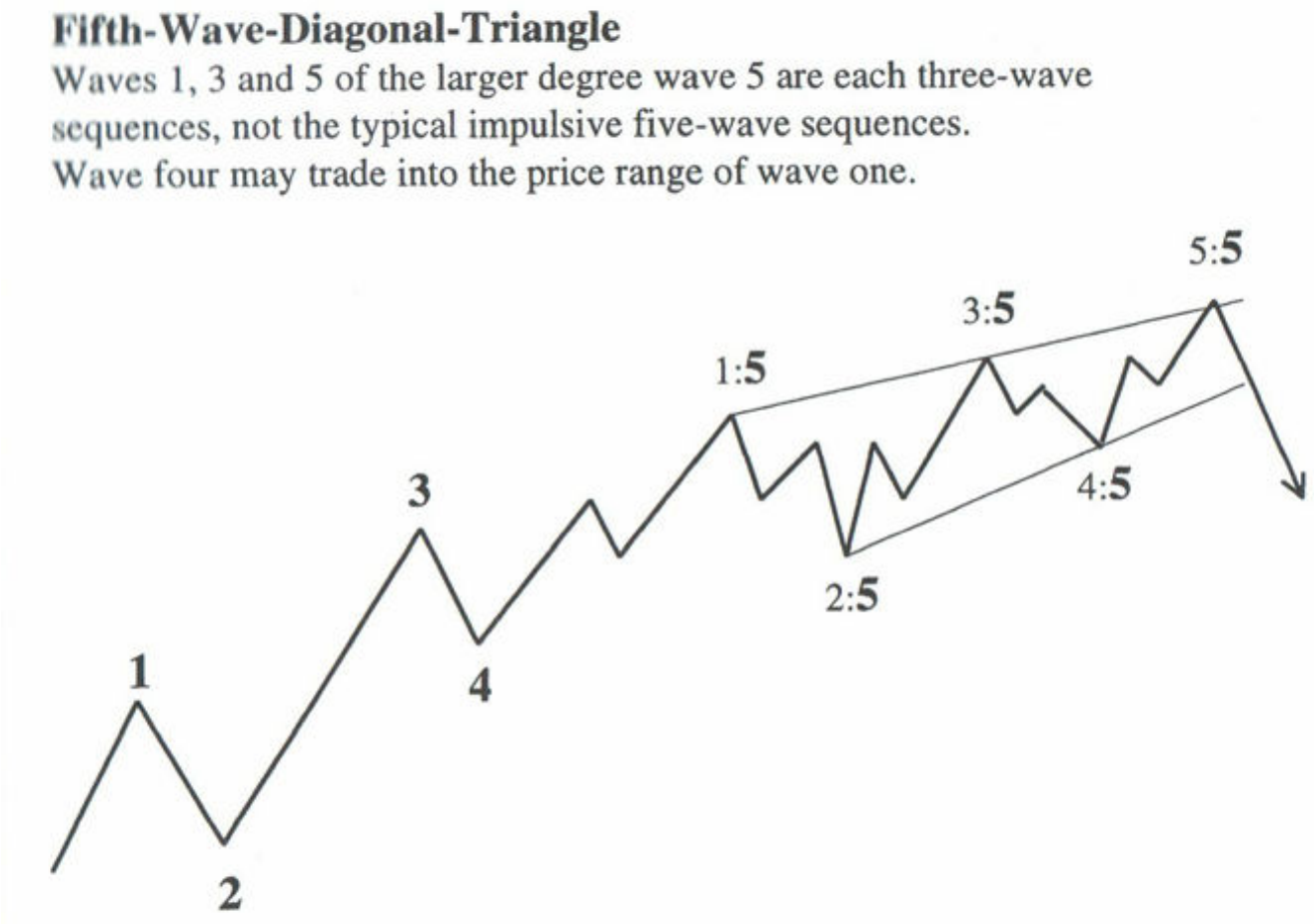

بنابر این پنجمین موج دیاگونال به قواعد امواج الیوت که ساختار امواج پیشرو را بیان می کند تجاوزمی کند.معمولا آنها تا وقتی که نزدیک به کامل شدن پترن هستند و یا تا پایان پترن و حرکت در جهت مخالف روند به صورت واضحی مشخص نمی شوند .یک اصلاح پیچیده گسترش یافته با ساختار پنجمین موج دیاگونال شکلی یکنواخت دارد ،طوری که شما احتمال می دهید بازار در پنجمین موج به صورت دیاگونال است.همیشه فرض بر این است که بازار در یک اصلاح پیچیده قرار دارد و سر انجام به یک روند ختم می شود مگر خلاف آن ثابت شود . عدم شناخت دیاگونال برای معاملات شما خطرناک و شناخت آن به سود

سرمایه شماست، چنانکه بسیاری از تحلیل گران امواج الیوت و معامله گران بازار سهام اذعان داشتند که بازار سهام آمریکا در تمام دوره ۱۹۹۳-۱۹۹۴ قله ای جدید را تاسیس کرده و از آن خارج شده است .

مهمترین مفهوم معامله گری در موج دیاگونال:

اگر تشخیص پنجمین موج دیاگونال اینقدر سخت است و معمولا زمانی آشکار می شود که به صورت کامل شکل گرفته چه اهمیتی دارد که از ساختار آن آگاه شویم؟ یکی از نکات پنجمین موج دیاگونال این است که پس از کامل شدن آن در یک بازار یک اصلاح فوق العاده قوی شکل می گیرد.
اگر بازار علائمی مبنی بر اینکه ساختار فعلی بازار یک اصلاح پیچیده نیست بلکه پایان پنجمین موج دیاگونال است را هشدار دهد معامله گران و سرمایه گزاران خود را برای یک اصلاح عمیق و طولانی نسبت به روند قبلی آماده می کنند. اگر بازار از موج ۲:۵ تجاوز کرد یقینا میتوان گفت که بازار یک موج دیاگونال را کامل کرده و در این شرایط معامله گران این فریب را نمی خورند که بازار در یک اصلاح طولانی قرار دارد بلکه تشخیص می دهند که یک موج پیشرو و اصلی از درجه ای بزرگتر کامل شده و به پایان رسیده است.

قواعد و راهنماها برای توالی ۵ موج اصلی و پیشرو:

۱- اگر ما باور داریم که آخرین حرکت ناگهانی صعودی و یا نزولی که به صورت انگیزشی آغاز شده،۵موج یک روند را ترتیب داده ما نمی توانیم در زیر آن(در صورت صعودی بودن) و در بالای آن (در صورت نزولی بودن) اقدام به معامله کنیم زیرا موج ۲ نمیتواند به موج ۱ تجاوز کند و آن را اصلاح نماید اگر این حالت رخ داد شمارش ما نادرست بوده است. مفهومی که در این معامله وجود دارد این است که استاپ لاس ما هرگز بیشتر از ۱ پوینت آنطرف تر از جایی که ما تصور می کنیم موج ۱ آغاز شده قرار ندارد.
۲- اگر ما اعتقاد داشتیم که موج ۱ و۲ پایان یافته و یک سری ۵ موجه برای موج ۳ آغاز شده می توانیم احتمال دهیم که این موج به لحاظ قیمتی از موج ۱ بزرگتر و طولانی تر است. از سه موج پیشرو ۱و۳و۵ از یک سری ۵ موجی معمولا موج ۳ از همه بیشتر گسترش می یابد (این امر مخصوصا در بازارهای مالی و سهام بیشتر صادق است). در بازارهای کالا معمولا موج ۵ به طرز وحشتناکی گسترش پیدا می کند . و در نهایت موج ۱ به ندرت موج گسترش یافته است.
در حقیقت معمولا موج ۳ موج گسترش یافته است. موج ۳ معمولا بزرگتر از موج ۱ است . کمترین انتظار از موج ۳ رسیدن به ٪۱۰۰(APP) موج ۱ است. وقتی بازار از ٪۱۰۰(APP) موج ۱ تجاوز کرد ما نشانه ای قوی برای حرکت ۵ موج متوالی بازار را خواهیم داشت. و این امر ادامه روند بازار را برای ما تائید می کند.
در تعین سریع استاپ لاس دستپاچه نشوید ما قبلا به این رسیده ایم که موج ۳ حداقل به اندازه ٪۱۰۰(APP) موج ۱ حرکت خواهد کرد. استاپ لاس باید در نزدیکی بازارتنظیم شود ، بالاخره محدوده قیمت یک موج ۳که به آن شک داریم از محدوده موج ۱ تجاوز میکند.

۳- هنگامی که ما به این باور رسیدیم که بازارموج سومی از ۵ موج متوالی را کامل کرد در حالی که قیمت موج ۳ از موج ۱ کمتر بود پس موج ۵ باید کوچکتر از محدوده قیمتی موج ۳ شود. موج ۳ نمی تواند کوچکترین موج در یک سری ۵ موجی باشد. در این حالت ما می توانیم بگوییم که بیشترین قیمت متصور برای موج ۵ میتواند ٪۱۰۰(APP) موج ۳ باشد. اگر قیمت بازار به بالاترین قیمت از ساختار این موج (موج۵) نزدیک شد باید استاب لاس را به بازار نزدیک تر کنیم.

۴- اگر شما اعتقاد داشتید که موج ۳ تکمیل شده و حرکت بازار یک موج ۴ است ولی در محدوده موج ۱ معامله صورت میگیرد یقینا شمارش شما غیر معتبر است زیرا موج ۴ نمی تواند داخل موج ۱ نفوذ پیدا کند و شما باید شمارش خود را تصحیح نمایید. ما باید استاپ لاس را در دورترین نقطه موج ۱ قرار دهیم هر چند در شرایطی باید استاپ را به بازار نزدیکتر کنیم.در شرایطی که یک بازار صعودی شکل گرفت و هنکامیکه بالاترین نقطه موج ۳ را تشخیص دادیم و حرکت ریزشی موج ۴ آغاز شد باید استاپ را به ۱ پوینت زیر نقطه اوج موج ۱ انتقال دهیم .

۵- پترهای درجه پایین ترتایید کننده موقعیت درجه های بالایی هستند.هر کدام ازموجهای ۱،۳ و ۵ باید از ۵ موج در یک درجه پایین تر ساخته شده باشند.اگر بازار قواعد پترنهای پیشرو را در یک درجه پایینتر نقض کرد به ما نشان خواهد داد که درجه بزرگتر ، ۵ موج پیشرو مورد پیشبینی نبوده است.معمولا پترنهای امواج از درجه پاینتر در چارت روزانه به صورت واضح دیده نمی شوند. اگر پترن های درجه پایین تر آشکار و واضح بودند ، توانایی استفاده در معامله و سرمایه گذاری جهت بدست آوردن سود به همراه یک استاپ لاس نزدیک را خواهیم داشت ، تنظیم استاپ لاس و نزدیک کردن آن به بازار مشروط به تنگ شدن هدفهای زمانی و قیمتی و اتمام روند بازار است.

در تمام بخشهای زمان و قیمت این کتاب شما یاد میگیرید که چگونه از ابتدای امواج محدوده زمانی وقیمتی آن را برنامه ریزی کنید که در چه زمان و چه قیمتی بازار می تواند روند خود عوض کند و تغیر جهت دهد.

وقتی که یک موج را با سایر امواج مقایسه میکنیم، یک سیستم شماره گذاری ساده باید ما را به سرعت متوجه این مقایسه ها بکند. به چند نمونه زیر توجه کنید:

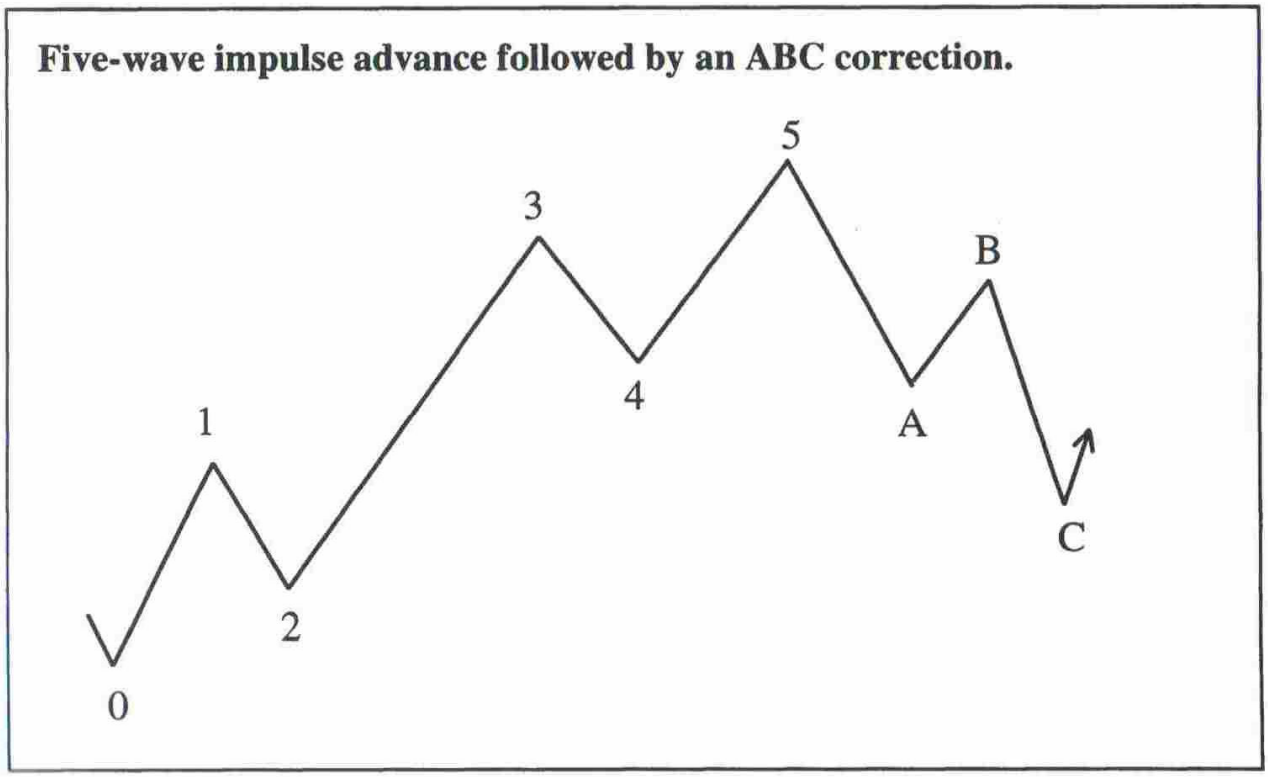

The illustration above shows a five wave advance followed by an ABC

در مثال بالا نشان داده شده که ۵ موج پیشرو به یک اصلاح ABC منتهی شد که به امواج درجه کوچکتر تقسیم نشده است.

به زودی در این فصل نماد گذاری و برچسبهای امواج شرح داده خواهد شد. این قسمت نمادهای مورد استفاده برای مقایسه امواج هنگامیکه پیش بینیهای زمان و قیمت بوجود می آید را شرح میدهد.

محدوده امواج:

محدوده قیمت بوسیله محور عمودی و محدوده زمانی بوسیله محور افقی شمارش می شود.

یک موج را با نماد **W** نشان می دهیم .

W.1 در شکل بالا فاصله نقطه ۰ تا ۱ می باشد.

W1-3 فاصله نقطه آغازین موج ۱ یعنی نقطه ۰ تا انتهای موج ۳ می باشد. در واقع **W1-3** به معنی فاصله نقطه ۱ تا ۳ نمی باشد .

W.3-5 فاصاه نقطه ۲ تا نقطه ۵ می باشد که از ابتدای موج ۳(انتهای موج ۲) آغاز و به انتها موج ۵ ختم می شود. موج ۵ به دو موج ۱ و ۳-۱ و یا یکی از درصدهای فیبوناچی وابستگی کامل دارد. اگر ما پایان موج ۴ را تشخیص دادیم (شروع موج ۵)میتوانیم هدف موج ۵ را بوسله عوامل زمان و قیمت پیش بینی کنیم.

مثالهایی از مقایسه قیمت های امواج:

۶۴۲,۰۰: W.5 = 61.8% W.1. At 642.00 محدوده قیمت موج ۵ با ۶۱,۸٪از موج ۱ برابر است.

۶۴۳,۲۰: W.5 = 100% W.1. At 643.20 محدوده قیمت موج ۵ با ۱۰۰٪ از موج ۱ برابر است.

۶۴۴,۱۰: W.5 = 61.8% W.1-3. At 644.10 محدوده قیمت موج ۵ با۶۱,۸٪ موج ۱ تا ۳ برابر است.

۶۲۲,۱۰: W.2 = 50% Ret. W. 1. At 622.10 موج ۲ در محدوده ۵۰٪ موج ۱ است.

۶۳۳,۵۰: W.3 = 100% Exp. W. 1. At 633.50 منهی الیه موج ۳ در ۱۰۰٪ موج بسط یافته(expansion) یک می باشد .

اینها تنها مثال بودند که بیان شدند.در مباحث قیمت و زمان به صورت کامل به شرح انها پرداخته خواهد شد.هر موج و تقسیمات آن مشخصات معینی برای کمک به تشخیص موج و موقعیت داخل روند درجه بزرگتر دارد.در قسمتهای بعدی خصوصیات مهم و قیمتهای وابسته هر موج پیشرو یا اصلاحی شرح داده می شود.در فصل قیمت جزئیات چگونگی پیش بینی قیمت فراهم شده است .

امواج پیشرو و هیجانی ۱، ۳ و ۵

مشخصات اصلی و نسبت های پروجکشن و تصویرشده قیمت (Price Ratio Projection)

وقتی که یک بازار حرکت و پیشروی میکند، امواج بیشتری را کامل میکند که در این میان، امواج افزوده شده را میتوان با امواج قبلی مقایسه کرد و با درصدهای پروجکشن امواج قبلی در نظر گرفت.

مراحل اولیه یک روند حاوی اطلاعات کمی برای بدست آوردن تصویر و پروجکشن امواج بعدی است اما مراحل بعدی یک روند ما را با اطلاعات بیشتری روبرو خواهد کرد.

هدف نهایی بدست آوردن میزان پیشروی قیمت برای یک سری پنج موجی، حدس زدن محل اتمام موج پنجم است که این پایان، همراه با اتمام موجی با درجه بزرگتر خواهد بود. به عنوان مثال این سری پنج موجی مد نظر، امواج داخلی موج پنج بزرگ هستند و بعد از آن انتظار یک اصلاح در بازار را داریم که از لحاظ زمانی و قیمتی باید از موج دو و چهار سری پنج موجی پایان یافته، بزرگتر باشد.

بحث ذیل در مورد مشخصات و هدف قیمتی امواج پیشرو داخل یک سری پنج موجی است که با فرض بر این است که ما یک تغییر روند را در قیمت مشاهده و تعریف کردیم که این تغییر روند شروع یک سری موج جدید است.

وقتی که یک بازار در حال حرکت است، چگونگی عمل و عکس العمل ها، برخورد ها و نفوذها ما را در تصدیق و یا رد کردن اینکه آیا یک موج پیشروی حقیقی در حال تشکیل شدن است، کمک میکنند.

بدست آوردن هدف و تصویر قیمتی امواج که در مباحث آتی گفته شده است، روابط داخلی امواج درون یک توالی پنج موجی است. ما باید همیشه به خاطر بسپاریم که هر سری موج، یک بخش و زیر مجموعه از توالی امواج با درجه بزرگتر هستند.

پروجکشن و تصویر قیمتی داخلی امواج در درجه های بزرگتر، هدف خارجی امواج در درجه پایین تر خواهد بود. این مطلب با مثال های گوناگون و زیبا شفاف سازی خواهد شد.

پروجکشن و تصویر قیمتی ای که در صفحات آتی معرفی خواهد شد، تصویر و پروجکشن متعارفی است که برای امواج الیوت تعریف شده است.

یک محدوده قیمتی معتبر که شامل سطوح حمایتی و مقاومتی زیادی است، از گروه زیادی از همین تصاویر و پروجکشن های قیمتی تشکیل شده است که در بخش "تحلیل پویای قیمت" (Dynamic Price Analysis) مفصلاً توضیح داده میشود.

این تصاویر قیمت به صورت متناوب ما را با حداکثر و حداقل انتظار معقول از حرکت و هدف قیمتی ساختار امواج یک موج بزرگ در حال حرکت و جریان، آشنا میکند.

یک عامل مهم دیگر که بسیار هم معتبر است، این است که تصاویر و پروجکشن های زیادی از درجه های مختلف یک محدوده را بسازند.

به عنوان مثال، وقتی که پروجکشن و تصویر قیمتی موج پنج داخلی از یک موج متوسط، با پروجکشن همان موج متوسط در یک محدوده قرار بگیرند، ما یک محدوده بسیار معتبر قیمتی را پیش رو خواهیم داشت.

احتمال بسیار بالا برای برگشت این امواج این است که محدوده قیمتی مورد نظر دارای پروجکشن هایی از یک درجه بالاتر و یک درجه پایین تر باشد. در حقیقت امواج با درجه پایین تر، پروجکشن و تصویر قیمتی موج بزرگتر بعد از خود را تثبیت و تأیید میکنند.

موج اصلی و پیشرو "یک"

الف- موج یک باید به پنج زیر موج تقسیم شود.

ب- موج یک معمولاً از لحاظ قیمت و زمان از موج اصلاحی قبل از خود (از درجه یکسان) بزرگتر است.

موج "یک"،چرخش و سوینگ اولیه و ابتدایی بر خلاف روند قبلی بازار است. موج "یک" به ندرت موج بلند و طولانی در بین ۳ موج پیشرو در یک توالی پنج موجی است. این موج در اکثر مواقع از لحاظ قیمتی و زمانی شبیه امواج اصلاحی قبل از خود است چرا که هنوز عقیده اکثریت معامله گران تغییر نکرده است. آنها عقیده دارند که هنوز موج قبلی در جریان است و موج "یک" بوجود آمده، اصلاح هایی است که در داخل بازار صورت میپذیرد. مهمترین علامتی که مشخص می کند احتمالاً موج "یک" تشکیل شده است، تکمیل موج اصلاحی قبلی با ساختار کامل است و موج حال حاضر و مشکوک به موج (۱) حتماً پنج موجی باشد.

امواج اصلاحی معمولاً به صورت سه موجی ظاهر می شوند مثل ABC، حال اگر موج در جریان یک موج ۵ تایی باشد، قاعدتاً این موج، موج اصلاحی نیست و شاید یک موج پیشرو و اصلی باشد.

چارت زیر نشان میدهد که رالی ایجاد شده از نقطه صفر به نظر پنج موجی شده است که این میتواند نشانه ای بسیار خوب برای یک موج شماره (۱) از درجه بالاتر باشد.

یک چیرگی (OverBalance) در قیمت و/یا زمان هم یک نشانه خوب است که بازار یک بازگشت و واژگونی در موج بزرگتر بر خلاف روند ایجاد کرده است. بعد از این چیرگی در بازار، انتظار تعویض شدن حرکت مارکت می رود.

یک چیرگی در زمان و قیمت هنگامی رخ میدهد که یک سووینگ و تاب خوردگی بزرگتر از لحاظ محدوده رنج قیمتی و زمانی در بازار، برخلاف جهت روند قبلی در تایم و درجه بزرگ رخ داده باشد.

اگر بازار یک سری پنج موجی بسازد که از لحاظ زمان و قیمت چیرگی ای بر اصلاح قبل از خود داشته باشد، این یک نشانه پرقدرت است که تغییر روند در درجه بالاتر نسبت به اصلاح قبلی است (آخرین حرکت مخالف روند) و بازار ممکن است در مرحله اول از یک سری جدید امواج پیشرو باشد.

بخاطر اینکه موج یک، موج اولیه از یک سری پیشرو جدید است، سوییـنگ و تاب خوردگی های زیادی برای مقایسه در سر راه خود برای ساختن پروجکشن و هدف قیمتی پیش رو دارد.
در حالت ایده آل، زمانی که توالی موج پنج تایی از درجه پائین تر که در داخل موج بزرگتر شـماره یـک در حال آشکار شدن است، سوییـنگ ها و تاب خوردگی های این امواج با درجه کوچک به ما اجازه میدهنـد تـا پروجکشن و هدف قیمت را بدست بیاوریم.

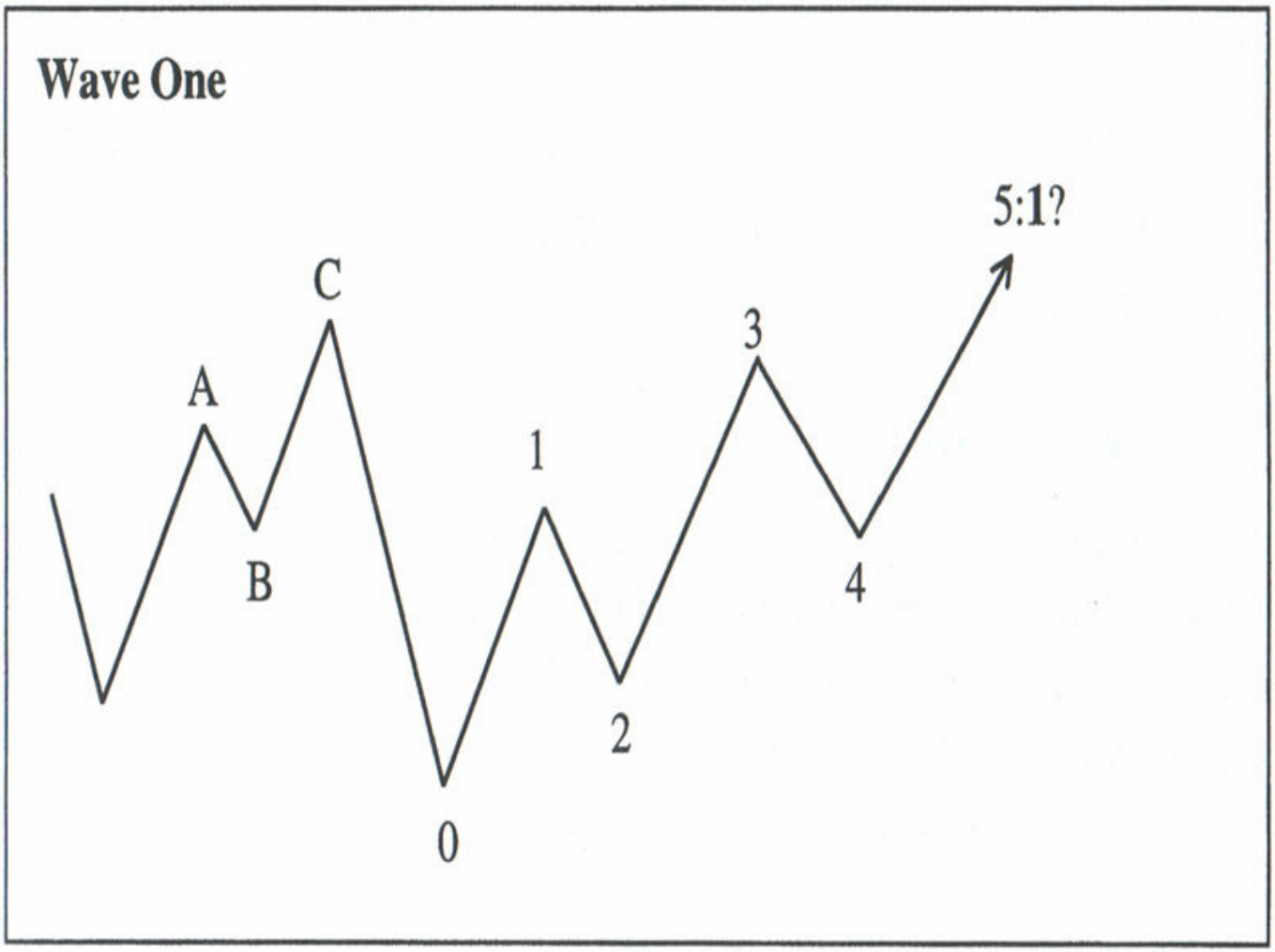

(شکل ۱۶-۳ – چیرگی قیمتی و زمانی بعد از یک اصلاح ABC)

==========

جمع بندی کلی از موج یک پیشرو:

الف- موج یک در درجه پائین تر باید به سری پنج موجی تقسیم شود.
ب- موج یک معمولاً از لحاظ زمان و قیمت در همان درجه از موج اصلاحی قبل از خود بزرگتر است.

در شکل بالا، اصلاح آخر یک سری ABC است. توالی شماره گذاری شده یک تا پنج از لحاظ زمان و قیمت از توالی ABC بزرگتر است. در نتیجه می توان این سری پنج موجی را موج یک از درجه بالاتر فرض کرد.

موج سه پیشرو:

الف- موج سوم هرگز نمیتواند به عنوان کوتاهترین موج در امواج پیشرو باشد.

ب- موج سوم اغلب موج توسعه یافته است. (یعنی از لحاظ محدوده قیمتی از امواج یک و پنج بزرگتر است)

موج سه در مقایسه با موج یک:

تا زمانی که موج یک ندرتاً بلندترین موج در امواج پیشرو باشد و موج سه اغلب بسط یافته می شود، می توانیم حداقل به اندازه خود موج یک برای موج سه انتظار پیشروی در محدوده قیمت را داشته باشیم و هدف قیمتی موج سوم را ۱۰۰٪ محدوده موج یک بدانیم. W.3 = 100% W.1

اگر موج مورد نظر ما که مشکوک به موج سوم است از محدوده ۱۰۰٪ موج یک گذر کرد، یک سیگنال پرقدرت مبنی بر اینکه این موج احتمالاً همان موج سوم از سری پنج موجی در جریان است، صادر میشود.

حال یک حداقل هدف قیمتی دیگری میتوان در نظر گرفت. مهمترین مقاومت سر راه قیمت W.3 = 162% W.1 است. اکثر اوقات موج سوم هدفی بین ۱۶۲٪ تا ۲۶۲٪ موج یک را دارد.

در حقیقت موج سوم اغلب در نزدیکی یا در خود این دو نسبت مهم پایان می یابد.

W.3 = 162% W.1 Or W.3 = 262% W.1

موج سه در مقابل موج دو:

موج سه در اکثر مواقع وابستگی خود را با موج دو با نسبتهای ۱۶۲٪، ۲۰۰٪ و ۲۶۲٪ نشان داده است. (W.3 = 162% W.2, etc) اینها همگی بازگشت های خارجی امواج هستند که حالت پروجکشن را بوجود می آورند (External Ret) و در فصل بعدی به صورت مفصل بر روی آن بحث خواهیم کرد.

موج سه در مقایسه با موج بسط یافته یک:

هدف قیمتی موج سوم با توسعه محدوده قیمتی موج یک همواره رابطه دارد. موج یک اغلب "موج پیشروی اولیه" نامیده می شود.

نسبت های مهم برای این تصویر و پروجکشن ۱۰۰٪، ۱۶۲٪، ۲۰۰٪ و ۲۶۲٪ محدوده موج یک است که به انتهای موج یک اضافه میشود. مبحث توسعه امواج در فصل بعدی تشریح خواهد شد.

موج سوم اغلب بلند ترین و قویترین موج است.

موج سوم اغلب میزان بزرگتری از تغییرات را در بین دو موج دیگر پیشرو دارد. به عبارت دیگر این موج دارای شیب تند تری نسبت به موج یک است. میزان این تغییرات در موج سوم وقتی افزایش ناگهانی پیدا میکند که موج از اکسترمم بوجود آمده بوسیله موج اول گذر میکند. این دقیقاً نقطه ای است که تعداد بسیاری از معامله گران و سرمایه گذاران متقاعد میشوند که روند بطور کلی تغییر یافته و حرکت صعودی جدیدی آغاز شده است و شروع به وارد شدن به بازار صعودی کرده و از تفکرات وحشتناک و نابود کننده نزول مارکت دست میکشند. این حالت معمولاً در زیر موج سوم از موج سوم با درجه بزرگتر (۳:۳) اتفاق می اقتد و احتمال دارد که بازار با گپ باز شده و این زیر موج رنج وسیعی از لحاظ قیمت را به خود اختصاص خواهد داد.

بخاطر اینکه زیر موج سوم از موج سوم اغلب قدرتمندترین تحرک را در بازار بوجود می آورد، اکثر معامله گران در حالت ایده آل می خواهند که قبل از اینکه این موج در شرف وقوع باشد، وارد مارکت شده و از این موج سود خوبی کسب نمایند. بخاطر اینکه تمام تکنیک های تحلیل معامله پویا (Dynamic Trading Analysis) در بخش زمان و قیمت از نشانگر های مقدم و پیشتاز بازار هستند و تغییرات محتمل را از قبل محاسبه می کنند، شکار این حالت از بازار فقط یک امید واهی نیست و اکثر مواقع به واقعیت تبدیل خواهد شد.

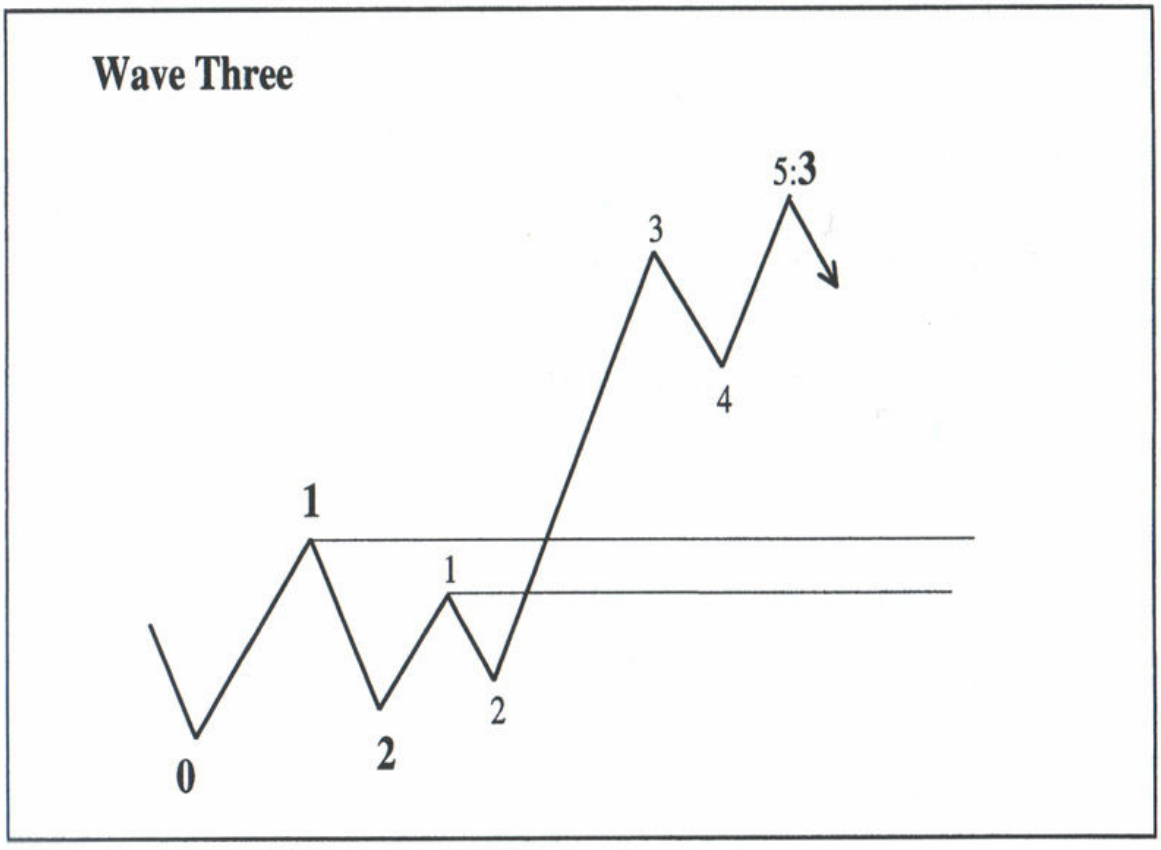

(شکل ۱۷–۳ – جهش قیمت موج هیجانی ۳:۳ در عبور از اکسترمم های موج ۳:۱ و ۱)

خلاصه ای از موج سوم:

الف- موج سوم باید در درجه پائین تر دارای یک پنج موج باشد.

ب- موج سوم باید در محدوده بزرگتری از تغییرات نسبت به دیگر موج های پیشروی یک و پنج حرکت نماید.

ج- محدوده تغییرات موج سوم اغلب با گذر این موج از اکسترمم موج یک گسترش پیدا میکند.

د- زیر موج سوم از موج سه بزرگ (۳:۳) اغلب قویترین حرکت با محدوده وسیع در بازار را دارد و بعضاً با گپ همراه است.

ه- محدوده قیمتی موج سوم نسبت به موج یک، ۱۶۲٪ یا بزرگتر از این نسبت خواهد بود.

راهنمایی استراتژی معامله برای موج سوم:

اگر موج یک و دو از موج بزرگتر شناسایی شدند(مثل شکل بالا)، یک پتانسیل معامله با ریسک کم و سود زیاد شکل میگیرد که همانا خرید در محل شکست و تجاوز قیمت از قله موج یک از موج سوم با درجه بزرگتر (۱:۳) خواهد بود.

همچنین یک استراتژی دیگر که اغلب توسط معامله گران مورد استفاده قرار میگیرد، ورود به بازار در هنگام اتمام موج اصلاحی دوم است.

اگر تقسیمات موج سوم با درجه بزرگ به صورت واضح قابل تشخیص نبود، می توان در شکسته شدن قله موج ۱ از همان درجه بزرگ وارد بازار شد.

در حالت ایده آل، معامله گران اولیه در هنگام اتمام موج اصلاحی دوم وارد بازار خواهند شد تا کل موج سوم را در بازار باشند تا سود زیادی عایدشان گردد.

موج اصلی و پیشروی پنج

موج پنج در مقایسه با موج یک

دو موج توسعه نیافته در یک سری توالی پنج موجی اغلب از لحاظ رنج قیمتی نزدیک به هم هستند. اگر موج سه در مقایسه با موج یک، ۱۶۲٪ یا بزرگتر از این نسبت باشد، این فرض را در نظر میگیریم که موج سوم یک موج توسعه یافته است.

اگر با فرض بالا موج سه را بسط یافته بدانیم، موج پنج مکرراً دارای رنج قیمتی یکسانی با موج یک خواهد بود. (W.5 = 100% W.1)

اگر موج پنج در ۱۰۰٪ رنج قیمتی موج یک یا نزدیکی آن کامل نشد، احتمالاً در ۶۲٪ یا ۱۶۲٪ محدوده قیمتی و پروجکشن موج تکمیل میشود.

اگر هیچ کدام از امواج یک و سه بسط یافته نشدند، این احتمال وجود دارد که موج پنج بسط یافته شود و تا حدود ۱۶۲٪ یا بیشتر از محدوده موج یک یا سه، پیشروی کند.

موج پنج در مقایسه با موج سه

ارتباط بین موج پنج و موج سه به اندازه ارتباط آن با موج یک یا موج کلی یک تا انتهای سه (۳-۱) مهم و معتبر نیست. اگر موج سه به صورت بسط یافته ظاهر شود، (بزرگتر از ۱۶۲٪ امواج یک)، موج پنج معمولاً در نزدیکی سطوح ۳۸٪، ۵۰٪ یا ۶۲٪ موج سوم کامل می شود. اگر موج پنج بسط یافته شود یعنی از لحاظ محدوده رنج قیمتی از موج یک و یا سه نیز بزرگتر شود، موج پنج به سمت ۱۰۰٪ و یا ۱۶۲٪ موج کلی یک تا سه (۳-۱) سوق پیدا میکند.

موج پنج در مقایسه با موج کلی یک تا سه (Wave 1-3)

اگر موج سه بسط یافته باشد، موج پنج معمولاً از لحاظ قیمتی در محدوده ۳۸٪ یا ۶۲٪ موج یک تا سه قرار خواهد گرفت.

موج پنج در مقایسه با موج چهار

موج پنج از لحاظ رنج قیمتی مکرراً به اندازه ۱۲۷٪، ۱۶۲٪، ۲۰۰٪ و یا ۲۶۲٪ موج چهار خواهد بود اما نسبت ۱۶۲٪ بسیار زیاد دیده شده است. W.5 = 162% W.4

موج کلی سه تا پنج در مقایسه با موج دو

حد نهایت ابتدای موج سه تا انتهای موج پنج با موج دو در اعداد ۱۶۲٪، ۲۶۲٪ و ۴۲۴٪ از Ret خارجی موج دو، ارتباط دارد. انتهای موج پنج ندرتاً از نسبت ۴۲۴٪ بازگشت خارجی (E.Ret) موج دوم تجاوز میکند.

موج پنج در مقابل Exp موج یک

انتها و پایان موج پنج که از طرف معامله گران هدف گرفته میشود، معمولاً با Exp موج یک در ارتباط است.

این نسبت های مهم اغلب ۱۶۲٪، ۲۰۰٪، ۲۶۲٪، ۳۰۰٪ و ۴۲۴٪ اکسپنشن موج یک هستند که از طرف معامله گران مد نظر گرفته می شوند.

میزان تغییرات موج پنج

موج پنج معمولاً دارای میزان تغییرات کمتری نسبت به موج سوم است. حتی اگر یک اکسترمم جدیدی توسط موج پنج ایجاد شود. به عبارت دیگر موج پنج دارای شیب کمتری نسبت به شیب موج سه است.

روانشناسی عمومی، مشاوران امور سرمایه گذاری و بازرگانی و رسانه ها همگی در انتظار انتهای یک موج پنجم قرار دارند. در یک بازار صعودی، وقتی که دیگر پولی برای سرمایه گذاری وجود ندارد، روند باید پایان بپذیرد. حتی اگر موج پنج یک حداکثر دیگری در بازار بوجود بیاورد. حجم سرمایه گذاری در موج پنج به مراتب کمتر از حجم موج سوم است یعنی دیگر خریداری برای بالا بردن قیمت عرضه و خرید وجود ندارد.

درست وقتی که اکثریت معامله گران در موقعیت حال حاضر بازار نگاهی به سمت صعود بیشتر در تایم های بالاتر را دارند، بازار به نقطه اوج خود می رسد.

در این مواقع، هیچ اشاره و زنگ خطری مبنی بر اینکه بازار یک قله را ایجاد خواهد کرد و بعد بازار صعودی در هم شکسته خواهد شد، وجود ندارد.

موج پنج باید در درجه پایین تر به یک توالی پنج موجی تقسیم شود.

موج پنج تا زمانی که در درجه پایین تر یک سری پنج موجی را کامل نکرده، نمیتواند پایان بپذیرد. یک راهنمای دقیق برای بدست آوردن ناحیه مورد انتظار و متراکم از پروجکشن های امواج مختلف، که تغییر

روند را نوید میدهند این است که وقتی امواج در درجه پایین به محدوده مورد نظر پروجکشن خود می رسند، در همان زمان نیز پروجکشن امواج با درجه بزرگتر نیز به همان محدوده ها برسند.
مثلاً وقتی که هدف قیمتی زیر موج پنج از موج بزرگتر پنج با هدف قیمتی خود موج پنج منطبق می شود، نتیجه جالبی بدست می آید و آن هماهنگی و همزمانی تکمیل موج پنج از درجه بزرگتر است.

راهنمای استراتژی معامله برای موج پنج

در هنگام تکمیل موج پنج می توان مخالف روند بازار وارد معامله شد.
یکی از کم ریسک ترین و پرسود ترین پتانسیل های معامله در بازار هنگامی است که با توجه به تحلیل پترن و الگوهای امواج اتمام موج پنج را تشخیص میدهیم. موج پنج ساختار روند را تکمیل میکند و باید حرکتی بر خلاف جهت روند که موج پنج آن تشکیل شده، صورت بپذیرد. این حرکت مخالف روند بازار باید از لحاظ قیمتی و زمانی، از حرکت های مخالف درون روند قبلی (موج ۲ و ۴ اصلاحی درون روند اصلی) از گستردگی بیشتری برخوردار باشد.
وقتی که نشانه هایی از اتمام و تکمیل پنج موج در بازار دیده شد، حد ضرر پوزیشن های باز باید در انتظار اتمام روند، به قیمت حال حاضر بازار نزدیک گردد. همچنین معامله گران باید انتظار ورود در جهت عکس روند پنج موج قبلی به بازار را داشته باشند که این امر با مشاهده سیگنال برگشتی محقق میشود.
در حالت ایده آل باید تقسیم بندی موج پنج آشکار و واضح باشد. همچنین پروجکشن و تصویر زمانی ، قیمتی و الگویی اتمام موج پنج از موج بزرگتر پنج (۵:۵) در یک محدوده باریک قرار گیرد که برگشت بازار از آن محدوده محتمل تر باشد

امواج اصلاحی

هنگامیکه بصورت پایه ای فقط یک الگو برای امواج پیشرو، یعنی الگوی توالی پنج موجی وجود داشت، الیوت هشت الگوی مختلف و قدرتمند را برای امواج اصلاحی توصیف کرد.

شناسایی و شماره گذاری امواج اصلاحی در تحلیل امواج الیوت اشتباه و سردر گمی را بوجود نمی آورد اما بسیاری از افراد را به سمت انکار کردن کاربرد عملی این تحلیل سوق می دهد. بنابر لازمه و ماهیت ساده بینی تحلیل بازار، ما وارد تشریح مفصل اصلاح های "پیچیده" نمی شویم.

در اصل، امواج اصلاحی دارای الگوی ۳ موجی و ترکیبات مختلفی از این سه موج هستند.

ساده ترین ترکیب این امواج سه تایی یک الگوی ABC است. حتی در داخل این الگوی ساده سه تایی، ۴ حالت مختلف وجود دارد: زیگزاگ (Zigzag)، مسطح (Flat)، بی قاعده و نامنظم (Irregular) و جاری (Running) .

ما در اینجا فقط بر روی انواع مختلف الگوی ABC بحث خواهیم کرد و از انواع دیگر اصلاح به دو دلیل چشم پوشی میکنیم:

الف- وقتی که یک بازار اثبات میکند که الگوی اصلاحی پیش رو حالت ABC را ندارد، حدس زدن اینکه بازار چه فرمی از الگو های اصلاحی را به خود خواهد گرفت، تقریباً غیر ممکن است. تمام شماره گذاری هایی که بعد از یک الگوی ABC انجام میشود، به نحوی یک نوع حدس زدن است. فرم یک اصلاح پیچیده اغلب بعد از شکل گیری قابل مشاهده است و قبل از آن هیچ تصوری نمیتوان نسبت به آن داشت.

ب- دانستن تمام حالت های پیچیده اصلاحی بخاطر نداشتن ارزش عملی معامله، کار بیهوده ای است.

هدف این کار و آموزش دیدن این روش تبدیل شدن به یک مشاور متخصص در زمینه آنالیز و تحلیل نیست اما تشخیص و بکارگیری استراتژی های تحلیل و معامله که ارزش عملی این کار را داشته باشند یکی از اهداف ماست.

ما اجازه میدهیم که افراد آکادمیک با تحلیل های غیر کاربردی بر سر تفسیر و برداشت مناسبی از ساختار بازار بحث کنند و ما بر روی اینکه چه چیزهایی ما را به سمت معاملات و سرمایه گذاری های سودمند تری سوق میدهد، تمرکز خواهیم کرد.

امواج اصلاحی

مشخصات عمومی

۱- در یک سری ۵موجی امواج اصلاحی آن ، امواج ۲ و ۴ هستند

۲- الگوهای اصلاحی بعد از یک سری ۵ موجی آشکار می شود

۳- الگوی اصلاحی اقلاً به صورت سه موج A , B, C آشکار می شود

۴- سه موج اصلاحی A , B, C امکان دارد سه یا ۵ موجه باشد (به شکلهای ۵-۳-۳ یا ۵-۳-۵) . موج B همیشه دارای ساختاری سه موجه و موج C همیشه دارای ساختاری ۵ موجه می باشد

۵- سه موج اصلاحی A , B, C امکان دارد به چندین صورت شکل گیرد: zigzag, irregular, flat

۶- امواج اصلاحی امکان دارد به صورت نامعلومی از پیشروی از سه و پنج موجی که گفته شد (به صورت پیچیده یا complex) اشکار شود که می تواند یک سریه A , B, C جداگانه که به آن X گفته می شود در برداشته باشد یک موج X می تواند دارای برچسب DK باشد (dont know) . در بیشتر موارد تحلیل گران امواج الیوت از برچسب X استفاده می کنند.

۷- اصلاحات تمایل دارند در نزدیکی محدوده چهارمین موج از یک درجه کوچکتر پایان یابند

۸- هنگامی که یک اصلاح به پایان رسید به دنبال آن یک سریه پنج موجی اصلی را خواهیم داشت

اصلاح ساده A , B, C یا زیگزاگ

A - یک اصلاح بعد از کامل شدن یک سری پنج موجی آغاز می شود

B- موج A امکان دارد سه یا پنج موجه باشد . اگر موج A پنج موجه باشد به اصلاح مـا ۵-۳-۵ گفته می شود. اگر موج A سه موجه بود به آن ۵-۳-۳ گفته می شود

C- موج B یک اصلاح از درجه بزرگتر است که باید دارای ساختاری سه موجه باشد

D- موج C از منتهی الیه موج A تجاوز می کند

E- موج C حتما باید به پنج موج کوچکتر تقصیم شده باشد

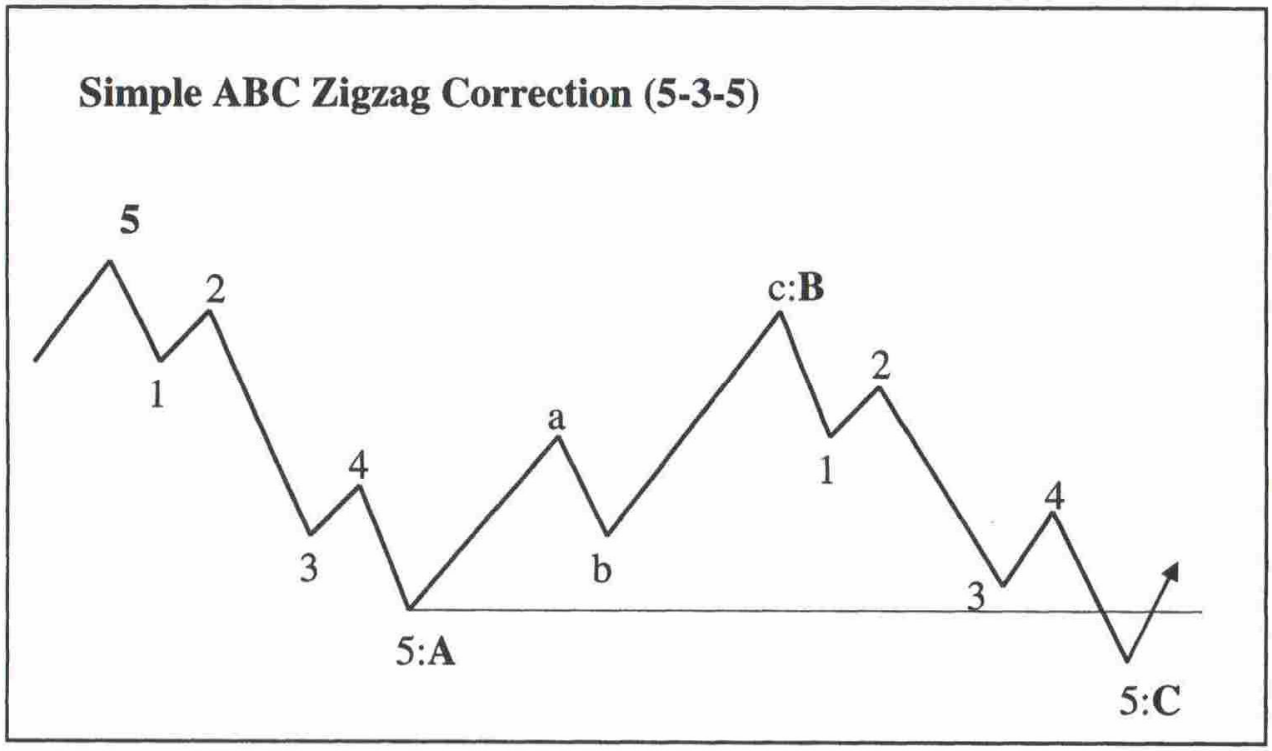

==========

اصلاح A,B,C به صورت FLAT

A- اصلاحی که پس از کامل شدن یک الگوی پنج موجی پیشرو آغاز می شود

B- موج A امکان دارد سه یا پنج موجی باشد

C- موج B به محدوده موج پنج از سری قبل می رسد . موج B سه موجه می باشد

D- موج C به محدوده موج A از اصلاح می رسد . موج C پنج موجه می باشد

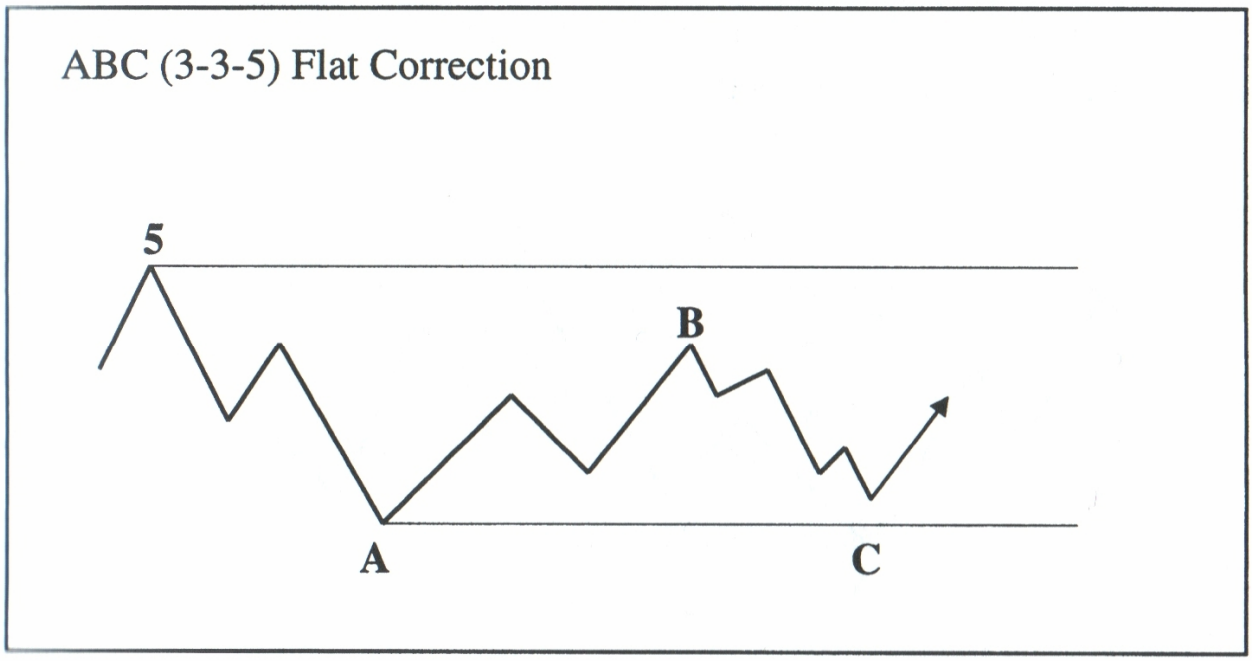

اصلاح غیر عادی A,B,C (ایرگولار irregular)

A- اصلاحی که پس از کامل شدن یک الگوی پنج موجی پیشرو آغاز می شود

B- موج A ممکن است داری ساختاری سه یا پنج موجه باشد

C- موج B به منتهی الیه موج پنج تجاوز می کند (موج B داری ساختاری سه موجه است)

D- موج C به منتهی الیه موج A تجاوز می کند (موج C پنج موجه است)

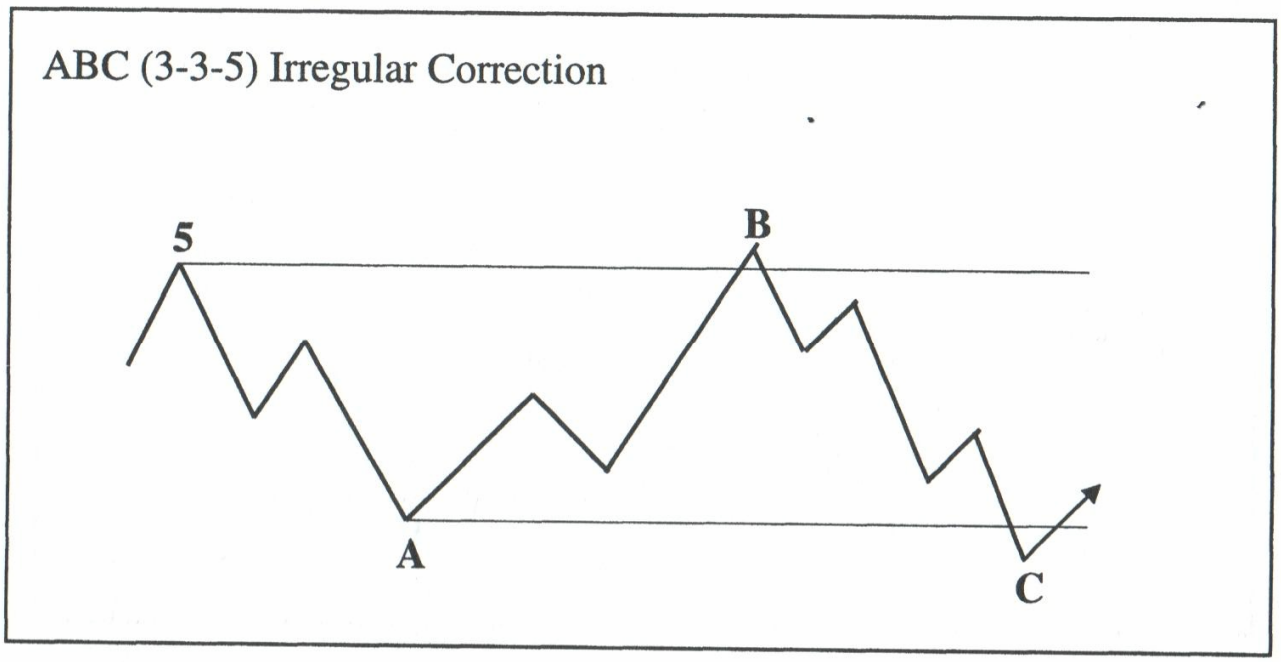

اصلاح A,B,C (رانینگ running)

این اصلاح در ادامه روند ظاهر می شود و پس از کامل شدن یک سریه پنج موجی متوالی وپس از آن به وجود آمدن این اصلاح ، بلافاصله و با سرعت پنج موج متوالی بعدی آغاز خواهد شد این نوع از اصلاح یک روند قدرتمند ادامه دهنده را به ما گوش زد می کند که پس از اتمام آن آغاز می شود البته این اصلاح به ندرت رخ می دهد

A- اصلاح running پس از یک سریه پنج موجی پیشرو آغاز می شود

B- موج A امکان دارد سه یا پنج موجه باشد و نسبتا دارای عمق و نفوذ کمی است

C- موج B به منتهی الیه موج پنج تجاوز می کند

D- قیمت نمی تواند پس از ریتریس از موج B به موج A تجاوز کند

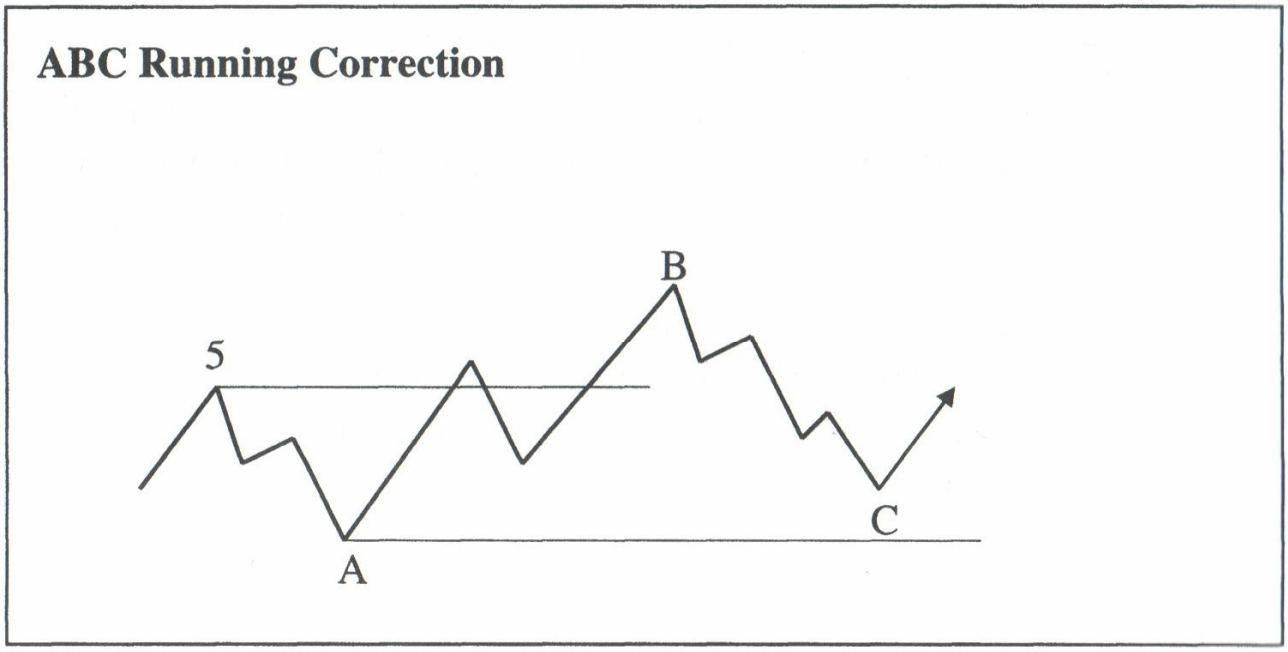

اصلاحی یا اصلی؟

یک اصلاح A,B,C (پنج - سه - پنج)زیگزاگ داری ساختاری مشابه با امواج ۱ تا ۳ پنج موج اصلی می باشد. اگر موقعیت بازاری که آغاز شده ساختار آن به صورت واضح و بدیهی آشکار نبود در این صورت فقط می توان با استفاده از الگوهای امواج بر تشخیص اصلاحی بودن موج یا اصلی بودن آن پی برد. در شکل زیر نشان داده شده بیان می شود که امواج می توانستند در اولین مرحله ی یک سری پنج موجی باشد یا یک ساختار اصلاحی A,B,C .

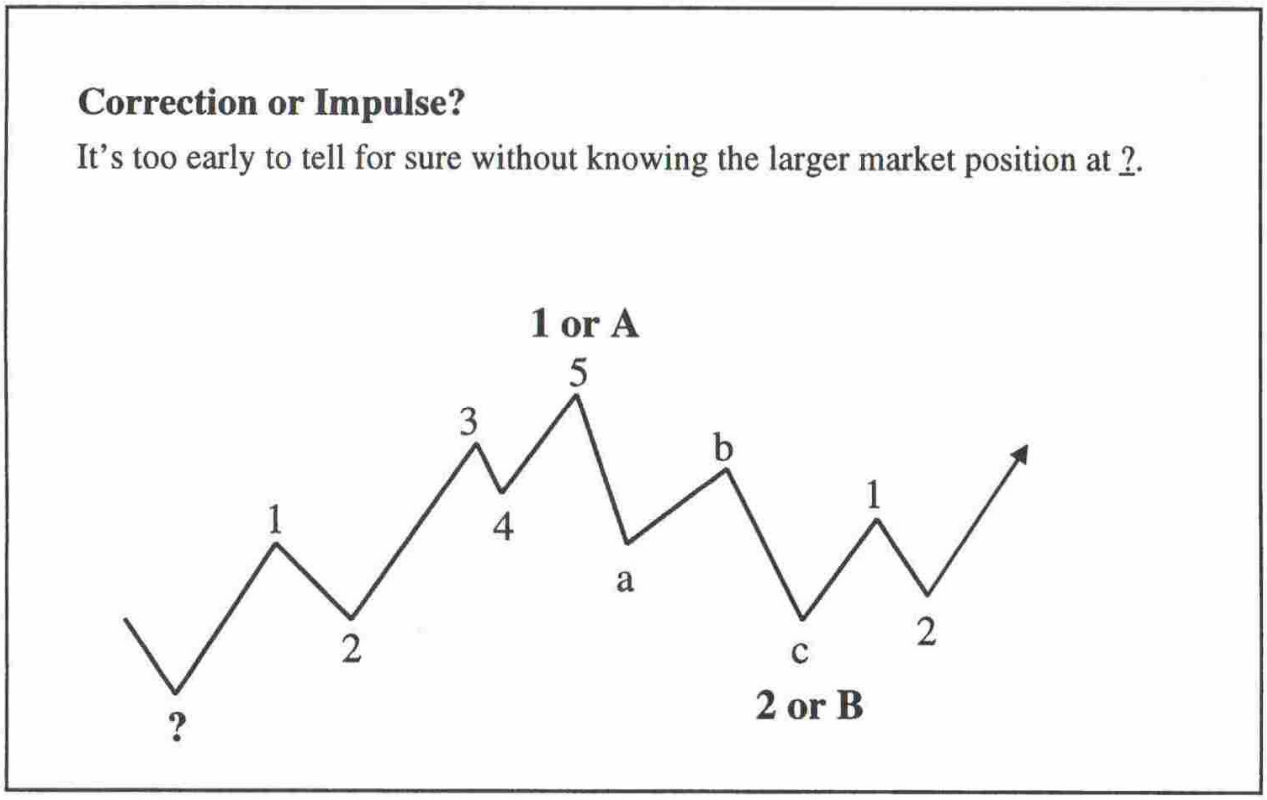

(شکل ۲۱ – ۳)

اولین چیزی که در زمینه قواعد امواج الیوت در مثال بالا می دانیم این است که پنج موج اصلی و پیشرو می تواند از جایی که برچسب **Bor 2** گذاشته شده توسعه یابد و امکان دارد این سری پنج موجی موج سه یا موج C باشد .

ما می خواهیم جهت تصمیم گیری به خود کمک کنیم خواه جریان فعال کنونی بازار یک موج اصلاحی باشد یا یک موج اصلی. .واضح است که از نقطه ۲ **Bor** یک سری پنج موجی متوالی آشکار خواهد شد اگر این پنج موجی که در حال شکل گیری است از ۱۰۰٪ پروجکشن موج A عبور کرد **(W.C>100% W.A)** بیشترین احتمال این است که این سری پنج موجی متوالی موج سه می

باشد ولی اگر این سری پنج موجی از ۱۰۰٪ پروجکشن موج A کوچکتر بود بیشترین احتمال این است که موج کنونی یک اصلاح ساده ی A,B,C را کامل کرده و امواج مورد نام گذاری ما یک تا سه نبوده است **(W.C<100% W.A)**

اگر در ادامه موج **Bor 2** یک سریه ۵ موج متوالی کامل شد و بازار بعد از آن به زیر نقطه **Aor 1** نفوذ کردنتیجه ای که خواهیم گرفت بیان می کند که شمارش ما مبنی بر موج ۱ تا ۳ صحیح نبوده چون موج ۴ نمی تواند در محدوده موج ۱ نفوذ کند و در آن ناحیه معامله شود.

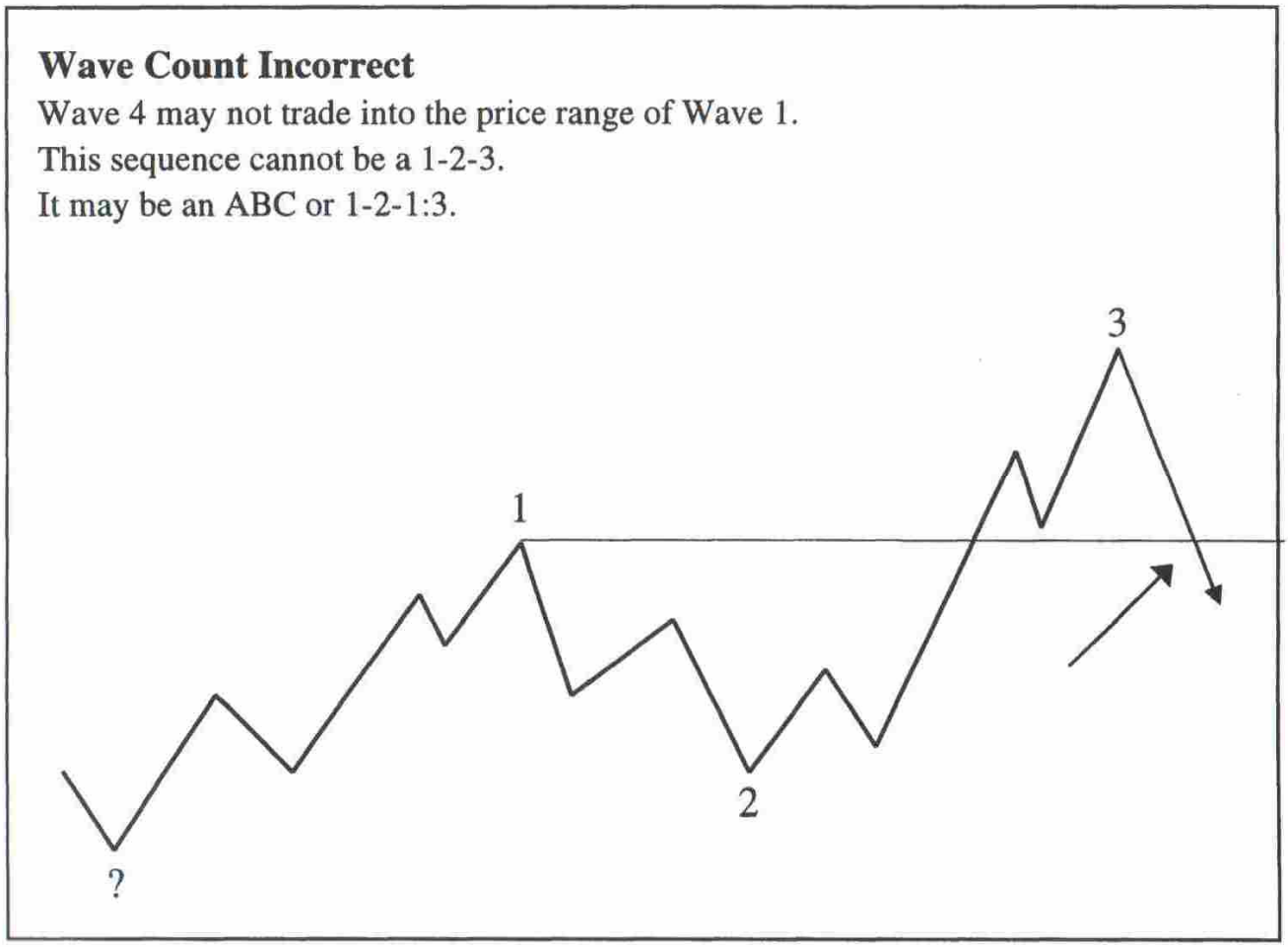

در شمارشی که در شکل بالا ملاحظه می کنید تصور بر این بود که بازار بالاترین قیمت موج ۳ را ساخته و سپس قیمت به موج ۱ نفوذ کرده . چرا شمارش ما نادرست بوده؟ بله چون موج ۴ امکان ندارد در محدوده موج ۱ معامله شود.

سریعا در شماره گذاری ۱-۲-۳ تجدید نظر می کنیم چون شاید ما یک اصلاح A,B,C و یا ۱-۲ -- ۱:۳ را داشته باشیم، بطوریکه بازار دوباره شرایط تایید و نقض شمارشی را که به خود گرفته برای ما آشکار خواهد کرد.

الگوی اصلاحی

راهنماهای اصلی موج دو و چهار

ساختار موج پیشرو پنج موجی اغلب در شکل متقارن تر و از لحاظ هدف قیمتی هم قابلیت حدس زدن را دارند اما امواج اصلاحی این ویژگی ها را ندارند.یک تحلیل گر بازار باید این نکته مهم را به ذهن بسپارد که مهمترین هدف موج الیوت و تحلیل الگو ها این است که تشخیص دهد که بازار در حالت روند است یا مخالف روند ، و اینکه باید چگونگیه رابطه درجه های مختلف روند و مخالف روند را بداند.

۱- وقتی که ما متقاعد می شویم که یک سری پنج موجی تکمیل شده است، می توانیم انتظار این را داشته باشیم که یک الگوی ABC جریان دارد. در اکثر مواقع موج C، اکسترمم موج A را دوباره تست می کند و یا از این اکسترمم عبور خواهد کرد.

۲- اصلاح بعد از یک سری پنج موجی، باید از لحاظ قیمت و زمان از اصلاح های درون سری پنج موجی، بزرگتر باشد.

۳- موج A اصلاحی میتواند سه یا پنج موجی باشد. اگر یک موج سه تایی ابتدایی شکل گرفت، این سوال بوجود می آید که در کجا این سه موج شکل گرفته یک اصلاح ABC کامل است و در چه موقع می تواند موج A از موج اصلاحی ABC از درجه بزرگتر باشد؟

اگر این ABC اولیه شکل گرفته در بازار، از لحاظ قیمتی و زمانی از هر دوی اصلاح های موج دو و چهار سری پنج موجی قبلی کوچکتر باشد، مطمئناً این موج، موج A از اصلاح ABC خواهد بود.

۴- اگر بازار یک سری پنج موجی درخلاف جهت اصلاح (موج A بوجود آمده) ایجاد نماید، ما یک سیگنال قوی مبنی بر این داریم که اصلاح ما پایان یافته است.

موج B (موج اصلاحی در موج ABC اصلاحی) باید به صورت سه موجی باشد.

۵- اصول تناوبی: اگر موج دوم، یک اصلاح ABC باشد، موج چهارم احتمالاً یک موج اصلاحی پیچیده خواهد بود (توالی هر موجی که به صورت پیشرو یا ABC نباشد).

اگر موج دوم یک موج پیچیده باشد، موج چهارم احتمالاً یک موج ساده ABC خواهد بود. اما اغلب موج دوم به صورت اصلاحی ساده (ABC) ظاهر میشود.

توضیح : از دوستان عزیز تقاضا می شود مطالب این چند پست اخیر را ملکه ذهن خود کنند زیرا موارد یاد شده از اهمیت فوق العاده ای بر خوردار بوده و تمام موارد بعد زمان و قیمت وابستگی خود را از این مباحث از دست نخواهند داد.

یک توالی پنج موجی اغلب از یک روند پیشرو با درجه بزرگتر است.

یک توالی سه موجی اغلب قسمتی از یک حرکت مخالف روند است.

یک اصلاح معمولاً بعد از یک سری پنج موجی شکل میگیرد. یک اصلاح کامل شده باید به صورت سه موجی مثل اصلاح ABC باشد.

پس یک اصلاح کامل شده نباید یک سری پنج موجی باشد و این سری فقط میتواند به عنوان موج پیشرو و هیجانی ظاهر شود. (دوستان توجه داشته باشند که موج A و C خود امواج پیشرو از موج اصلاحی با درجه بالاتر هستند.)

در تصویر زیر ما در ابتدا تشخیص میدهیم که بازار یک افت پنج موجی ابتدایی را به خود دیده است. ما میدانیم که موج اصلاحی هنوز تمام نشده است در نتیجه بازار باید یک موج B سه موجی صعودی را به خود ببیند و بعد از آن در موج C، باید یک نزول دیگر به سمت نقطه A و یا گذر از آن را شاهد باشیم.

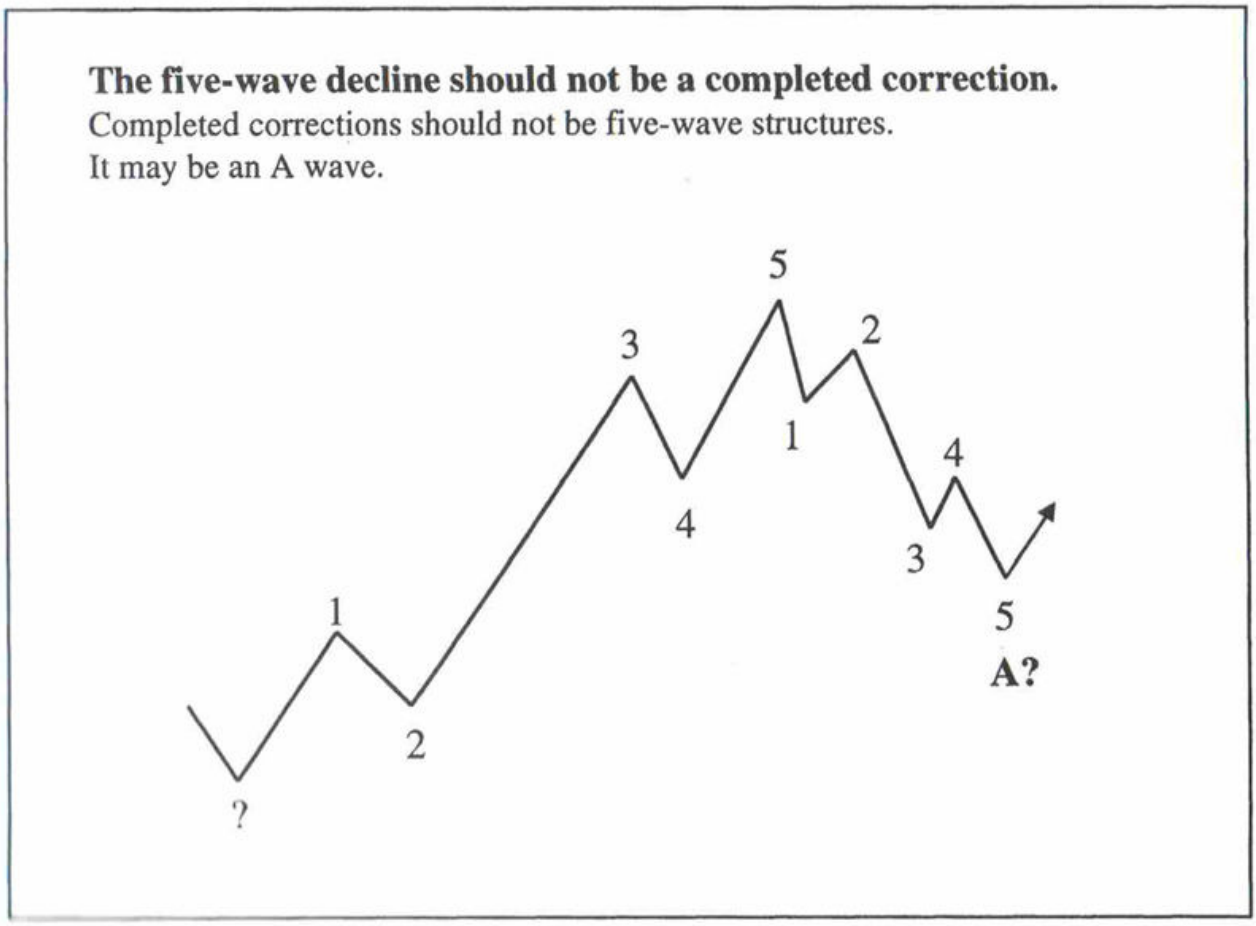

(شکل ۲۴-۳)

در شکل بالا ۵ موج نزولی میتواند موج A از یک سری موج اصلاحی ABC از نوع (۵-۳-۵) باشد.

مفهوم معامله گری:

موج **A** تنها قسمت اول از یک نزول است. این موج اصلاحی **A** را دنبال خواهیم کرد تا موج **B** تشکیل گردد و آن را شماره گذاری کنیم. حال بازار **باید** یک نزول دیگر برای تست مجدد اکسترمم **A** یا عبور و نفوذ از آن را تجربه کند و در نهایت موج **C** را بسازد.

==========

یک اصلاح معمولاً از لحاظ قیمت و زمان از کارکشنهای قبلی خود در درجه پایین تر، بزرگتر است.

یک توالی پنج موجی با یک اصلاح همراه خواهد بود. این اصلاح بوجود آمده بعد از توالی پنج موجی باید از لحاظ قیمتی و زمانی از امواج دو و چهار داخلی توالی پنج موجی بزرگتر باشد و از محدوده های آن تجاوز کند.

اگر یک حرکت اصلاحی سه موجی مثل **ABC** صورت پذیرد اما این سه موج از لحاظ قیمتی و یا زمانی از امواج داخلی دو و چهار کوچکتر باشد، این یک اصلاح **ABC** کامل نیست و احتمالاً میتواند دو حالت داشته باشد.

- امواج ۱، ۲ و ۳ امواج داخلی موج A را تشکیل میدهند و باید به انتظار موج ٤ و ٥ داخلی بنشینیم.

- موج A به صورت سه موجی ظاهر شده است.

پس نکته مهم مقایسه امواج اصلاحی با امواج اصلاحی درون سری پنج موجی قبلی است.

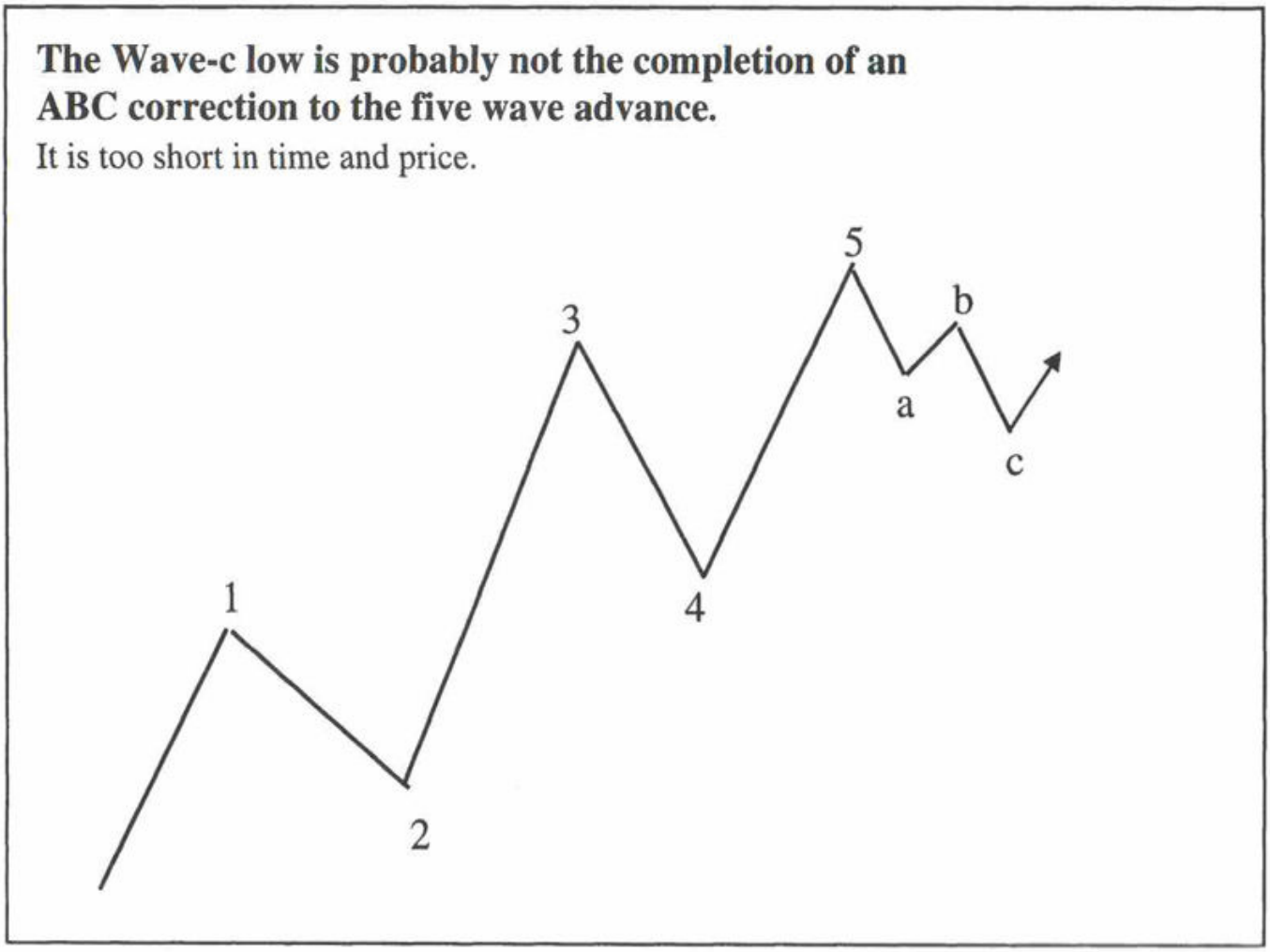

(شکل ۲۵ – ۳ – یک اصلاح ناقص از لحاظ زمانی و قیمتی به صورت abc)

مفهوم معامله گری:

نکته مهم این است که برای ورود به بازار قبل از بوجود آمدن چیرگی قیمتی و زمانی در امواج اصلاحی با امواج اصلاحی درون سری پنج موجی قبل از خود نباید عجله کنیم.

سری های پنج موجی اغلب در جهت روند از درجه بالا حرکت می کنند.

اگر یک حرکت پنج موجی در جهت عکس اصلاح (حرکت مخالف روند) شکل گرفت، این حرکت می تواند اولین نشانه از اتمام حرکت مخالف روند (اصلاحی) باشد.

در شکل زیر، یک سری پنج موجی از درجه کوچک از نقطه C شکل گرفته است. این سری سیگنالی از اتمام موج اصلاحی و ادامه روند صعودی از درجه بزرگتر از صادر میکند. اگر حرکت پنج موجی بعد از نقطه C یک بخش از یک حرکت اصلاحی پیچیده فرض شود، فقط و فقط می بایست حرکت ما ساختار سه موجی می داشت نه یک حرکت پنج موجی!

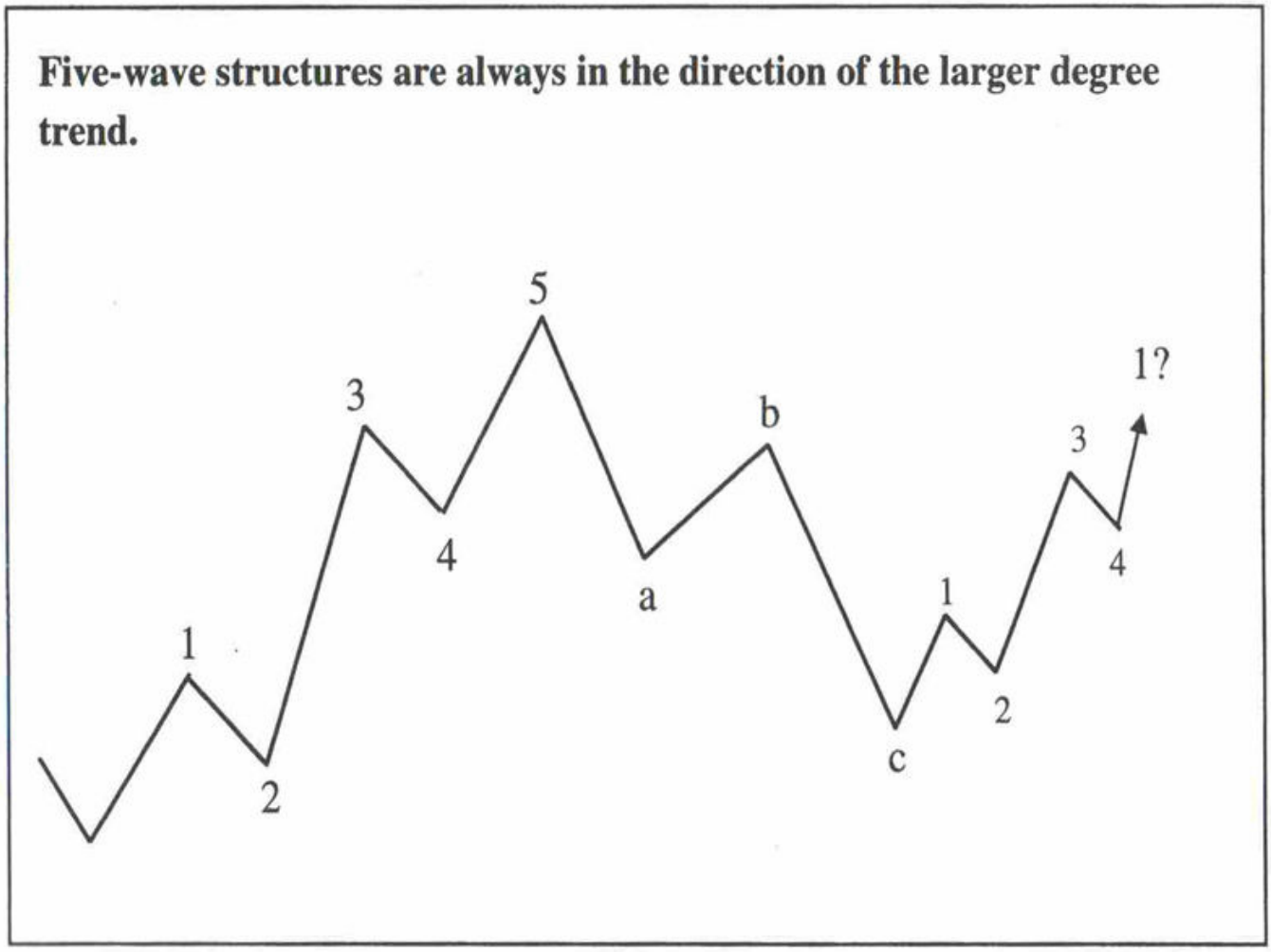

(شکل ۲۶ – ۳ – حرکات پنج موجی اغلب در جهت امواج پیشرو هستند)

مفهوم معامله گری:

پنج موج مورد نظر بعد از نقطه **C** اتمام حرکت اصلاحی **ABC** را پیشنهاد می دهد و احتمالاً یک حرکت پیشرو و هیجانی در درجه بالاتر در حال شروع شدن است.

بازار باید به سمت قیمت های بالاتر حرکت کند، بدون اینکه از اکسترمم قیمت در نقطه C نزول بیشتری داشته باشد. حال باید خود را برای ورود به بازار در یک حرکت اصلاحی که بعد از این پنج موج از درجه پایین و بالاتر از نقطه **C** قرار میگیرد، آماده میکنیم. (منظور انتهای موج دو اصلاحی آتی است)

اصل تناوب

موج چهار معمولاً در الگوی اصلاحی با موج دوم در تناوب است. اگر موج دوم به صورت الگوی ABC باشد، موج چهارم احتمالاً می تواند بصورت الگوی پیچیده باشد. اگر موج دوم یک اصلاح پیچیده باشد، موج چهارم احتمالاً بصورت یک اصلاح ABC خواهد شد. اما موج دوم اغلب بصورت ABC است.

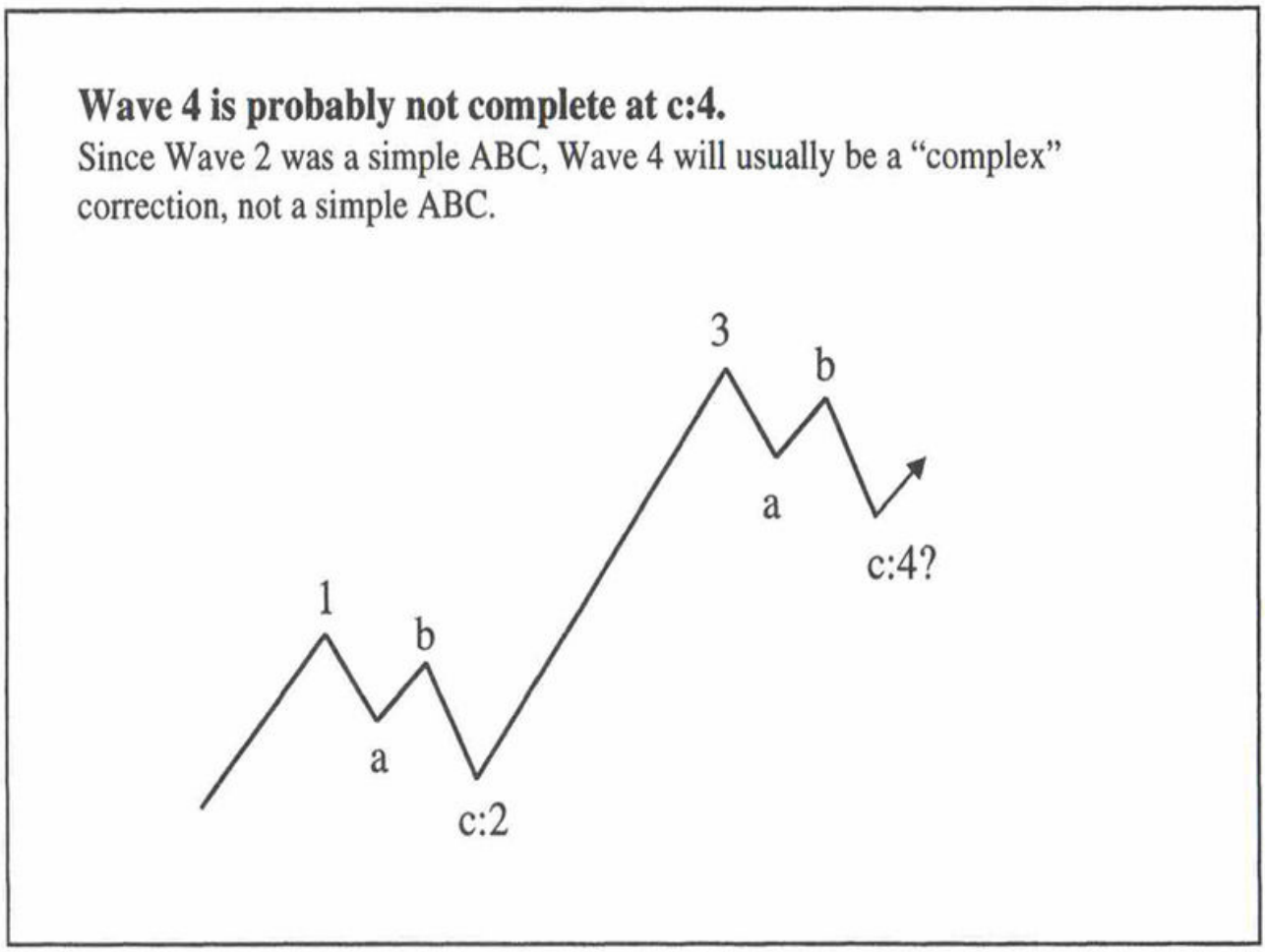

(شکل ۲۷ – ۳ – موج چهارم نمی تواند در نقطه C:4 پایان یابد)

در نمودار بالا موج دوم بصورت اصلاح ABC است. موج چهارم احتمالاً از یک الگوی تصحیح ABC تبعیت نخواهد کرد و به شکل پیچیده در خواهد آمد. پس این نزول سه موجی از موج سوم، یک اصلاح کامل برای موج چهارم نخواهد بود.

مفهوم معامله گری:

ما معمولاً راغب نیستیم که اگر موج دوم به صورت اصلاح **ABC** بود، در موج **C:4** وارد معامله شویم مگر اینکه عوامل زمان و قیمت با قدرت بگویند که موج چهارم پایان یافته است.

به هر حال این احتمال هست که موج **C:4** انتهای موج چهارم اصلاحی نباشد.

امواج اصلاحی دو و چهار

مشخصات اصلی و نسبت های پروجکشن و تصویر قیمت

اصلاح ها اغلب در جهت مخالف سری پنج موجی قبل از خود حرکت میکنند. برای تعیین هدف قیمتی یک موج اصلاحی فرض میکنیم که بازار یک الگوی کامل پنج موجی را به اتمام رسانده است.

ما همیشه بر این باور هستیم که در یک موج اصلاحی حداقل با یک الگوی ABC مواجه خواهیم بود. دلیلی بر این نیست که موج ABC حتماً از نوع ساده (زیگزاگ ساده) باشد. ما میتوانیم انتظار ABC بی نظم یا مسطح را نیز داشته باشیم که در نوع بی قاعده و بی نظم، موج B اصلاحی از اکسترمم انتهای موج ۵ قبل از خود (شروع موج A) عبور کند و موج C اصلاحی از انتهای موج A فراتر نخواهد رفت.

معمولاً اگر یک اصلاح کمتر از ۳۸,۲٪ توالی پنج موجی پیشرو قبل از خود باشد، نشانه ای از حرکت پرقدرت بازار است که یک حرکت قوی در جهت امواج پیشرو قبل از اصلاح خواهیم داشت. برعکس این موضوع هم صادق است یعنی یک حرکت ضعیف بعد از اصلاح عمیق!

توضیح: از دوستان محترم و علاقه مندان به مطالب خواهش میکنم که با توجه به تمام شدن مطالب امواج اصلی و پیشرو و شروع بحث امواج اصلاحی از حالا به بعد، مطالب قبل را به دقت مطالعه بفرمایند. شاید دوباره و سه باره. باور کنید مهمترین مباحث تشخیص الگوهای الیوت همین مطالب ساده اما کلیدی هستند.

موج اصلاحی دو

موج دو یک موج ضعیف و بی ارزش بعد از یک الگوی جدید پنج موجی است. موج دو از نظر مشخصات و ویژگی ها شبیه موج B است. هر دوی این امواج باید بعد از یک سری پنج موجی بوجود بیایند که هر دو نیز در جهت روند قبلی پیشروی میکنند. چنین حالتی برای موج سه و C وجود دارد.

۱- موج دو تمایل به اصلاح ساده ABC دارد. معمولاً نیز به صورت زیگزاگ ۵-۳-۵ است که موج C، اکسترمم موج A را می شکند و فراتر از آن می رود.

۲- موج دو نمیتواند به ابتدای موج یک تجاوز کند.

۳- موج دو اغلب بازگشتی به میزان ۵۰٪ موج یک خواهد داشت. بنابراین می توانیم انتظار تکمیل الگوی موج دو را در نزدیکی نسبت ۵۰٪ موج یک داشت و تا آن زمان برای ورود به بازار باید صبر کرد.

۴- موج دو معمولاً بیشتر از ۷۸,۶٪ موج یک بازگشت نمی کند.

۵- اگر موج دو کمتر از ۵۰٪ موج یک بازگشت کند، موج سوم تبدیل به یک موج بسط یافته میشود. این حالت در مواقعی زیاد دیده میشود که موج دوم الگوی مسطح یا بی نظم به خود بگیرد.

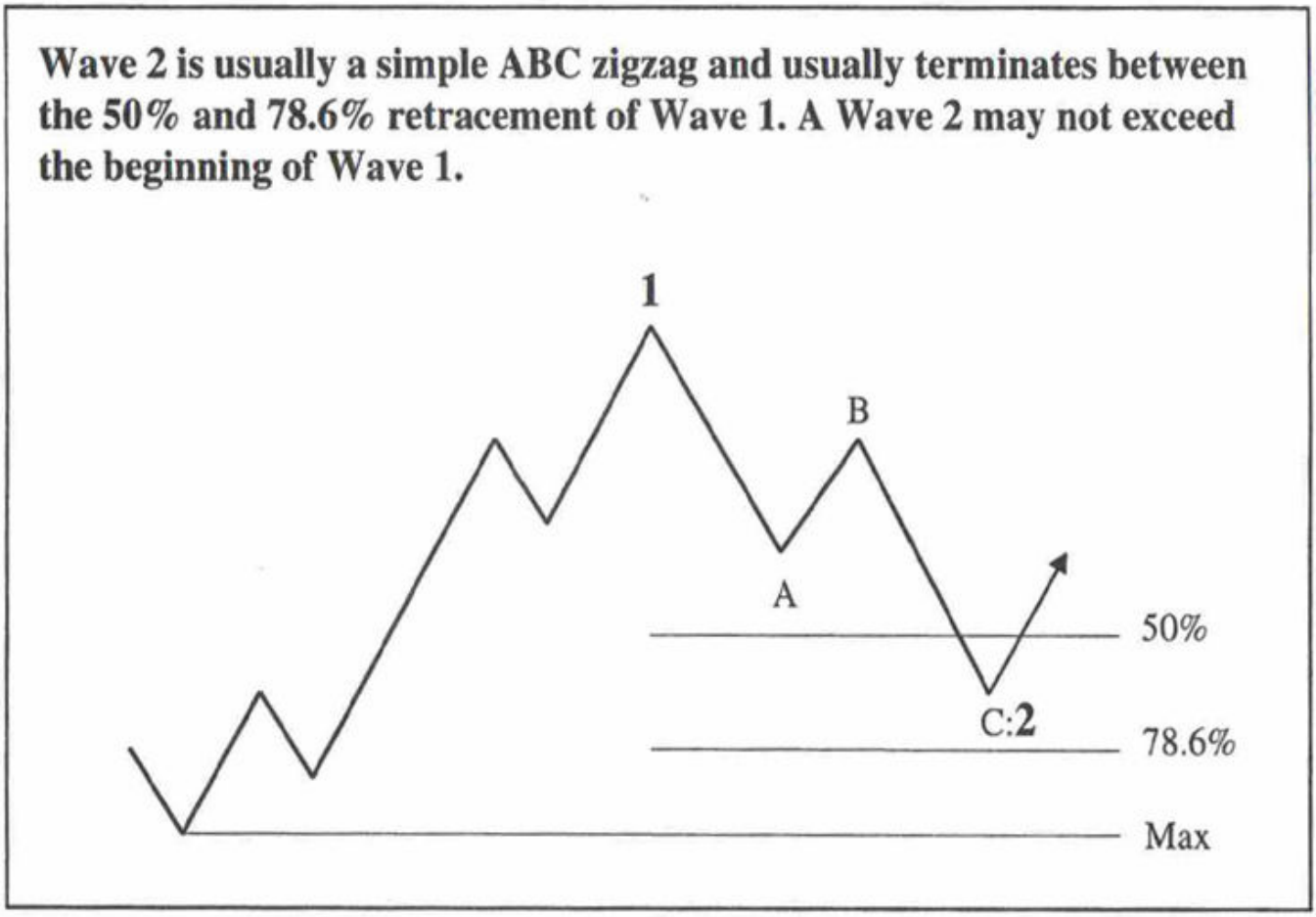

شکل ۲۸ – ۳ – موج دو عموماً بیشتر از ۵۰% بازگشت دارد اما حداکثر ۷۸,۶% بازگشت خواهد داشت

راهنمای استراتژی معامله برای موج دو:

هدف و حالت ایده آل، ورود به بازار در هنگام اتمام یا در نزدیکی اتمام موج دوم برای شکار موج سوم که قویترین و بلند ترین موج است، می باشد.

تا زمانی که موج دو که معمولاً تا ٪۵۰ موج یک بازگشت میکند در حال بازگشت است، با تکیه بر اینکه موج دوم به ٪۵۰ موج یک رسیده است، وارد پوزیشن نمیشویم.

تا زمانی که موج دو از نسبت ٪۷۸,۶ موج یک تجاوز نکرده است، فکر ورود به بازار در هنگام رسیدن قیمت به این محدوده را باید از سر بیرون کرد و باید منتظر سیگنال های مطمئن برگشتی بود. [چرا که این امکان وجود دارد که قیمت از این سطح با قدرت عبور کند.]

اگر بازار در رسیدن به سطح ٪۵۰ موج یک شکست خورد یا اینکه از نسبت ٪۷۸,۶ عبور کرد (به شرطی که ابتدای موج یک تست نشود)، برای ورود مطمئن به بازار باید صبر کنیم تا بازار از انتهای موج یک عبور کند و در شکست اکسترمم موج یک وارد بازار میشویم.

اگر موج **A** و **B** شناسایی شدند، تأثیرات خود را بر روی انتهای موج **C** خواهند گذاشت و شناسایی انتهای موج **C** و تکمیل الگوی آن آسان میشود. در حالت ایده آل زیر موج های موج **C**، محل اتمام موج پنج داخل موج **C** را به ما عرضه می کنند.

ورود به بازار در انتهای موج یا در نزدیکی انتهای موج دوم، معامله گر را در شرایطی قرار میدهد که از روند آینده بازار سود خوبی بگیرد و تا نتیجه رسیدن موج سوم در بازار باقی باشد.

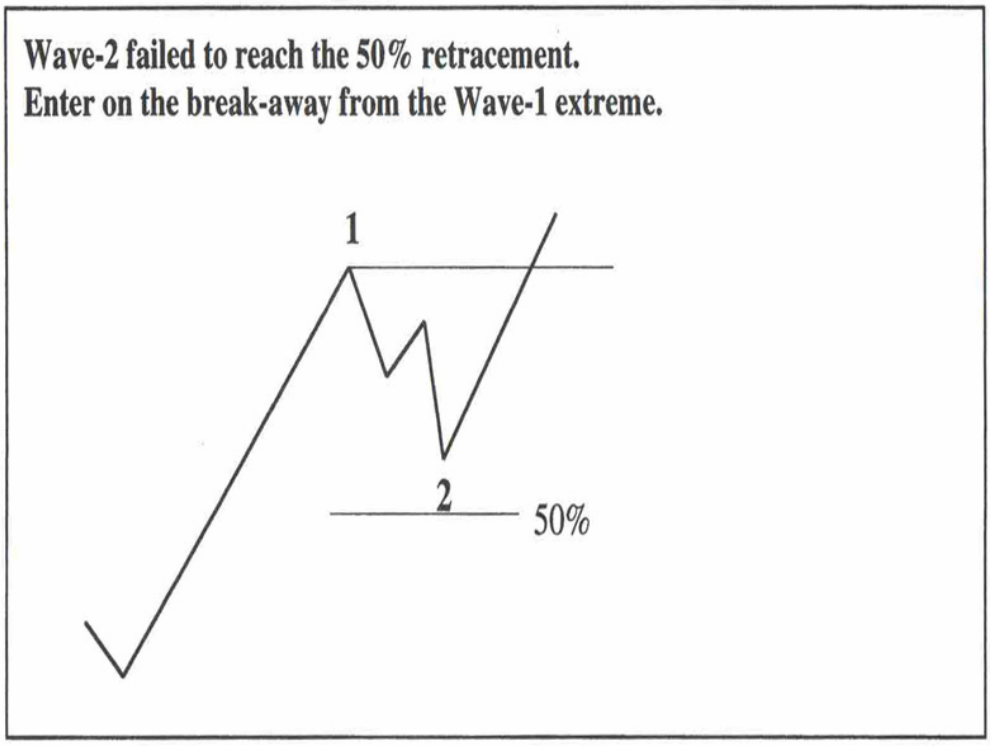

شکل ۲۹ – ۳ – ورود به بازار در عبور قیمت از قله موج ۱ (نرسیدن قیمت در بازگشت به سطح ۵۰% فیبو)

موج اصلاحی چهار

موج چهار اغلب اصلاح "سود گیری" (Profit Taking) نامیده میشود. در جریان موج چهار، اکثر معامله گران و سرمایه گذارانی که دارای معاملاتی از ابتدای موج سه یا از ابتدای موج یک بوده اند، برای اینکه حداکثر سود را در حساب خود ذخیره کنند، اصل سرمایه بعلاوه سود خود را از بازار خارج میکنند. موج چهار اغلب یک اصلاح طولانی مدت است و از لحاظ زمانی از موج دوم طولانی تر است.

۱- ***موج چهار نباید در محدوده قیمتی موج یک معامله گردد.*** اگر موج مورد نظر در محدوده موج یک خرید و فروش شود، احتمال وجود خطا در شماره گذاری امواج وجود دارد و موقعیت بازار بار دیگر باید مورد بررسی قرار بگیرد.

۲- ***اصل تناوب:*** اگر موج دو به صورت اصلاح ساده ABC بود، موج چهار معمولاً اصلاح پیچیده خواهد بود. البته این یک قاعده نیست ولی بازار به این حالت گرایش دارد و این مطلب باید مورد نظر قرار گرفته شود. موج چهار مکرراً به صورت اصلاح های مسطح یا پیچیده دیده می شود.

۳- اگر موج اصلاحی چهار یکی از انواع پیچیده یا مسطح (که به عنوان تراکم یا حالت رنج و بی جهت شناخته میشود) بود، معمولاً بیشتر از ۳۸,۲٪ موج یک تا سه (Wave 1-3) بازگشت نمیکند.

۴- ***موج چهار حداقل تا میزان ۲۳,۶٪ موج سه بازگشت می کند*** اما معمولاً بیش از ۵۰٪ موج سه را بازگشت نخواهد کرد.

این مطلب ما را با حداقل و حداکثر هدف موج چهارم آشنا میکند.

۵- بازگشت موج چهار در قبال موج سوم دارای نسبت های کمتر و کوچکتری در مقایسه با بازگشت موج دو در قبال موج یک است.

معنی دوم: میزان اصلاح موج چهار در برابر میزان موج دو در مقایسه با موج پیشرو قبل از خود کمتر است.

معنی سوم: اصلاح موج سه توسط موج چهار کمتر از اصلاح موج یک توسط موج دو است.

۶- ***موج چهار اغلب از لحاظ میزان تغییرات قیمت با موج دوم برابر است. W.4 = 100% W.2***

اگر این حالت پیش نیاید نسبت موج چهار با موج دو، اکثراً ۶۲٪ یا ۱۶۲٪ موج دو خواهد بود. W.4 = 62% W.2 و یا W.4 = 162% W.2

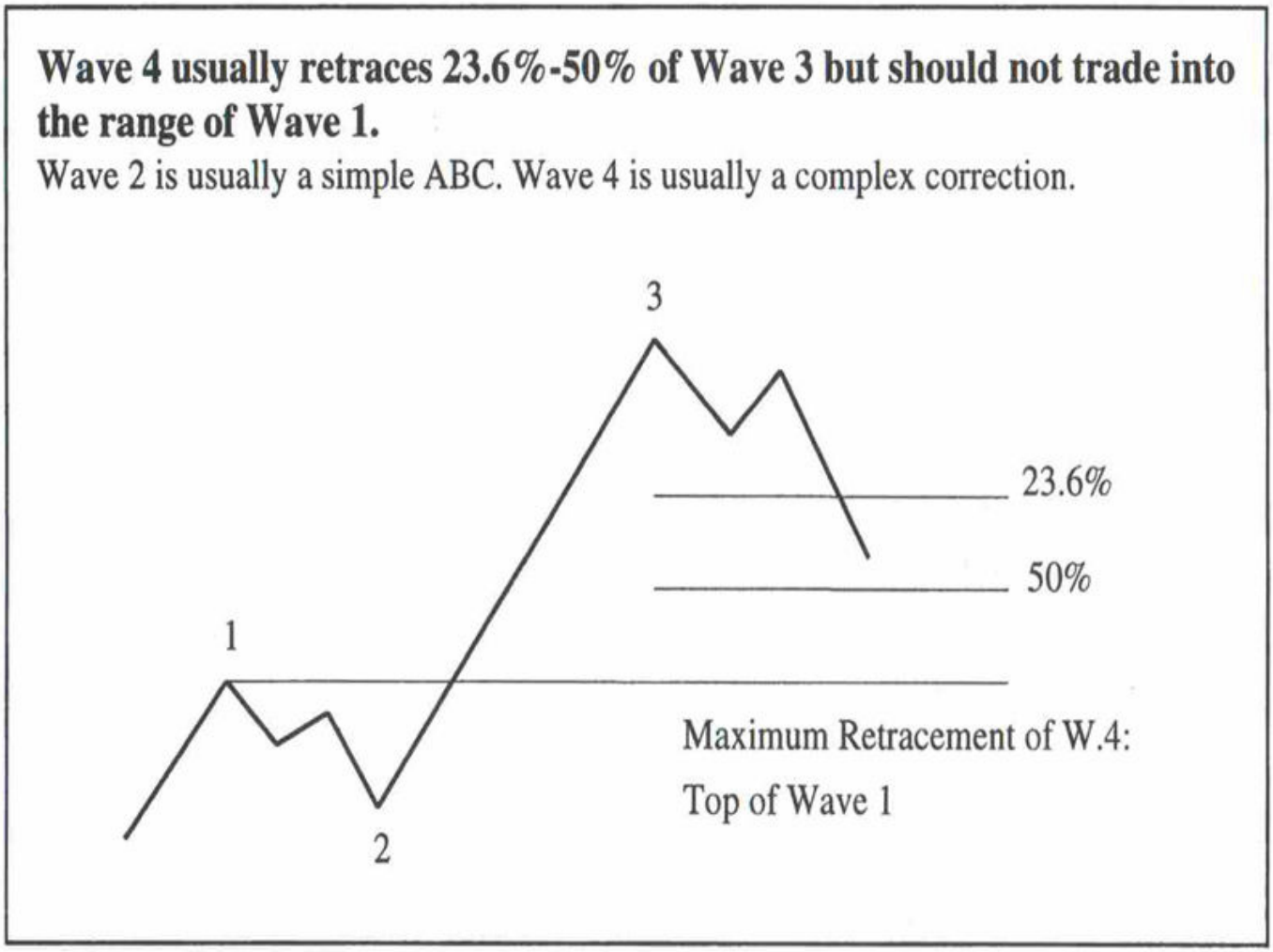

(شکل ۳۰ –۳ – موج چهار حداکثر تا قله موج یک اجازه بازگشت دارد)

اگر موج چهار در حال جریان، در محدوده موج یک معامله شود، شمارش امواج باید مورد بازبینی قرار بگیرد. این نکته را به ذهن بسپارید که ***شمارش امواج باید موقعیت حال حاضر بازار و جهت روند را توجیه کند. اگر شمارش موجها نیاز به بازبینی داشته باشد،*** موقعیت بازار مورد سوال و ابهام است.

اگر موج چهار در داخل محدوده موج یک قرار گرفت، چه چیزی در یک روند صعودی و شروع موج پنجم مورد توجه قرار میگیرد؟ چیزی که مورد توجه است، شروع موج پنجم صعودی و ادامه روند است اما در حال حاضر توجه ما به یک حرکت اصلاحی بلند و ادامه روند نزولی جلب شده است.

این یکی از مواردی است که تعیین میزان و حد ضرر را برای تحلیل الگوی امواج الیوت ضروری می کند و با وجود این حد ضرر، از یک الگو در مقابل حرکات بازار محافظت خواهیم کرد و سرمایه خود را به خطر نخواهیم انداخت.

این نکته که اگر موج دوم بصورت اصلاحی ساده بود، موج چهارم به صورت پیچیده خواهد شد ما را متقاعد میکند که برای گرفتن پوزیشن و ورود به بازار عجله نکنیم چرا که امواج پیچیده از لحاظ زمانی طولانی خواهند بود.

راهنمای معامله برای موج چهار:

در هنگام اتمام یا در نزدیکی اتمام موج چهار میتوان برای شکار موج پنجم وارد معامله شد.
از آنجایی که موج چهار به صورت اصلاح پیچیده می باشد، تعیین میزان سود نهایی و هدف قیمتی موج مشکل میشود. ***الگوی موج چهار کاربرد کمی در شناسایی انتهای موج چهار دارد. شناسایی انتهای موج چهارم در صورت پیچیده بودن، اغلب بوسیله تحلیل قیمتی و زمانی صورت می پذیرد.***
نکته بسیار مهمی که در وجود داره نحوه پوزیشن گیری در محل اتمام موجهای اصلاحی است.
حالت اول در مواردی است که موج اصلاحی در حال کامل شدن هست و موج C از موج اصلاحی را شماره گذاری کرده ایم. ***حال با دیدن کندل ها و میله های سیگنال که در آینده به آنها اشاره خواهد شد، وارد بازار میشویم. محل قرار گیری استاپ ما یک پیپ بالا یا پایین این کندل سیگنال می باشد.***
حالت دوم ورود به بازار بعد از شکست امواج هست که در بالا بدان اشاره شده است.
مثال آن در مواقعی هست که موج C داخلی از موج چهار یا دو با درجه بزرگترکامل شده و هنوز سیگنال خاصی صادر نشده است و یا ما نتوانسته ایم که شمارش دقیقی از الگوی اصلاحی داشته باشیم. *حال* ***با شکست اکسترمم موج B میتوانیم وارد بازار شویم. در این حالت با فرض صعودی بودن بازار، استاپ ما یک پیپ زیر موج C خواهد بود.***
یا اینکه در انتهای موج دو به انتظار موج سه هستیم. باز هم با فرض صعودی بودن روند و اینکه نتوانسته ایم شمارش دقیقی از امواج داشته باشیم، یک سفارش خرید در بالای موج یک قرار میدهیم و استاپ ما یک پیپ زیر موج دو خواهد بود.
عامل مهم دیگری که این حالت را بوجود می آورند، تایم فریم انتخابی ما میباشد.
در تایم فریم های بالا به خاطر سیگنال های قویتر فرم کندل ها، میتوانیم مانند حالت اول رفتار کنیم اما در تایم فریم پایین بخاطر تقریباً بی اعتبار بودن فرم کندل ها (به اعتقاد بسیاری از افراد) و تفاوت آن در خیلی از بروکر ها، میتوان از حالت دوم استفاده کرد.
البته در CFD چنین مشکلی وجود ندارد اما باز هم بخاطر تأثیرات تایم فریم پایین، شمارش امواج برای ما سخت میشود و استفاده از حالت دوم راحت تر خواهد بود.

باز هم تکرار میکنیم، مطالب اخیر از اهمیت فوق العاده ای در مبحث الیوت برخوردار هستند. پس لطفاً با دقت مطالعه بفرمایید!!!

امواج A ،B و C

موج A :

۱- ***موج A اغلب دارای ساختار پنج موجی است اما ممکن است به صورت سه موجی نیز ظاهر شود.*** موج A حالت موج پیشرو را دارد و در مسیر روند امواج با درجه بزرگتر قرار میگیرد. (یعنی اگر در یک موج اصلاحی نزولی هستیم، موج A آن هم طبیعتاً نزولی خواهد بود)

۲- موج A بسیار شبیه موج یک است. موج A و موج یک امواج ابتدایی توالی جدید هستند و پروجکشن قیمتی در این دو، اغلب محدود به دو عامل هست:

الف- میزان بازگشت از سوییگ پیشروی قبل از خود

ب- پروجکشن و تصویر امواج داخلی خود با درجه کوچکتر

موج B:

۱- موج B در مقابل امواج با درجه بزرگتر یک حرکت اصلاحی است که خود امواج بزرگتر دارای حرکت مخالف روند هستند. به عبارت دیگر موج B، موج اصلاحی در یک توالی اصلاحی است. (اصلاح در اصلاح)

موج B مکرراً به صورت سه موجی دیده میشود (ABC) اما میتواند حالت های پیچیده اصلاحی را نیز به خود بگیرد.

۲- موج B در مقایسه با موج A: موج B اغلب در بازگشت به میزان ۵۰٪ تا ۷۸,۶٪ از موج قبل از خود یعنی A پایان می پذیرد.

بنابراین اگر موج B بیش از ۱۰۰٪ موج A بازگشت داشته باشد احتمالاً با یک الگوی ABC بی نظم و بی قاعده روبرو هستیم.

موج C:

موج C اغلب دارای ساختار پنج موجی است. امواج C در عبور از اکسترمم موج A مختار است. اگر موج B، ابتدای موج A را بخود نبیند و قبل از رسیدن به اکسترمم موج ۵ از توالی پیشروی قبلی متوقف شود، موج C به طور عادی اکسترمم موج A (انتهای موج A) را دوباره تست میکند و یا از آن عبور خواهد کرد.

۱- موج C در مقایسه با موج A: محدوده قیمتی موج C، معمولاً ۶۲٪، ۱۰۰٪ و یا ۱۶۲٪ میزان موج A است.

اگر اصلاح به صورت الگوی ساده مثل زیگزاگ باشد، موج C به اندازه موج A خواهد بود.

W.C = 100% W.A

۲- موج C در مقایسه با موج B: محدوده قیمتی موج C معمولاً به اندازه ۱۶۲٪، ۲۰۰٪ و یا ۲۶۲٪ موج B خواهد بود.

۳- موج C باید به صورت پنج موجی ظاهر گردد: میتوان برای اندازه گیری میزان پیشروی موج C از زیر موج های موج C (پنج موج و قوانین ذکر شده در پست های قبلی) استفاده کرد.

آنسوی اصلاح ABC

اگر بازار اصلاحی، بعد از یک حرکت اصلاحی ABC ادامه پیدا کند، حرکت خلاف روند بازار از لحاظ الگویی قابل پیش بینی نیست. ***این همان نقطه ای است که پروجکشن متحرک و پویای زمان و قیمت مهم جلوه می دهد.*** از آنجایی که زمان اتمام اصلاح یکی از مهمترین عوامل است، می توان از این نوع تحلیل ها و پروجکشن زمانی و قیمتی برای تعیین اتمام روند اصلاحی بهره برد.

اصلاح پنج موجی

یک لحظه صبر کنید!

ما مدت زمان زیادی را صرف این کردیم تا توصیف کنیم *که امواج اصلاحی بصورت سه موجی و امواج پیشرو و هیجانی به صورت الگوهای پنج موجی ظاهر می شوند.* امواج اصلاحی پنج موجی دیگر چه صیغه ای است؟

بازار میتواند با هر الگویی شکل بگیرد. الگوهای پیشرو و ABC اصلاحی که به عنوان معمول ترین الگوهای در جهت روند و خلاف جهت روند هستند و اغلب در مرحله ابتدایی شروع یک توالی قابل شناسایی هستند. مهم تر از آن، پایان و کامل شدن یک سری امواج است. وقتی که بوسیله قواعد و راهنما های عنوان شده، توالی داخلی امواج قابل شناسایی است، انتهای امواج بسیار راحت تر حدس زده میشود.

بیاد داشته باشیم که این الگوها تنها در ۵۰٪ موارد بصورت آسان قابل شناسایی هستند. در مواقع دیگر ممکن است که در ادامه روند و حرکت خلاف روند بازار الگوهای متفاوتی را ایجاد کند.

هر توالی پنج موجی که از قواعد و راهنماهای یک سری موج هیجانی و پیشرو تبعیت نکند، به احتمال زیاد یک اصلاح یا قسمتی از یک اصلاح است. البته به غیر از "پنج موج قطری یا دیاگونال".

یک مثال برای سری پنج موجی اصلاحی، مثلث اصلاحی **ABCDE** هست که اکثراً بصورت مثلث همگـرا و متقارن ظاهر میشود. البته نمونه های دیگری نیز وجود دارد.

وقتی که ساختار موج اصلاحی بعد از ساختار **ABC** بسط پیدا میکند، هیچ نقشه ای برای شـماره گـذاری امواج در سر نپرورانید. همیشه به خاطر داشته باشید که هدف ما استخراج اطلاعات از بـازار اسـت کـه مـارا قادر به اتخاذ تصمیم مناسب برای یک معامله و سرمایه گذاری سود آور می نماید. ***هیچ وقـت ایـن طـرز فکر را نداشته باشید که باید بازار را بصورت صحیح و تنها یک بار شمارش کنیم و تجدید نظـری روی شمارشمان نداشته باشیم.***

ما در هدف خود به دنبال بیان اصلاح های مطرح شده توسط الیوت تحت عنوان الگوهای پیچیده نیستیم. با به تصویر کشیدن این الگوها فقط حالتهای مختلفی از حدس و گمان را بیان کرده ایم و کمبود هـای منـابع ذهنی خود را توجیه خواهیم کرد.

پس اجازه میدهیم که تنها به الگوهایی پرداخته شود که احتمال بالایی دارند و این، روند معاملـه گری ما را به سمت فرمول بندی یک استراتژی ساده اما سودآور سوق میدهد.

کانال های موازی

کانال های موازی توسط الیوت برای کمک به ***تشخیص محل اتمام موج های ۴ و ۵*** ارایه شده است.
این نوع کانالیزه کردن امواج در طی سالیان دراز پیشرفت کرد و در انواع بازار ها ارزشمند است.
ترکیب این کانال ها با تحلیل قیمت و زمان و موقعیت الگوها تأییدیه بسیار خوبی برای ما خواهند بود.

Projecting Wave 4

Draw a trendline from the top of W.1 to the top of W.3.

Draw a parallel trendline from W.2.

W.4 will often terminate at or very near the parallel channel line from W.2.

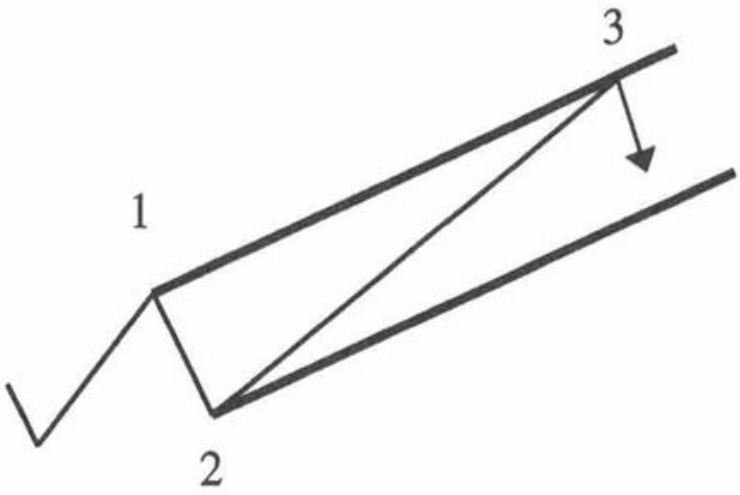

(شکل ۳۱ – ۳ – کشیدن خط از اکسترمم موج های یک به سه و رسم خطی موازی از اکسترمم موج دو موج چهار اغلب بر روی خط موازی رسم شده پایان می یابد)

Projecting Wave 5

Draw a trend line from the bottom of W.2 to the bottom of W.4.

Draw a parallel channel line from the top of W.3.

W.5 will often terminate at or very near the parallel channel line drawn from W.3.

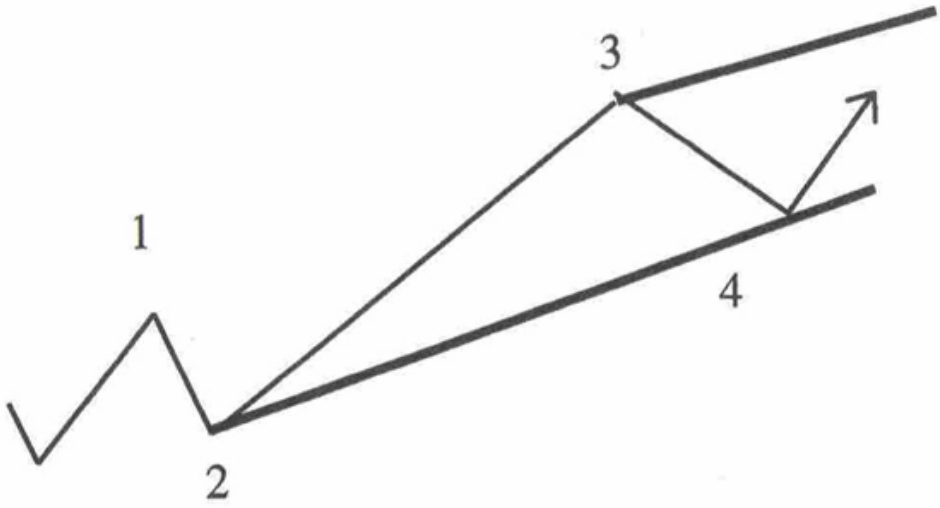

(شکل ۳۲ – ۳ – کشیدن خط از اکسترمم موج های دو به چهار و رسم خطی موازی از اکسترمم موج سه موج پنج اغلب بر روی خط موازی رسم شده پایان می یابد)

عقیده ای دیگر

هنگامی که تحلیل امواج الیوت ارتباط تنگاتنگی با قواعد و راهنماهای مشخص دارند، تحلیل الگویی الیوت به تفکر، دانش و قضاوت یک معامله گر نیاز دارد. فراتر از تحلیل زمان و قیمت، هر تحلیل گری که الگوهای امواج را بر روی چارت ها برای مدت زیادی مورد مطالعه قرار داده باشد میداند که تا زمانی که یک الگو تکمیل نشده است، نمیتواند در مورد آن قضاوت صحیحی داشته باشد.

دقیقاً زمانی که ما فکر میکنیم که موج پنج به پایان رسیده است، موج شروع به بسط بیشتر میکند.

حتی یک الگوی اصلاحی ABC ساده می تواند تا چند روز یا هفته یا حتی چند ماه به چارت ها پیچ و تاب دهد.

درست زمانیکه ما در انتظار حرکات و شکل گرفتن الگوهای امواج الیوت ایده آل هستیم، موقعیت های باارزش و کاربردی تحلیل امواج الیوت را از دست داده ایم.

هدف تحلیل بازار از طریق امواج الیوت، شناسایی و نام گذاری تمام حرکت ها و تاب خوردگی های قیمت در هر بازار و هر زمان نیست.

هدف تحلیل امواج الیوت:

هدف تحلیل از طریق امواج الیوت برای معامله گران و سرمایه گذاران، شناسایی و برپا کردن یک سیستم معاملاتی مشخص بر اساس الگو ها است که دارای بیشترین احتمال موفقیت و درآمد باشد و همچنین شناسایی فعالیت بازار که هدف مورد نظر را بی اعتبار جلوه می دهد.

اگر شما خواستار تحلیل هایی بیش از این هستید، باید دسته چک خود را بیرون بیاورید. چرا که شما تجربیات با ارزشی را در اختیار خواهید گرفت

این فصل به صورت واقعی و استوار ما را با الگوهای بازار آشنا میکند. این الگوها ما را در شناسایی موقعیت بازار که منتج به حداکثر موفقیت و درآمد میشود، یاری میرساند. ما در مباحث قبلی نحوه ارتباط قیمتی بین امواج مختلف را مورد بررسی قرار داده ایم و چگونگی یافتن محدوده قیمتی مورد نظر (با حداکثر احتمال حمایت و مقاومت بودن این نواحی) و محل اتمام یک الگوها را آموخته ایم.

با توجه به الگوهای امواج الیوت که در مباحث گذشته آموخته ایم، چند بار قادر هستیم که در موقعیت های ایده آل بازار قرار بگیریم؟ حدود ۵۰٪ از مواقع.

مواقعی پیش می آید که این فکر را در ذهن میپرورانیم که تمامی حرکات و امواج بازار را میتوانیم شماره گذاری کنیم. درست در همین زمان است که امواج، حالت ناشناخته (X) به خود گرفته اند. در نتیجه تحلیل های ما غلط از آب در می آیند. پس نباید شمارش امواج را با اصول و قواعد شکل گرفته در ذهن خود محدود کنیم.

معامله گران موفق کمی به داشتن تصورات واهی، شمارش غیر معقولانه و کلاً تمام عواملی که آنها را به سوی معاملات پر سود سوق ندهند، محتاط هستند. آنها فقط و فقط ضمیر تحلیل گری خود را مشغول میکنند. معامله گران و سرمایه گذاران فقط باید با حقایق بازار معامله کنند نه با رویاها و خطاهای شخصی خود.

معامله گری که روش تحلیل امواج الیوت را به عنوان برنامه کاری انتخاب میکند، ***باید تشخیص دهد و خود را از لحاظ ذهنی آماده کند که تا وقتی که یک الگوی ساده پیشرو و یا اصلاحی را مشاهده نکرده است، وارد بازار نشود.***

پس تا زمانیکه قیمت و زمان به ما تأییدیه ندهند و اطلاعات کافی برای تصمیم بر اساس نقشه کاری صادر نشود، تا زمان روشن شدن وضعیت و موقعیت بازار، باید منتظر بمانیم.

نسبت به امواج الیوت عقده ای نباشید و بر عقیده خود پافشاری نکنید!

مباحث ابتدای این قسمت را بیاد بیاورید. یکی از مهمترین اهدافی که برای تحلیل امواج الیوت بیان کردیم، تفاوت قائل شدن میان حرکت ها و موقعیت های روند و مخالف روند بازار توسط این نوع تحلیل بود. همچنین بیان کردیم که فقط در ۵۰٪ موارد میتوانیم براحتی موقعیت ها و الگوهای الیوت را تشخیص دهیم. وقتی که یک بازار در یک حالت از الگوهای ساده و آشکار امواج هیجانی (پیشرو) یا مخالف روند (اصلاحی) شکل نگیرد، قواعد، راهنماها و مشخصات اصلی الگوی امواج پیشرو یا اصلاحی به صورتت پرقدرت موقعیت حال حاضر بازار را پیشنهاد می دهند. این خود یک قسمت با ارزش از اطلاعات است.

برای داشتن یک شمارش واضح بر روی امواجی که آشکار نیستند پافشاری نکنید. راه نابودی معاملات و سرمایه ها همین پافشاری بر روی شمارش امواج است و این فکر از ذهن شما میگذرد که هیچ چارتی بدون شمارش از زیر دست من نباید در برود

کار سخت تر این است که شماره گذاری های ما کاملاً کاربردی باشند و حتی از لحاظ کمیت کم تعداد اما از لحاظ کیفیت دارای اعتبار مناسبی باشند و یک عقیده راسخ و صحیح پشت منطق این شماره گذاری وجود داشته باشد نه اینکه در حقیقت این شماره گذاری ها فقط بر اساس تصورات پوچ ذهن ما باشد.

در سال های اخیر نرم افزار هایی منتشر شده اند که بر اساس قواعد و الگوریتم های ریاضی بر روی امواج الیوت، شمارش انجام می دهند. نویسنده، اینگونه برنامه ها و چارتی را که توسط این برنامه ها در هر زمان و موقعیتی از بازار تولید میشوند را با وجود تابعیت از الگوریتم ها، فاقد اعتبار کاربردی میداند.

پس، از شماره گذاری اجباری و اینکه حتماً باید یک چارت توسط امواج الیوت تحلیل شود بر حذر باشید، چه توسط خود شما و چه توسط نرم افزار های تحلیل گر.

داستان واقعی امواج الیوت

زیبایی و اهمیت کار الیوت این است که او تشخیص داد که بازار از واکنش ها و پاسخ های گروه های مـردم ساخته می شود. این پاسخ ها هم جهت رفتارها و واکنش های دیگر گروه ها بـه شـکل یـک دوره و چرخـه اتفاقات ظاهر می شود.

این مجموعه اتفاقات یک فرآیند است که از هر دوره حاصل از این گونه رفتارها منتج می شود. ایـن فرآینـد ها در یک الگوی معتبر قابل پیشگویی از رفتارهای دوره های خوشبینی و بد بینی افراد دیـده میـشود. ایـن فرآیند ها و الگوهای رفتاری در چارت قیمتی بازارهای مالی خودنمایی میکنند. در نتیجه چارت قیمتـی بـه راحتی می تواند بازتاب حالتهای پیچیده و گوناگون روانشناسانه گروه های مختلف شـرکت کننـده در بـازار باشد.

در سرتاسر این دوره آموزشی امواج الیوت، بر روی گسترش قواعد و اصول امواج کار می شود. پر واضح است که الیوت تمام تلاش خود را در جهت تصفیه و گسترش راهنماهای این اصول و قواعد و کاربردی کـردن آن در بازار های مالی انجام داده است.

در کارهای اولیه و ابتدایی الیوت، هـیچ مـوج ناشـناخته ای وجـود نداشـت (Xwaves). هـیچ قاعده ای وجود نداشت و هیچ گونه توجهی نیز به اعداد فیبوناچی و نسبت های آن نمیشد.

الیوت در یک دوره کوتاه ده ساله، از اواخر دهه ۱۹۲۰ تا نیمه دوم دهه ۱۹۳۰، تئوری خود را گسترش داد. در سال ۱۹۳۸، اولین پروژه و رساله الیوت تحـت نـام "اصـول امـواج"، The Wave Principle، توسـط چارلز کالینز، Charles Collins، منتشر شد و در همان سالها الیوت متصدی این شـد کـه یـک سـری از مقالات خود درباره امواج را در مجله "جهان اقتصاد"، Financial World، به چاپ برساند.

این کارهای اولیه الیوت به راستی با ارزش ترین فعالیت هایش بودند. در اینجا میتوان روح و حقایق بنیـادی ای که الیوت درباره الگوها و فرآیند گسترش دوره ای بازار های مالی کشف کرد را به عینه مشاهده کرد.

هیچ موج ناشناخته ای، هیچ اصلاح پیچیده ای وجود نداشت، تنها سری های سه و پنج موجی ملکـه ذهـن ها بودند. گهگاه و به ندرت موج چهار در محدوده موج یک معامله میشد، گاهاً موج سـوم کوتـاهترین مـوج پیشرو واقع میشد. شکل و فرم امواج بسیار مهم تر از هر قاعده ای بـود. ***روند و فرآیندها به هیچ عنـوان انکار نمی شدند.***

از سـال ۱۹۳۸ تـا ۱۹۴۶، الیـوت نوشـته هـای آموزشـی و پـیش بینـی خـود را منتـشر کـرد. (درکتـاب R.N.Elliot`s Market Letters که توسط Robert Prechter ویرایش شده است می توانیـد آنهـا را ببینید!) در این نوشته ها یک چیز آشکار و بدیهی وجود دارد و آن اینکه الیوت احساس میکـرده اسـت کـه باید بازار را در هر زمان و هر موقعیتی با تئوری خود توجیه کند. او یک انطباق بین گذشـته بـازار و تئـوری خود بوجود آورده بود.

در این نوشته ها چند شمارش دیوانه وار وجود دارد. الیوت با هیچ اصلاحی شمارش خود را تغییر نمیداد. ما در اینجا با یک موج ناشناخته (Xwave) آشنا هستیم که هر گاه در یک اصلاح مرموز واقع شدیم و شمارش الگوی آن شبیه یکی از حالت های سه موجی ABC یا پنج موج ABCDE نبود، از شمارش X استفاده میکنیم.

در این هنگام بود که الیوت شروع به تفسیر و تشریح اعداد سری فیبوناچی کرد. اطلاعات آن زمان او در مورد سری اعداد و نسبت های فیبوناچی در حد قابل قبولی بود. زمانی که او رابطه بین این اعداد و نسبت ها را با برخی فعالیت های قیمتی و زمانی بازار اثبات می کرد، این وضعیت از فعالیت بازار مسلماً تنها توسط الیوت مطالعه و تحقیق نشده بود.

الیوت بعد از یک مطالعه کلی بر روی این نظریه و بررسی خلاصه ای از نسبت ها، اعداد و هندسه فیبوناچی، متحیر و هیجان زده از کشف **"اسرار عالم" و "قانون عظیم طبیعت"** شد. اما این مطالب به راحتی بر روی قفسه های کتابخانه ها در دسترس بود.

نکته مهم این خلاصه کوتاه از تاریخ الیوت چه بود؟

کاربرد عملی اصول امواج الیوت دارای نقاط قوت و ضعف در تصمیم گیری برای معامله و سرمایه گذاری است. الیوت ***قانون بازار*** را با قواعد معتبر بیان نکرد. الیوت با گذشته محدود اطلاعات و دوره کوتاه زمانی یک فرآیند مهم گسترش فعالیت دوره ای بازار را تشخیص داد. او تشخیص داد که فرم و چگونگی این فرآیند دوره ای، بسیار با نظم و قاعده مند دنبال می شوند و اجازه حدس زدن آینده رفتار های جمعی را با درصد موفقیت بالایی به ما می دهد. همچنین او تشخیص داد که بازار یک تقارن نسبتی معتبر و استوار با نسبت طلایی ***۱,۶۱۸ (Golden Mean)*** دارد.

او یک شک به یقین در ذهن خود داشت که یک ***"غلط و اشتباه"***، دارای شباهت و تناسبی در فرآیند ذکر شده در بالا است. اما این فرآیند در خارج از فرآیند رشد طبیعی رفتار های گروهی انجام می پذیرد.

وقتی که الیوت در سال ۱۹۴۸ چشم از جهان فروبست، فهم و کاربرد این شکل از اصول و نسبتها در بازار های مالی در حد ذهن آن زمان الیوت قرار داشت. از زمان مرگ وی، مطالبی در مورد الیوت و اصول امواج او نوشته شده که با مطالب یاد شده توسط خود الیوت فاصله تقریباً زیادی دارد.

تحلیل گران بازارهای مالی در طول سالیان گذشته فرصت های زیادی برای بررسی و مطالعه هزاران چارت قیمتی بازارهای مالی نسبت به الیوت داشته اند و تئوری او بهینه شده است اما ارزش زیاد اصول نوشته شده توسط الیوت در قبال ضعف ها و کمبود های آن زمان، بارها اثبات شده است.

هیچ گاه علم به صورت ایستا و ساکن نبوده است. ***هیچ گاه کلمه انتهایی برای یک مطلب وجود نخواهد داشت.***

امروزه ما نظریه نسبیت انیشتین را داریم که بارها مورد انتقاد و یا سوءظن قرار گرفته و طی سالیان گذشته بصورت دست نخورده باقی نمانده است. حال ما چگونه میتوانیم بگوییم که اصول الیوت در طول این سالیان تکمیل نشده و آنچه که ما میبینیم همانی است که در ذهن الیوت وجود داشته است؟!!

حال بعد از مباحث بالا چند نکته و پیشنهاد بیان میشود که تحلیل گران، معامله گران و سرمایه گـذاران را در کاربرد نظریه و اصول امواج الیوت در حالت های عملی کمک میکند.

جمع بندی از منطق تحلیل امواج الیوت

قواعد الیوت ویو:

یسیاری از قواعد با پژوهشهای الیوت برابری نمیکند مثلا شمارش موج۳ که در یک رونـد برچـسب گـذاری کرده ایم بعد از مرگ نلسون الیوت ، بدین ترتیبی که هست بسط پیدا کرد.
چرا در این باره در این فصل اقدام به بحث و شرح آنها می پردازیم؟ چون بازار درزمانی که در جریـان اسـت این قواعد و قوانین را نقض نمیکند، در واقع این قواعد یک راهنما به منظور درک صحیح موقعیت یک بـازار برای تصمیم گیری است و تنها ابزار شما فقط شمارش امواج است.
برخی اوقات شما تسلیم بازاری میشوید که قواعدی خاص را پیروی نمیکند ولی باید بدانید که قواعـد، دیـد شایسته ای رابه شما ارائه میکند. شما وقتی قواعدی را مورد نقض میبینید با درک مستقیم و دانش خود به کارآزمودگی لازم خواهید رسید.اگر شما مورد نقضی را مشاهده کردید اقدام به تصحیح آن کنید مثلا:
ما میدانیم که موج ۴ از یک سری پنج موجی پیشرو، هرگز نمیتواند به محدوده موج ۱ وارد شـود.حـال مـا مشاهده کردیم که موج ۴ به اکسترمم موج ۱ وارد شده و میدانیم کـه معاملـه گـران دیگـر۱۰درصـد نفـوذ قیمت به موج ۱ را قابل اغماض می دانند و این نفوذ هیچ گونه تناقضی با موج ۴ ندارد. بنـابراین شخـصیکه در امواج الیوت دچار وسواس باشد (من میگویم آنها تحلیل گرانی سـنتی هـستند)کـسانی هـستند کـه بـه درستی قواعد را برای سرمایه گزاری و معامله به کار نمی برنـد و موقعیتهـای خـوب بـازار را در بـسیاری از ماهها و سالها از دست می دهند.
الیوت پایه اساسی تحلیل پترنها در یک بازار و تجارت در آن را برای ما فراهم میکند پس تردید نکنیـد و در بازارها جستجو کنید تا سودآور بودن و ضرورت آن را دریابید.

روند یا روند اصلاحی؟

قیمت و دانستن یک تصور مطمئن از جهت روند برای یک تریدر بیشترین اهمیت را دارد،در این مورد کار با امواج الیوت کمک بسیار زیادی خواهد کرد.. چنانچه پترنهای امواج الیوت هریک قرار داشتن در یک رونـد و یا روند اصلاحی را بازگو میکنند.

روندهای پیشرو در ۵ موج و روندهای اصلاحی در ۳موج و یا یک سریه ۳موجی آشکار میشوند.

موقعیت بازار

گفتیم که پترنهای امواج الیوت در بسیاری از مواقع موقعیت یک بازار را که در یک روند هستیم و یا یک روند اصلاحی برای ما پدیدار میکند و همچنین اینکه چه فرآیندی برای کامل شدن آن وجود دارد.
داشتن یک دلگرمی از روند موجود در بازار (پیشرو یا اصلاحی)و احتمال آغاز فعالیت بعدی آن قبل ازبه اتمام رسیدن موقعیت فعلی یک علامت گرانبها از طرف بازار به یک معامله گر است که چه زمانی اقدام به خرید یا فروش کند.

آلترناتیوهای شمارش:

یکی از فاکتورهای بسیار مهم تحلیل امواج الیوت آشکار کردن شرایط بازار است اگر یک بازار به صورت واضح و آشکاری مشخص نبود ، آن بازار غیر قابل پیش بینی است زیرا یقینا یکی از قواعد و راهنماها را مورد نقض قرار خواهد داد در حالی که یک تریدر امکان دارد که تصور و عقیده ای محکم داشته باشد که بازار فرصتی به وی داده تا یک معامله و سرمایه گزاری موفق داشته باشد. در چنین شرایطی شمارش های پی در پی اصلا قابل اطمینان نخواهند بود.پس یک معامله گر باید بپذیرد که وقتی موقعیت جاری بازار به صورت واضحی مشخص نیست نباید به دلیل داشتن یک شمارش از بازار، شمارشی را به آن تحمیل کند بلکه در چنین شرایطی دوری از بازار تنها صلاح یک تریدر میباشد.

مثالهایی از امواج الیوت

در صفحات بعدی مثال های زیادی از امواج الیوت در بازار های مختلف آورده شده است. اکثر این مثال ها را نویسنده در روزنامه ای به نام "گزارش تحلیل دینامیک و پویا" (Dynamic Trading Analysis Report) منتشر و بر روی آنها توضیح می داده است.
هدف این است که به سطحی برسیم تا بتوانیم الگوهای بازار را تشخیص دهیم و بوسیله آن یک عقیده با احتمال بالا، درباره موقعیت حال حاضر بازار و اتفاقاتی که در آینده، این عقاید را نقض یا تأیید میکند داشته باشیم.
در هیچ کدام از چارت های زیر روابط قیمتی بین امواج را که در فصل بعدی یعنی "تحلیل پویای قیمت" (Dynamic Price Analysis) به طور کامل شرح داده خواهد شد، نشان نداده ایم.
در حال حاضر قصد ما، نگاه به بازار از دید الگوهای در حال شکل گیری است. بسیاری از نمونه های زیر در دو فصل بعدی برای تحلیل قیمتی و زمانی مورد استفاده قرار میگیرند. در نتیجه به ارزش زیاد نزدیک شدن به تحلیل بازار از این دیدگاه پی خواهیم برد.

وضعیت ها و موقعیت های خوب و کارآمد ورود به بازار و همچنین موقعیت هایی که برای ورود به بازار مناسب نیستند، در ذیل نشان داده شده است. داشتن اطلاعات و آگاهی مناسب از وضعیت و موقعیت الگوهای بازار به معامله گران و سرمایه گذاران این کمک را میکند که به سرعت و دقت با توجه به الگوهای موجود، وجود یک روند یا یک حرکت مخالف روند را تعیین کنند و یا اینکه با توجه به الگوها و سیگنال های صادر شده اتمام یک روند یا حرکت مخالف روند را تشخیص دهند.

اگر یک معامله گر از پس هیچ کاری جز تشخیص اتمام سری پنج موجی بر نیاید، فکر این را بکنید که چه سودهایی در انتظار وی خواهد بود!

انشعابات و شاخه شاخه بودن در این بازار چیست؟ وقتی که یک سری پنج موجی کامل شده و پایان می پذیرد، یک حرکت مخالف روند قبلی که از لحاظ زمانی و محدوده قیمتی بزرگتر از حرکت های مخالف روند قبلی خود است (پنج موج پایان یافته)، شکل خواهد گرفت.

اگر یک معامله گر بداند که اغلب حرکت های مخالف روند به صورت ABC ساده خواهد بود و با مشاهده اولین پنج موج مخالف روند تشخیص خواهد داد که این تنها قسمتی از حرکت مخالف روند است و احتمالاً فقط موج A بوده است و موج مخالف روند تا شکل گیری امواج B و C در جریان خواهد بود. شما فکر میکنید که همین قسمت ساده از اطلاعات، چه میزان سودی را برای ما خواهد داشت؟

بر روی پایه و مبنا ها متمرکز بشوید. یاد بگیرید که موارد بدیهی و واضح را تشخیص دهید و در مواقعی که موقعیت ها را واضح و آشکار نمیبینید، هوشیار و آگاه باشید. بیشتر توجه خود را به این مساله معطوف کنید که چه فعالیت های مشخصی از بازار، موقعیت الگوهای تشخیص داده شده را تأیید و یا نقض میکنند.

به یاد داشته باشید که هدف از تحلیل تکنیکال پویا، تشخیص موقعیتی است که کمترین ریسک و کمترین درگیری سرمایه را به همراه داشته باشد نه شکل دادن یک عقیده که باید در تمام زمانها، تمام موقعیت های بازار را تحلیل کنیم و عقیده خود را به بازار تحمیل کنیم.

کانال های موازی اغلب محل اتمام و پروجکشن موج سه و پنج را به تصویر میکشند

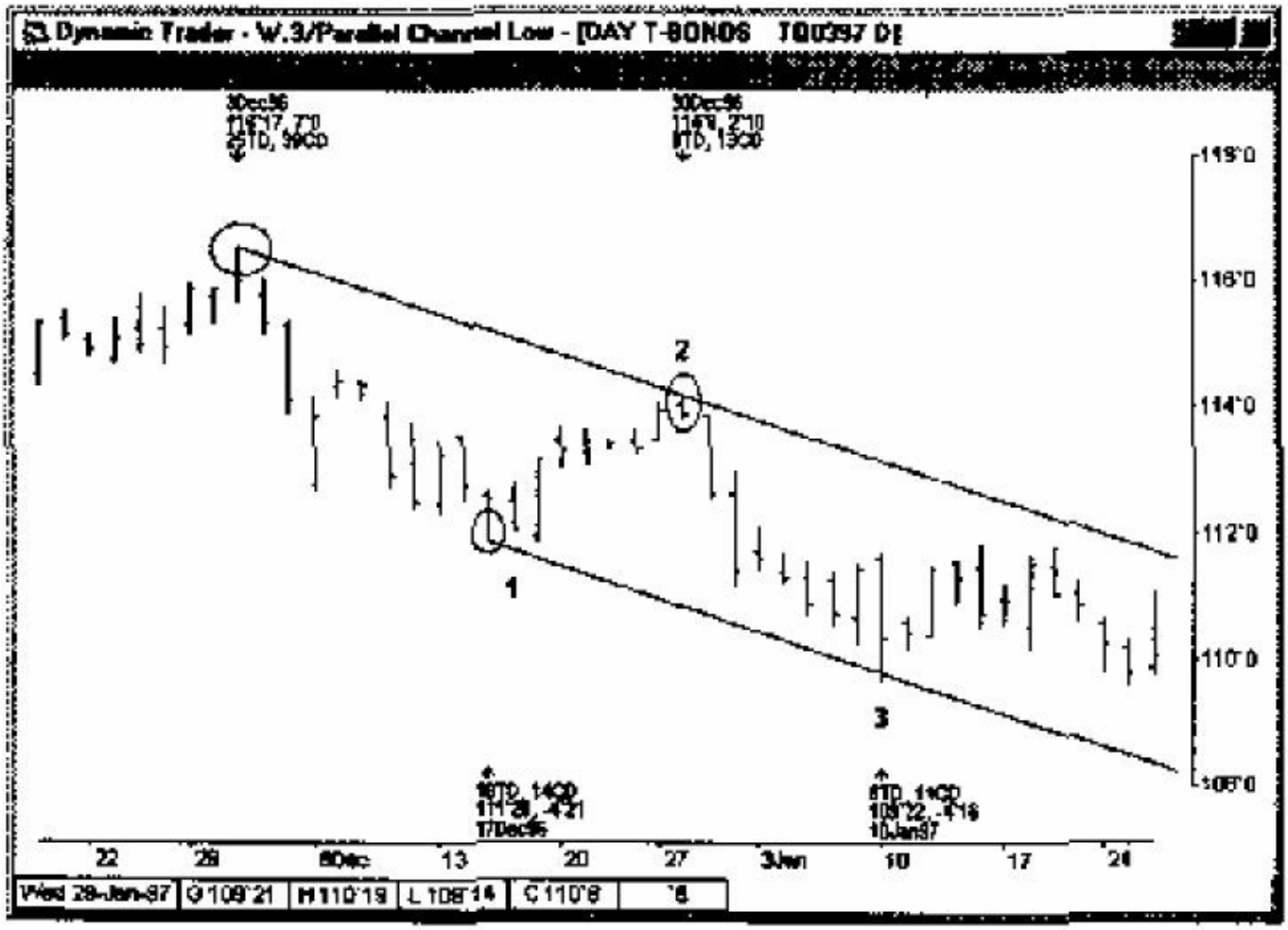

(شکل ۳۳-۳)

کانال موازی بوسیله کشیدن خط روند از قله بوجود آمده در سوم دسامبر (شروع روند نزولی) تا قله بعدی یعنی اکسترمم موج دو کشیده شده است. حال خطی، موازی خط رسم شده از قعر بوجود آمده توسط موج یک رسم میشود. موج سوم بر روی خط حمایتی موازی تشکیل شده است. ***این خطوط موازی تنها می توانند یک تأیید کننده باشند*** و یا اینکه اگر تحلیل های زمانی، قیمتی و الگویی همگی این محل را تأیید کنند، میتوانیم انتظار تغییر روند را در روی خطوط موازی داشت. در حقیقت تأیید این تحلیل ها، احتمالات را بالا می برد.

این گونه رسم خطوط موازی برای موج ۵ نیز بکار برده میشود.

کانال های موازی از دو درجه مختلف، پروجکشن و قله موج ۵ را به تصویر می کشند.

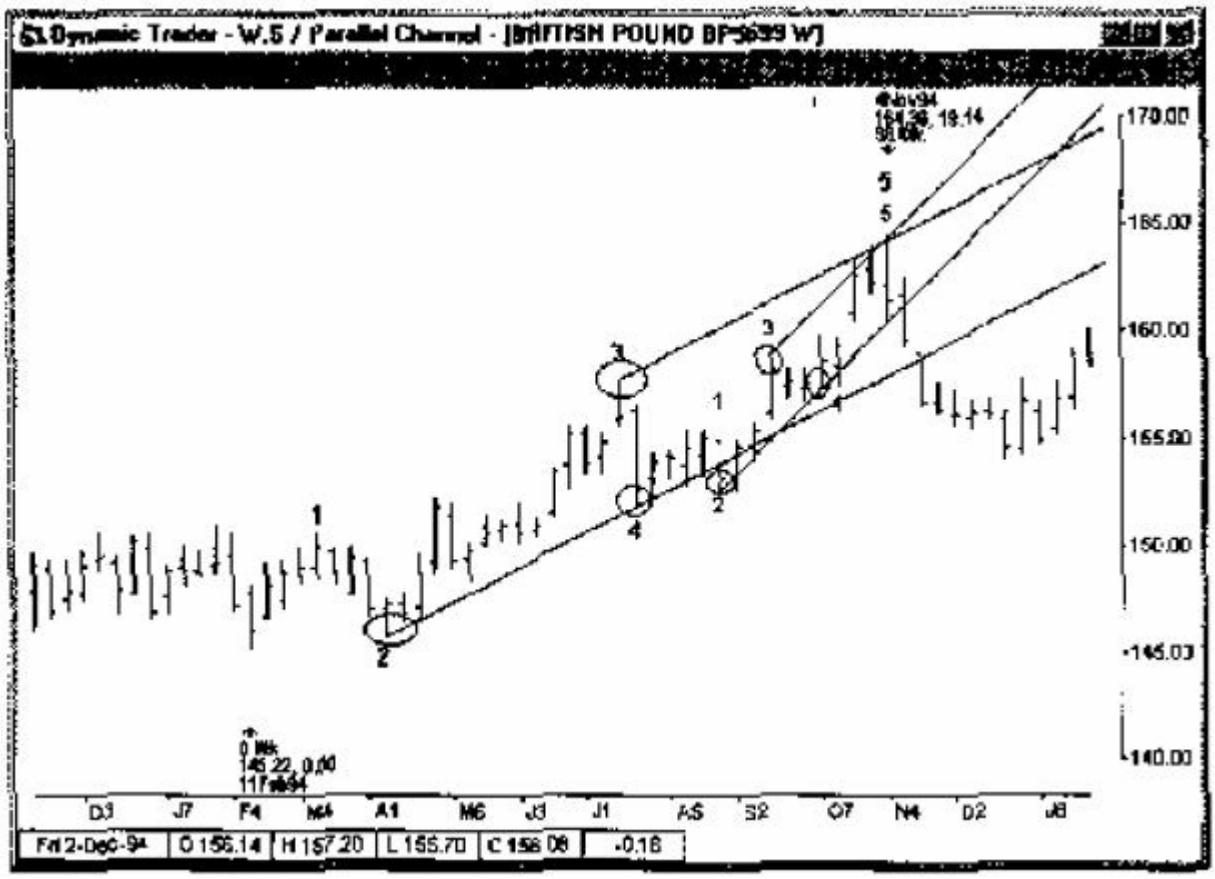

(شکل ۳۴– ۳)

کانال موازی بوسیله کشیدن خط روند از قعر امواج دو و چهار و رسم خط موازی با این خط روند از قله موج ۳، بوجود آمده است.

در چارت بالا، دو کانال یکی برای تشخیص موج ۵ و دیگری برای تشخیص موج ۵:۵ رسم شده است.

قله موج ۵ و موج داخلی ۵:۵ درست در جایی واقع شده است که خطوط مقاومتی کانال های موازی در یک نقطه منطبق شده بودند.

این کانالها همیشه کارایی ندارند اما باز هم حامل اطلاعات با ارزشی هستند.

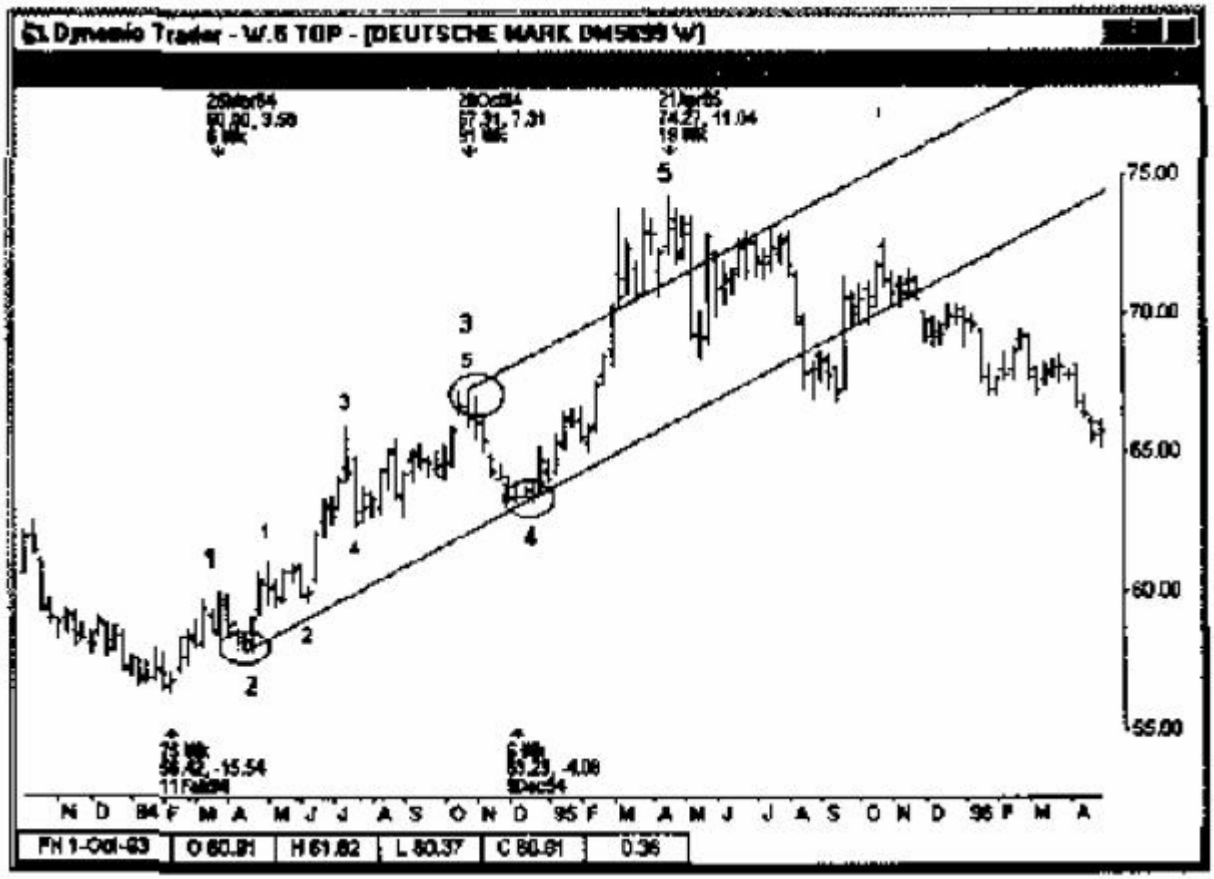

(شکل ۳۵-۳)

خط موازی خط روند ۲ به ۴ که از نقطه ۳ رسم شده و کانالی را تشکیل داده است، محل اکسترمم قیمتی موج ۵ را به تصویر می کشد. مارک آلمان به زیبایی در کانال صعودی و خط مقاومتی کانال حرکت کرده و قله موج ۵ را تشکیل داده است.

اغلب بازار بعد از موج ۴ و در موج ۵ بسط یافته نمی شود. تجاوز قیمت از خط روند موج دو و چهار و شکست این خط اغلب سیگنالی برای اتمام روند قبلی است.

به کانال موج ۴ و ۵ به عنوان یک هشدار نگاه کنید. خطوط این کانال هدف قیمتی موج ۵ را به ما می دهد. قیمت اغلب از این خطوط برای مدت زیادی تجاوز نمی کند. معامله گران و سرمایه گذاران باید در هنگام شکسته شدن خطوط موازی کانال دقت زیادی به هشدار های زمانی، قیمتی و موقعیت الگوهای بازار داشته باشند. شکسته شدن کانال میتواند یک احتمال از حالت بسط بیش از حد را تداعی کند و اخطاری برای نزدیک بودن و یا اتمام توالی و روند قبلی است.

فصل چهارم

تحلیل داینامیک و پویای قیمت

هر بازار قله ها و قعرهایی در تقاطعی متناسب با حرکت قبلی خود میسازد. (W.D.Gann)

در فصل تحلیل داینامیک و پویای قیمت شما به قابلیت های زیر را خواهید یافت:
- پیدا کردن محدوده قیمتی با بالاترین احتمال مقاومت یا حمایت بودن و یا محل تعویض روند بودن که به معامله گر این امکان را میدهد که در موقعیت های فراوانی برای معامله و ترید قرار بگیرد.

- یادگیری سه تکنیک بسیار مهم و کاربردی در مورد پروجکشن و تصویر قیمت:

* ***بازگشت قیمتی یا Price Retracement***
* ***پروجکشن و تصویر متناوب قیمتی یا Alternate Price Projection***
* ***بسط قیمتی یا Price Expansions***

- یادگیری استفاده از تناسب ها و درصد های مناسب با هر یک از سه تکنیک پروجکشن و تصویر قیمتی بالا.
- یادگیری اینکه چگونه خطوط روند و نواحی حمایت و مقاومت و محدوده های بازگشتی توسط خوشه ها و Cluster های پروجکشن و تصویر قیمت بوجود می آیند.
- یادگیری چگونگی اختلاط پروجکشن و تصویر قیمت از چند موج با درجه های مختلف.
- یادگیری چگونگی اختلاط تحلیل داینامیک و پویای قیمت با تحلیل الگوهای بازار. (توضیح داده شده در فصل قبل)

از قبل خود را برای هدف قیمتی روندها (اتمام و برگشت روند) آماده کنید.

این فصل به شما با سرعت و آسانی، یافتن تصویر و هدف قیمتی را آموزش میدهد. این اهداف و ناحیه بیشترین احتمال را برای حمایت، مقاومت و تعویض روند بودن را دارند. این مسأله (پیدا کردن پیشاپیش هدف و تصویر قیمت) به هیچ عنوان پیچیده و یا وقت گیر نیست.

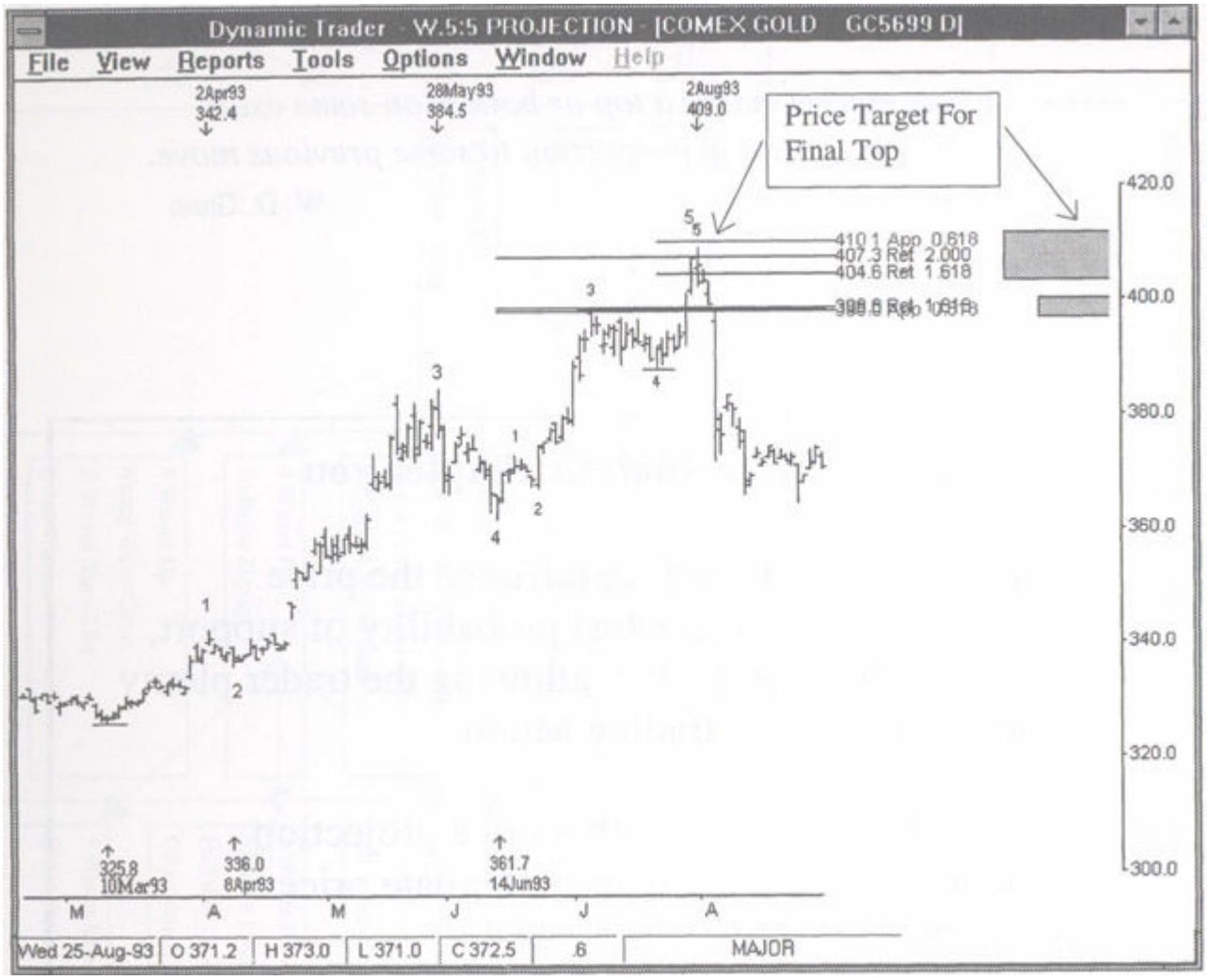

(تصویر ۱-۴)

تصویر بالا یک مثال استثنایی برای پیدا کردن هدف قیمتی موج قبل از رسیدن به محدوده مورد نظر نیست. با تحلیل پویای قیمت می توان به وفور در چنین شرایطی قرار گرفت و ناحیه اتمام روند را تشخصی داد.

دقت پیدا کردن سطوح صحیح قیمتی برای اتمام نواحی اصلاحی را مشاهده کنید:

فصل قبل چگونگی شناسایی و تشخیص موج روند و اصلاحی و قرار داشتن بازار در این امواج را به شما آموخت. فصل تحلیل پویای قیمت به شما پیدا کردن سطوح پروجکشن و تصویر قیمت را با بالاترین احتمال خواهد آموخت که این نواحی محل اتمام روند یا اصلاح خواهند بود.

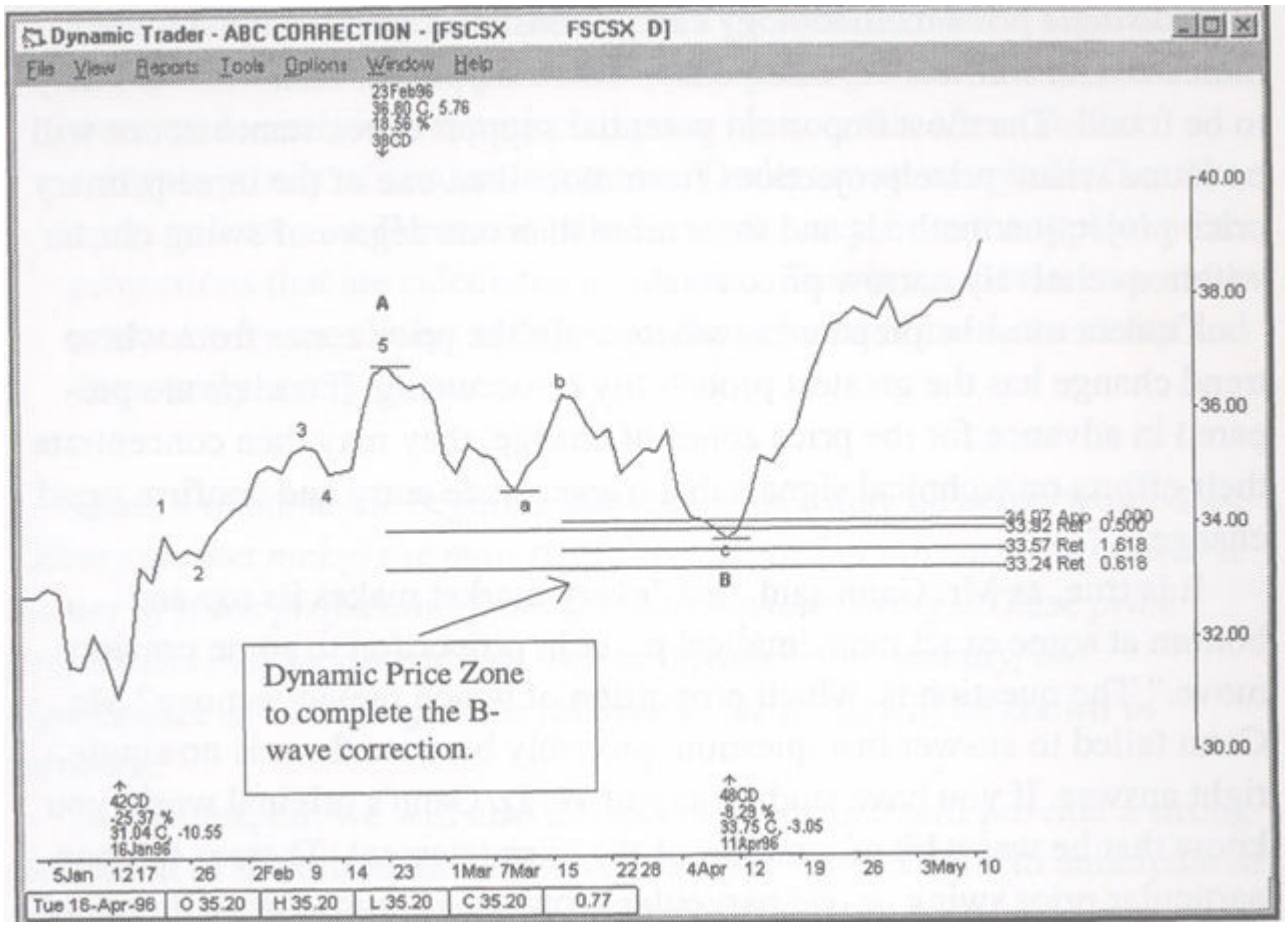

(تصویر ۲– ۴)

پیدا کردن و شناسایی ناحیه تقریباً دقیق اتمام موج اصلاحی در یک پنج موجی چقدر برای ما ارزش دارد؟

تحلیل داینامیک و پویای قیمت به ما این اجازه را خواهد داد چرا که با دانستن این روش در اغلب اوقات با اختلاف بسیار کمی قله ها و قعر های روند و یا روند های اصلاحی را پیدا خواهیم کرد.

پیشاپیش برای نواحی مقاومت و حمایت آمادگی کسب کنید.

امواج و سوینگ های همدرجه در نسبت های مهم فیبوناچی با یکدیگر رابطه محکمی دارند. تحلیلگران، سرمایه گذاران و معامله گران باید بر روی این نسبت ها در درجه ها و تایم فریم های مختلف تحلیل و تمرکز داشته باشند. کوچکترین درجه تصویر و پروجکشن قیمتی باید پروجکشن و تصویر قیمتی بزرگترین درجه تحلیل را تأیید کند.

هنگامی که پیشاپیش نواحی حمایت و مقاومت قیمت شناسایی میشود، روش و اصول سیگنال های قیمتی بر اعتماد به نفس شما می افزاید و شما را در اعتقاد خود راسخ میسازد.

بیشترین پتانسیل برای نواحی مقاومت و حمایت زمانی است که بیش از یک روش از سه روش گفته شده برای بدست آوردن تصویر و پروجکشن قیمتی، در یک محدوده باریک قیمتی تلاقی داشته باشد و یا اینکه در چند درجه مختلف بتوانیم باز هم به یک محدوده باریک قیمتی دست پیدا کنیم.

معامله گران باید خود را پیشاپیش برای تغییر روند در محلی که بیشترین احتمال اتفاق افتادن این تغییر وجود دارد، آماده کنند. اگر این معامله گران بتوانند از قبل خود را برای ورود به بازار آماده کنند، میتوانند در بهترین محل تریگر را بدست آورده و وارد بازار شوند و بر معاملات خود کنترل و نظارت داشته باشند.

یک حقیقت از آقای گن در ابتدای فصل نقل کردیم: (هر بازار قله ها و قعرهایی در نقاطی متناسب با حرکت قبلی خود میسازد). حال سوال این است: ***کدامین تناسب از کدامین حرکت؟***

آقای گن به این سوال هیچگاه پاسخ نداد-احتمالاً بخاطر اینکه یک جواب مشخص و صحیح برای این سوال وجود ندارد-

اگر شما حتی یکی از کارهای اصلی گن بزرگ را مطالعه کرده باشید، خواهید فهمید که او یکی از اساتید مبالغه هم بوده است. مسلماً یک نسبت خاص و یا یک سوینگ خاص وجود ندارد که قله ها و قعر های آینده را بتوانیم از روی آنها به دقت مشخص کنیم.

مفهوم تناسب حرکات قبلی و تصویر یا پروجکشن آینده قیمت، مفاهیم کلیدی پروجکشن و تصویر سطوح قیمتی هستند که بیشترین **پتانسیل** تغییر روند را دارند.

زیر کلمه پتانسیل در جمله بالا خط کشیده ایم، سه دلیل مهم برای این کار وجود دارد:

۱. محدوده پروجکشن حمایت و مقاومت قیمت بدست آمده توسط سوییینگ های قبلی، قیمت را به سمت خود نمی کشد. (هیچ دلیلی وجود ندارد که قیمت حتماً به این محدوده ها برسد). این نواحی حمایت و مقاومت تنها نسبت های ریاضی مهمی بین سوییینگ های قبلی بازار هستند. این نواحی قیمتی تنها به ما حمایت و مقاومت های مهم بر سر راه قیمت را می دهد.

۲. معمولاً دو یا سه محدوده پروجکشن قیمتی می توان از هر یک از سوییینگ های بازار بدست آورد. تا زمانیکه در آینده نزدیک بتوانیم پیشاپیش تشخیص دهیم که کدام پروجکشن و تصویر قیمت مهمتر می باشد، تنها عکس العمل بازار و قیمت است که به تنهایی این تصاویر و پروجکشن ها را بوسیله زمان و موقعیت الگوهایی که در نزدیکی نواحی مهم ایجاد می کند، مهم و معتبر می سازد. اگر یک تصویر قیمت از یک محدوده معتبر عبور کند، انتظار ما محدوده بعدی تجمع پروجکشن ها می باشد. به عبارت دیگر عبور از یک محدوده پروجکشن های قیمت، سیگنالی برای ادامه روند را صادر می کند.

۳. هر از گاهی، بازار قله ها و قعر هایی در یک قیمت می سازد که در کلاستر قیمتی مقاومت و حمایت قرار ندارد و یا در سطح مشترک تصاویر قیمتی ساخته نمی شود. معامله گران این حقیقت را قبول کرده اند که قله ها و قعر ها هر از گاهی دور تر از محدوده ای که از پیش تعیین کرده ایم، ساخته می شود. این یکی از دلایل مهم است که باعث می شود ما به تمام ابعاد تحرک بازار توجه کنیم و صرفاً به تحلیل قیمت اعتماد نداشته باشیم.

جمله نقل شده از گن کبیر در ابتدای فصل می توانست به شکل زیر هم باشد:

هر بازار اکثر قله ها و قعر های خود را منطبق یا نزدیک خوشه ها و کلاستر های تصویر قیمت از سوینگهای قبلی خود می سازد. این تصاویر قیمتی ممکن است بسیار دقیق از پیش تعیین شوند و معمولاً اهمیت هر یک از نسبتهای قیمتی را مشخص می کند.

در این فصل بر روی روشهایی بحث میکنیم که قویاً حداقل و حداکثر تصویر قیمتی مورد انتظار در یک سوینگ روند یا مخالف روند مشخص می کنن. همچنین بر روی شناسایی و فهم موقعیت بازاری که از حدود یک منطقه قیمتی مطمئن عبور کرده است، بحث خواهیم کرد.

همانطور که خواهید دید، این کار از محاسبه یک بازگشت ساده قیمتی (Retracement) مقداری سخت تر است

محدوده باریک و مهم دارای پتانسیل تغییر روند(حمایت و مقاومت) زمانی پیش می آید که نسبتها و روشهای قیمتی (تصویر قیمت) مختلفی در همان محدوده بر روی یکدیگر منطبق شوند. هرگز به یک نسبت قیمتی اعتماد نمیکنیم. اگر یک محدوده قیمتی دارای اهمیت می شود، به دلیل این است که تعداد زیادی از تصاویر قیمتی در آن محل جمع شده اند.

تکنیک های اولیه تصویر و پروجکشن قیمت

سه رابطه کلیدی بین قیمت وجود دارد که به سرعت و راحتی تصاویر قیمتی را پوشش می دهد که شامل موارد زیر هستند:

۱. بازگشت قیمتی یا Price Retracement
۲. پروجکشن و تصویر متناوب قیمتی یا Alternate Price Projection
۳. بسط قیمتی یا Price Expansions

هر کدام از تکنیکهای بالا را در تایم فریم و درجه ای که می خواهیم در آن معامله کنیم استفاده می کنیم اما در حالت ایده آل در یک تایم فریم بالاتر و پایین تر هم آنها را ترسیم می کنیم.
در صفحات بعدی چگونگی محاسبه و بدست آوردن تصویر قیمتی را با مثالهایی نشان داده و همچنین چگونگی بدست آوردن محدوده باریک قیمتی را با استفاده از چند تصویر قیمتی توضیح خواهیم داد.
نکته مهمی که باید به خاطر بسپاریم این است که ***تمامی تصاویر قیمتی در تحلیل های ما از قبل و به صورت پیشاپیش بدست آورده شده اند.***
بسیار زودتر از اینکه یک سوییینگ به انتها برسد، تصویر قیمتی آن ساخته شده است. البته ما از قبل نمی دانیم که کدام یک از محدوده های قیمتی، هدف نهایی بازار هستند. اما میدانیم که کدامیک از محدوده های قیمتی، بیشترین پتانسیل برای تغییر روند را دارند (به شرطی که قیمت به یکی از این محدوده ها رسیده باشد). زمان و موقعیت الگوهای بازار معمولاً به ما می گویند که کدامیک از این محدوده ها بالاترین احتمال را برای تعویض روند بازار دارند. وقتی که یک بازار روند خود را تمام می کند و سوییینگ جدید خود را می سازد، تصاویر قیمتی از نقطه پیووت و تاب خوردگی جدید ساخته می شوند.
ما بزودی می آموزیم که چگونه یک نقطه پیووت و تاب خوردگی جدید، پروجکشن و تصاویر قیمتی ساخته شده از قبل را تایید یا رد می کند.

بازگشت قیمتی یا Price Retracements

بسیاری از معامله گران با بازگشت های قیمت (اصلاح) آشنا هستند. بازگشت قیمتی درصدی از سوییِنگ و حرکت قبلی بازار است که البته در جهت مخالفت حرکت قبلی صورت گرفته است. وقتی که یک چارت قیمتی در حال تشکیل شدن است، معمولاً بیشتر از یک سوییِنگ قیمتی را میتوان پیدا کرد که بتوانیم بازگشت های قیمت هر یک از آن سوییِنگ های بزرگتر را رسم کرد. به عبارت دیگر، ما درجه های بیشتری در تصاویر بازگشتی قیمت داریم.

در مبحث بازگشت قیمتی، ما دو حالت در پیش رو داریم؛ ***بازگشت داخلی قیمت و بازگشت خارجی قیمت.***

در نوشته های بعدی حالتهای ایده آل ترسیم بازگشت را با شکل توضیح می دهیم که در جهت فهم صحیح از این موضوع می باشد. مثالهای حقیقی از بازار نیز بعد از این مطالب عنوان خواهد شد.

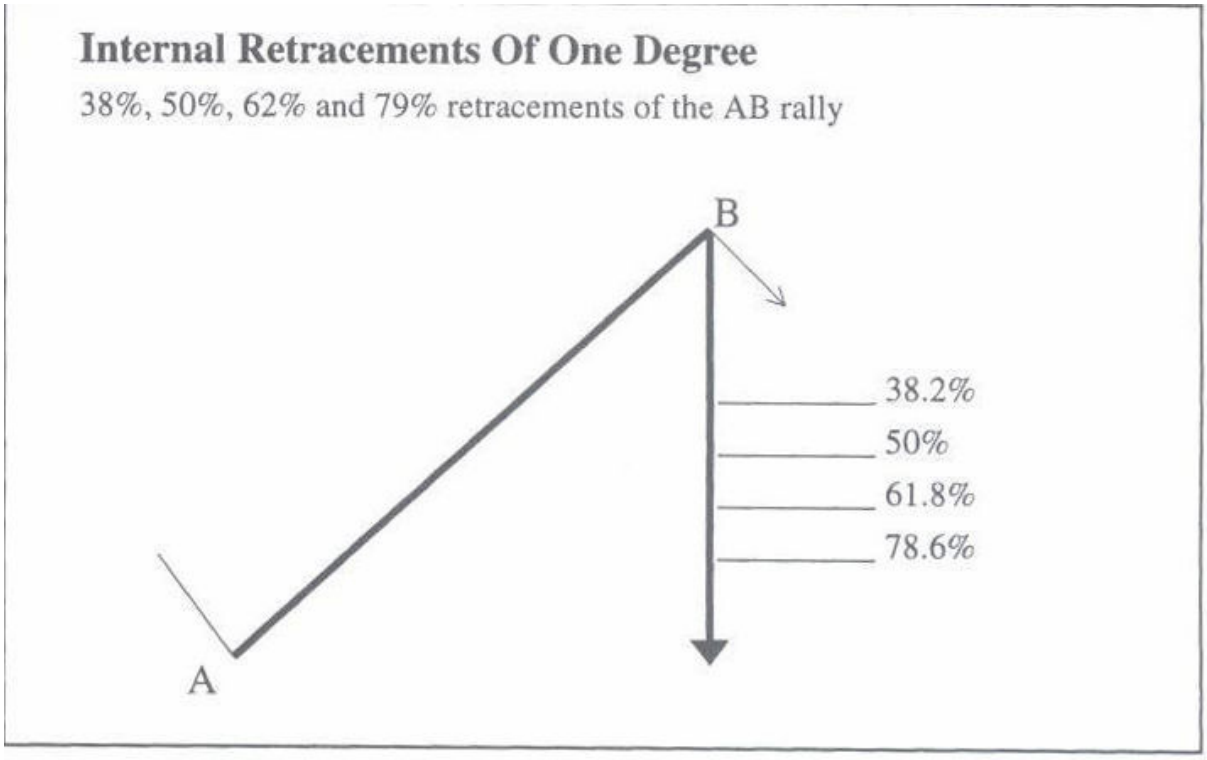
Internal Retracements Of One Degree
38%, 50%, 62% and 79% retracements of the AB rally
B
38.2%
50%
61.8%
78.6%
A

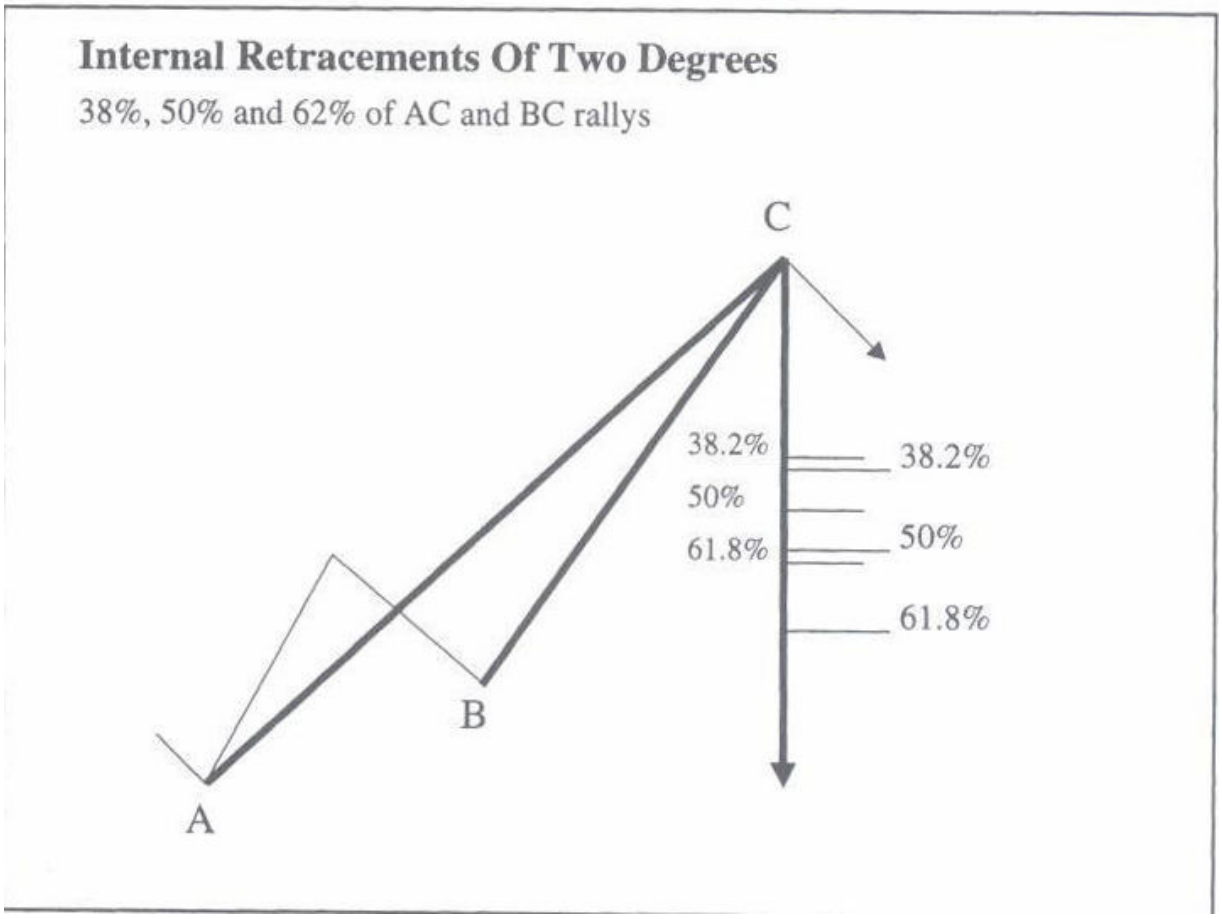
Internal Retracements Of Two Degrees
38%, 50% and 62% of AC and BC rallys
C
38.2%
50%
61.8%
38.2%
50%
61.8%
B
A

(تصویر ۳-۴)

بازگشت ها درصدی از تاب خوردگی و سوییںگ قبلی بازار را در جهت مخالف روند اصلی اندازه گیری می کنند. ***نسبت بازگشتی داخلی از ۱۰۰٪ کمتر است.***

یک بازار وقتی بازگشتی به اندازه کمتر از ۱۰۰٪ سوییںگ قبلی خود دارد، این حرکت را اصلاح یا روند مخالف می نامند. نسبتهای مهم این اصلاح ۳۸,۲٪، ۵۰٪، ۶۱,۸٪ و ۷۸,۶٪ می باشد.

ارتباط موقعیت بازار با الگوها مشخص خواهند کرد که کدامیک از این نسبتها در حرکت حال حاضر بازار، مهم تر می باشد.

در بخش های آینده یعنی راهنماهای معامله و راهنمای امواج الیوت، ترکیب همه این موارد با هم، اهمیت هر نسبت فیبوناچی را در موقعیت های مختلف بازار توصیف می کند.

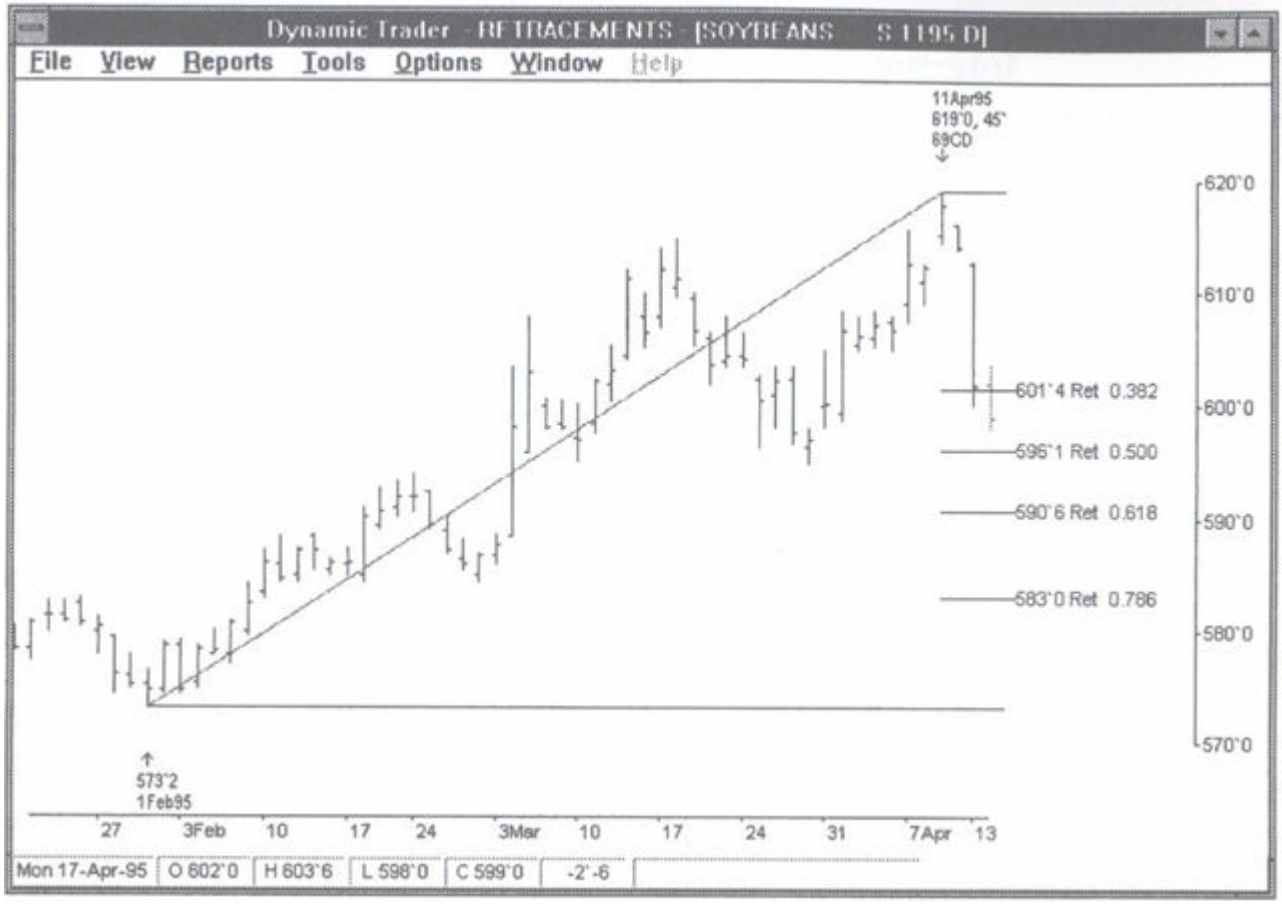

(تصویر ۴-۴)

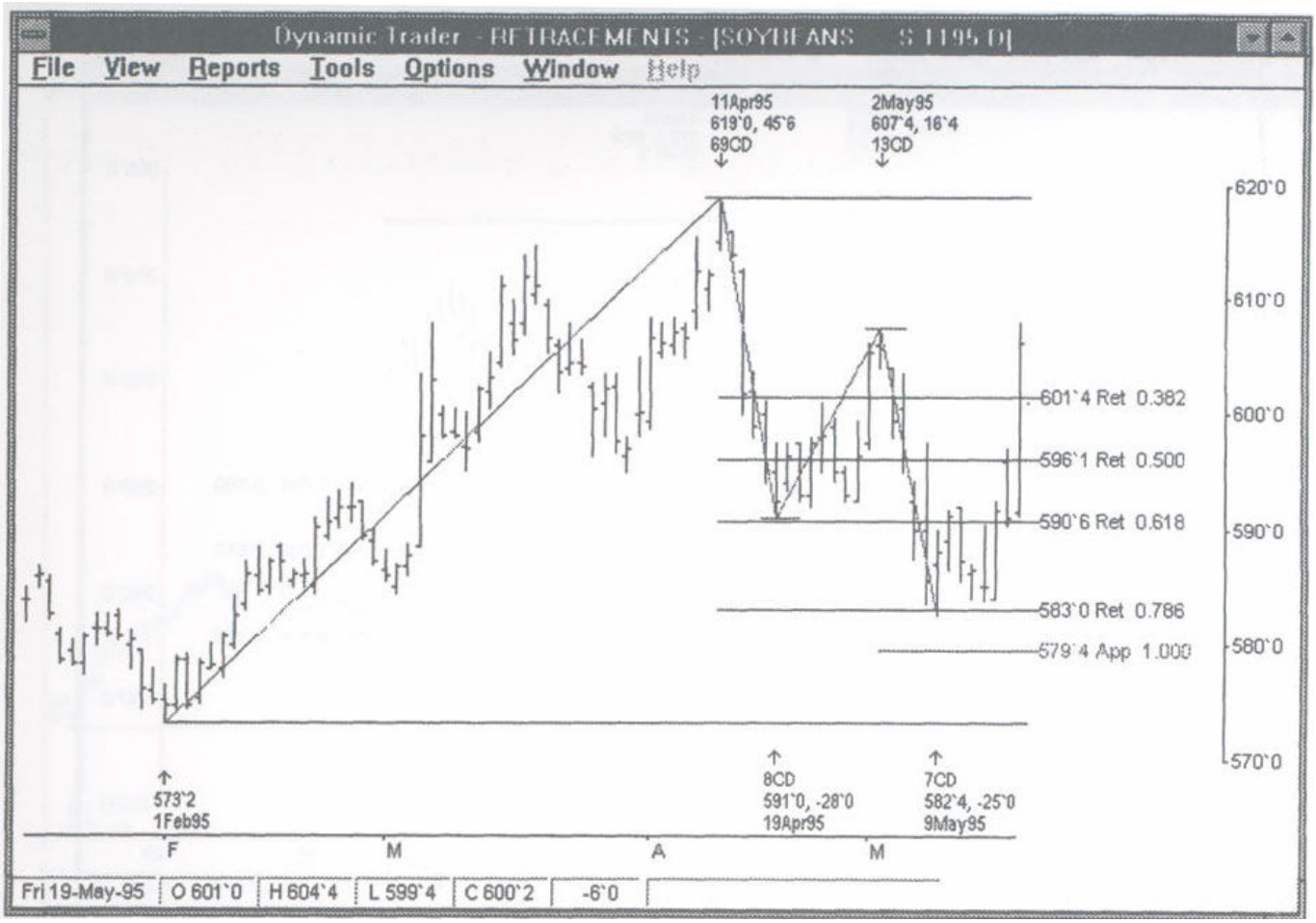

(تصویر ۵-۴)

در ۱۹ آپریل، معامله بذر لوبیا یک قعر قیمتی را درست بر روی نسبت بازگشتی ۶۱,۸٪ ایجاد کرد.

بذر لوبیا نهایتاً با ایجاد یک الگوی اصلاح **ABC** و تکمیل آن بر روی نسبت بازگشتی ۷۸,۶٪ کار نزول خود را پایان داد.

در مورد APP در همین فصل توضیح خواهیم داد.

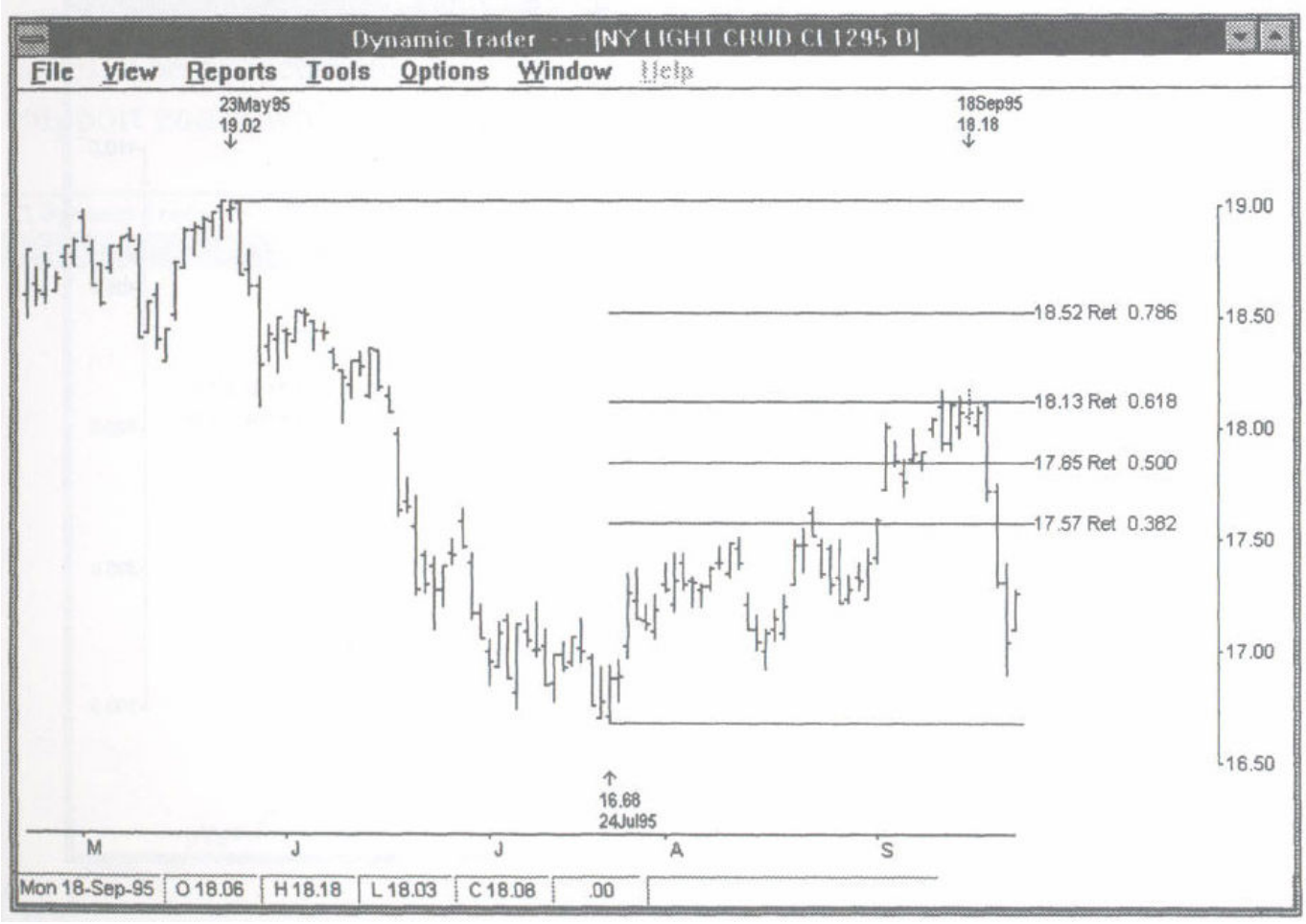

(تصویر ۶-۴)

در این تصویر شاهد مقاومت سطوح بازگشتی ۳۸,۲٪ و ۶۱,۸٪ در نفت خام هستیم.

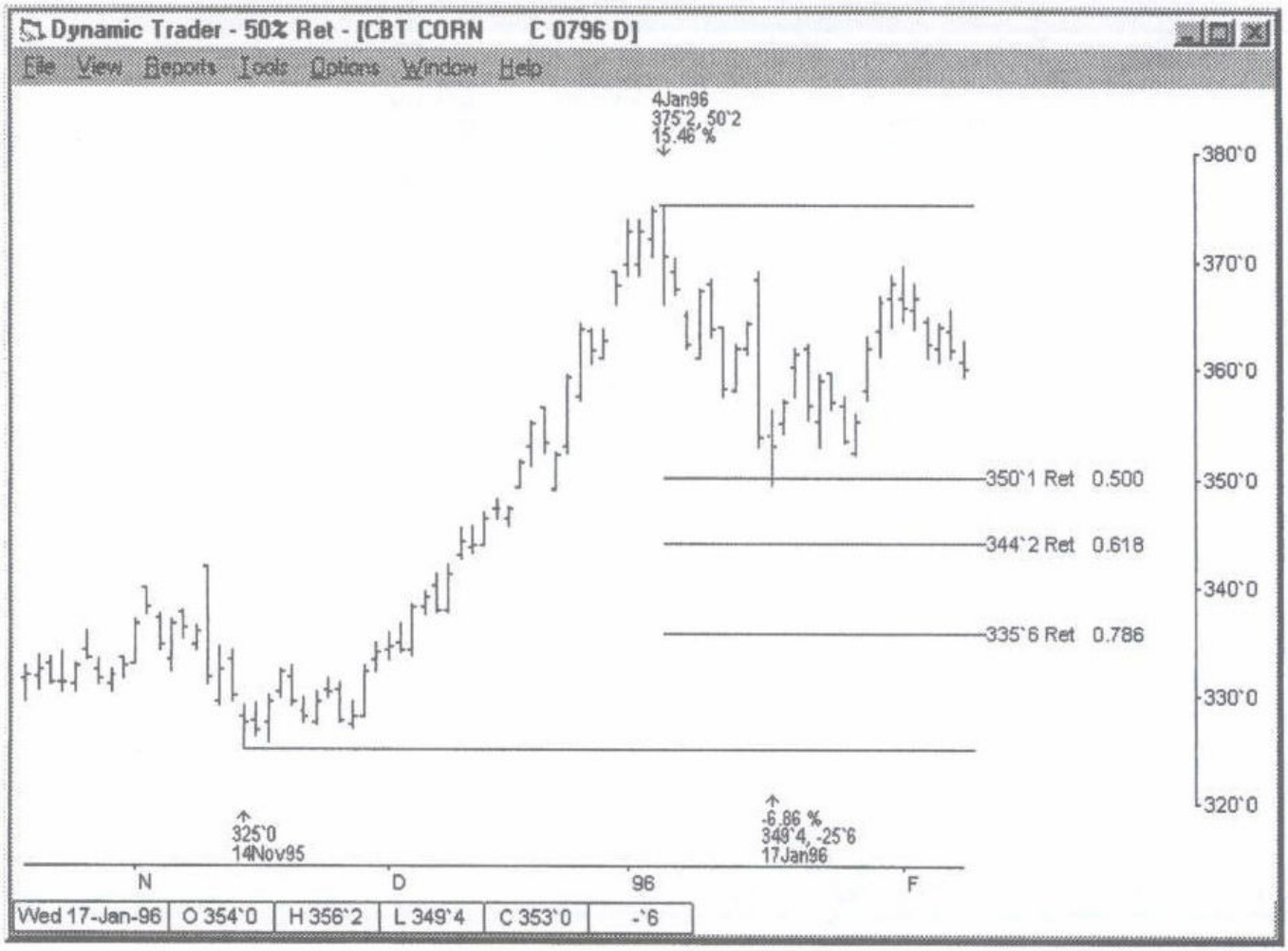

(تصویر ۷-۴)

ذرت یک روند مخالف را بر روی سطح بازگشتی ۵۰٪ به اتمام رسانیده است. در اغلب اوقات یک عکس العمل هر چند کوچک را در این سطح و نسبت مهم ۵۰٪ در تمام بازارهای مالی شاهد هستیم.

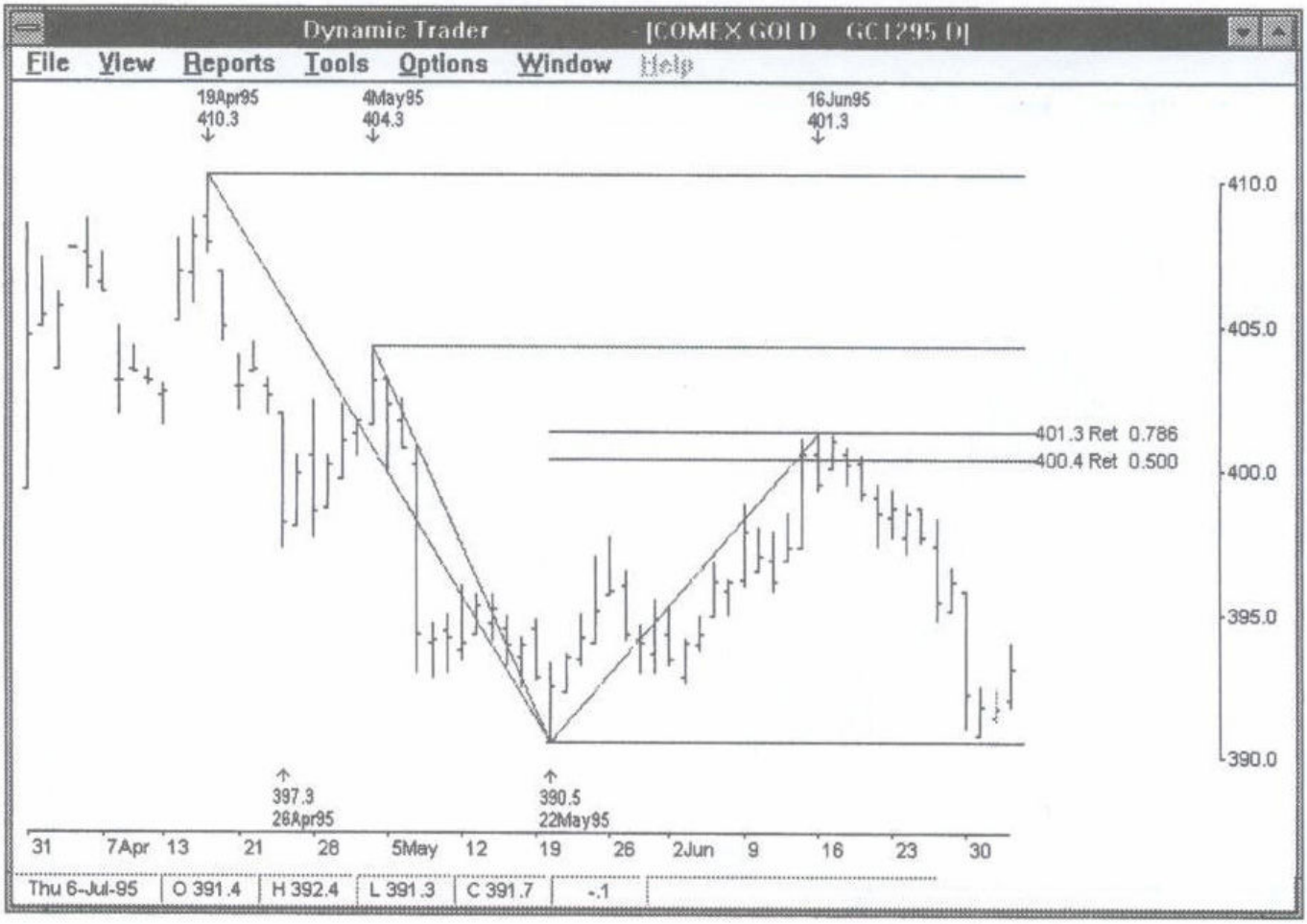

(تصویر ۸-۴)

طلا یک قله قیمتی در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۹۵ و در نسبت بازگشتی ۵۰٪ از روند آغاز شده ۱۹ آپریل تـا ۲۲ می و همچنین در نسبت بازگشتی ۷۸,۶٪ از روند ۴ مِی تا ۲۲ مِی ۹۵ همان ماه، تشکیل داده است.

این دوسطح مهم بر روی یکدیگر منطبق شده و یک منطقه مقاومتی بسیار قـوی را در پـیش راه قیمت قرار داده اند که شاهد عکس العمل قیمت به این ناحیه در تصویر بالا هستید.

مثال

اکتبر وحشتناک سال ۱۹۸۷

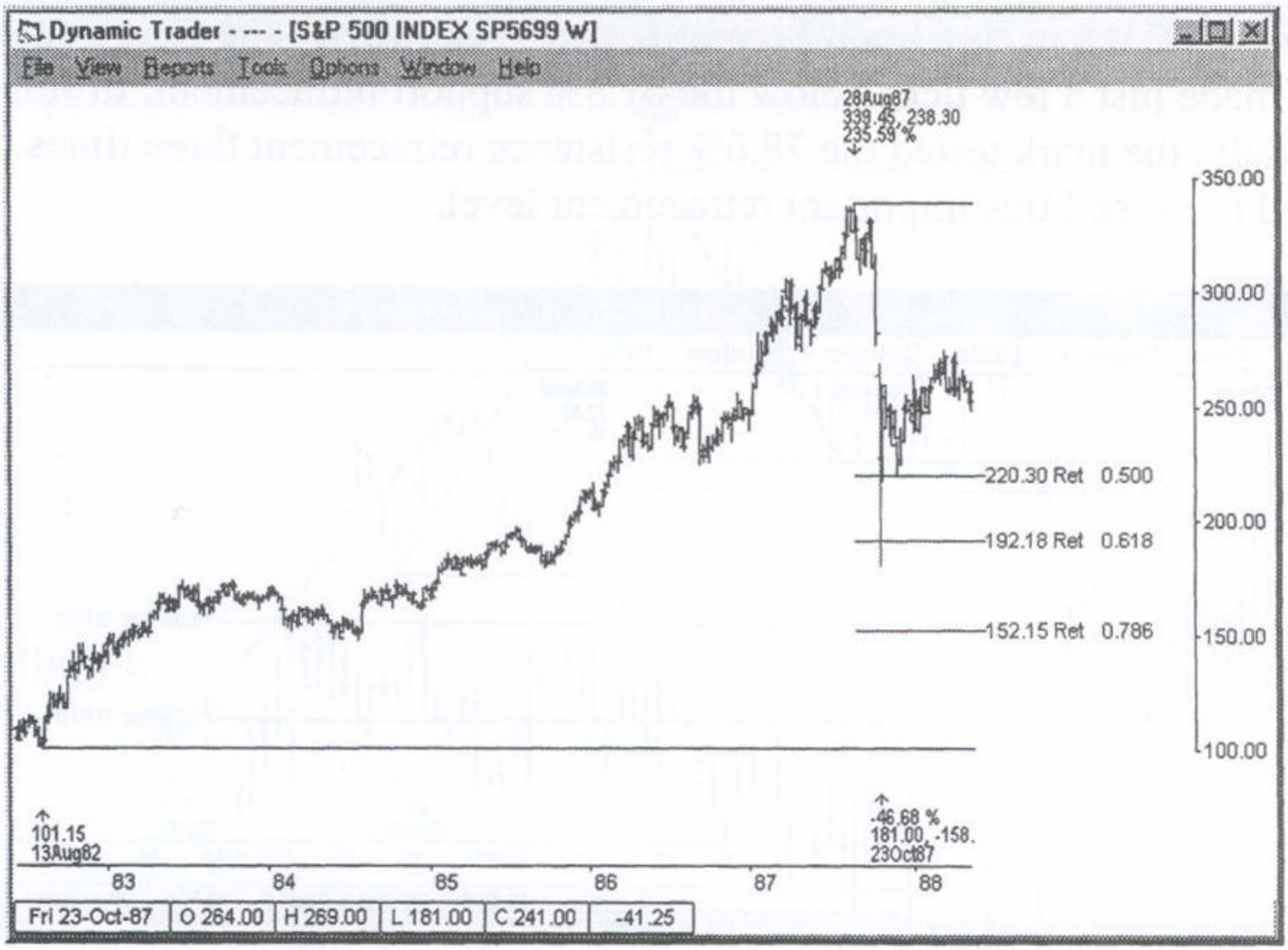

(تصویر ۹-۴)

در اکتبر سال ۱۹۸۷، شاخص S&P به طرز وحشتناکی تا سطح ۷۸,۶٪ از روند ایجاد شده از ۵ سال گذشته خود فرو ریخت. توجه کنید که قعر دوم ایجاد شده دقیقاً بر روی نسبت ۶۱,۸٪ روند قبلی شکل گرفت.

چارت پایین سطوح بازگشت از جولای ۱۹۸۴ را نشان می دهد. قعر ایجـاد شـده در اکتبـر سـال ۱۹۸۷ در واکنشهای اولیه به سطح ۷۸,۶٪، چند دلاری نیز از سطح مورد نظر پایین تر رفت. رسم بازگشت قیمتی بـر روی چارت، دو محدوده حمایتی را در قیمتهای ۱۸۹ تا ۱۹۲ دلار و ۲۲۰,۳ تا ۲۲۱,۴ را نشان می دهد.

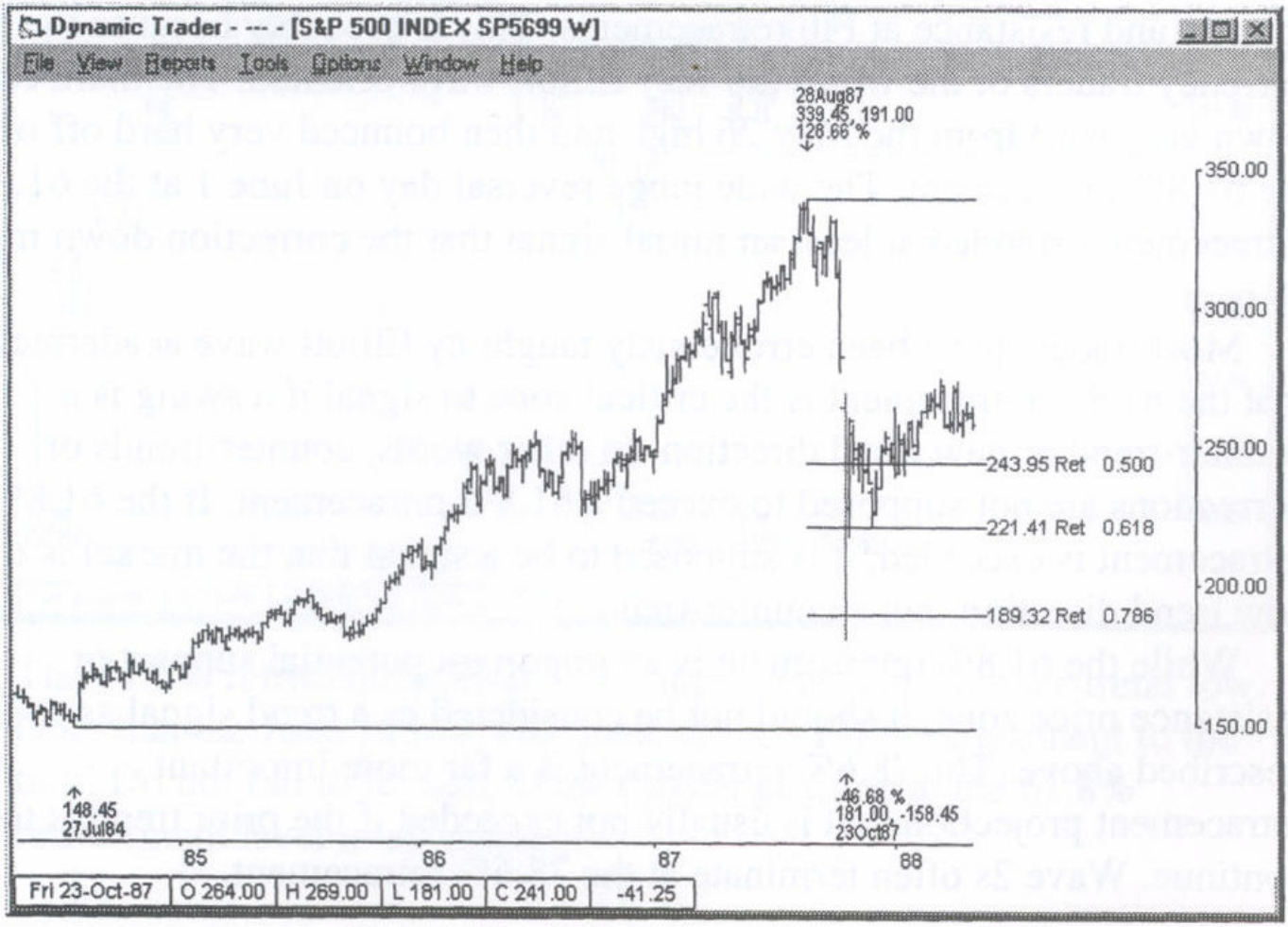

(تصویر ۱۰-۴)

قعر ساخته شده در اول ژوئن تنها چند واحد زیر سطح حمایتی ۶۱,۸٪ ایجاد شد. در دو ماه بعد بازار سه بار سطح مقاومتی ۷۸,۶٪ را برای شکستن تست کرد ولی هر بار در مقابل این سطح شکست خورد.

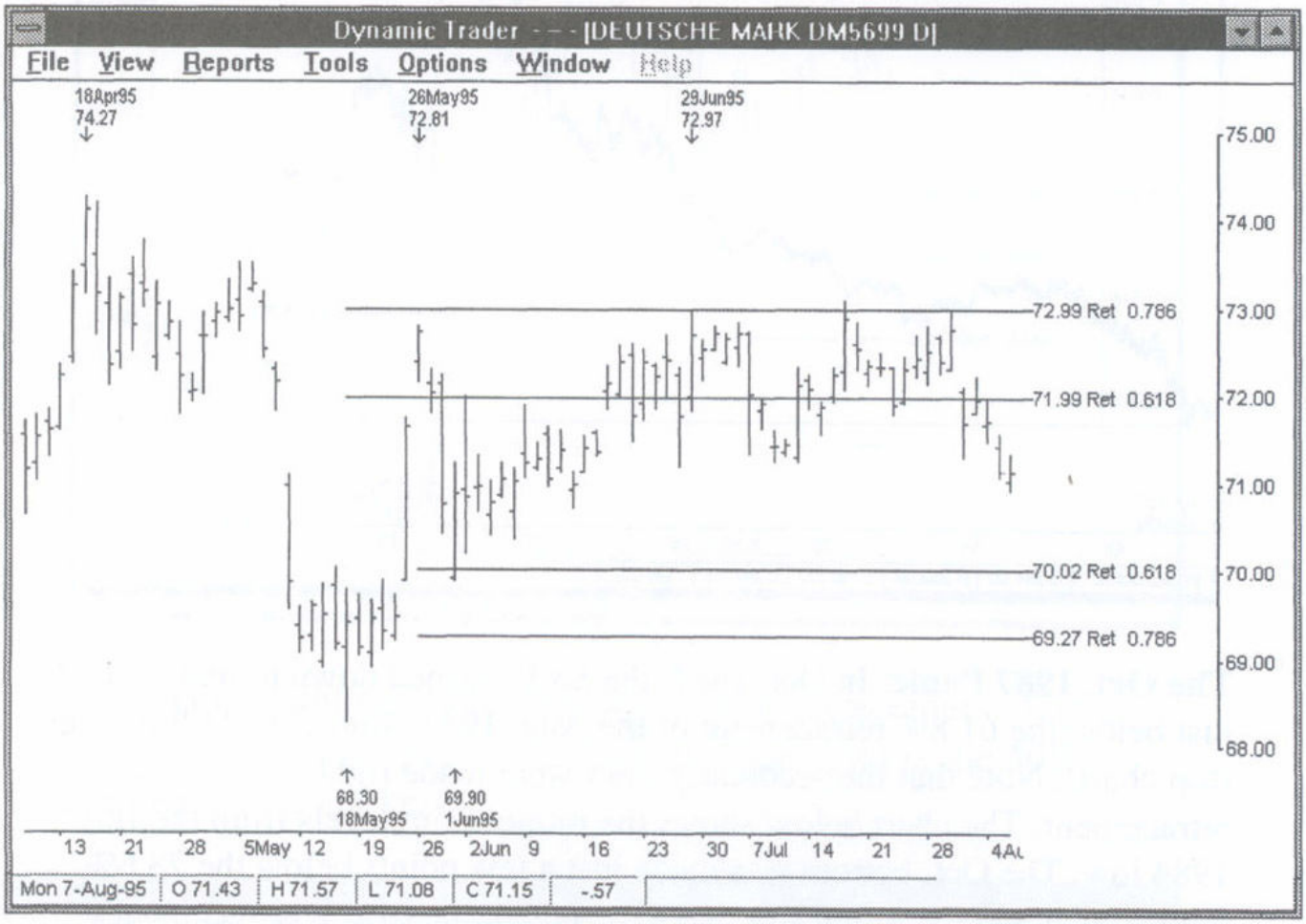

(تصویر ۱۱-۴)

چگونه یک بازار و عکس العمل آن در مقابل یک درصد بازگشتی، موقعیت بازار را برای ما مشخص می کند؟

در ارزها به خوبی می توان به سطوح مقاومتی و حمایتی درصد های فیبوناچی اعتماد کرد. این بخاطر استفاده و گرایش افراد بسیار زیادی در سراسر جهان به امواج الیوت است. در چارت بالا، بازار در ۲۶ می، به شدت سقوط کرده اما در سطح ۶۱,۸٪ فیبوناچی دچار برگشت می شود. محدوده گسترده سایه نمودار شمعی در تاریخ اول ژوئن بر روی ۶۱,۸٪ فیبوناچی سیگنال مهمی است که روند اصلاحی و نزولی در این تاریخ به پایان رسیده است. در همه جا معامله گران بر این باورند که مثلاً ۶۱,۸٪ یک محدوده حمایت بسیار قوی است اما باید این نکته را در نظر گرفت که اگر قیمت از این محدوده عبور کند، علاوه بر اینکه روند جاری احتمالاً یک اصلاح نیست بلکه یک روند جدید در حال شکل گیری است.

حال اگر روند جاری نخواهد ادامه پیدا کند، درصد ۷۸,۶ آخرین و دورترین نسبتی است که می تواند جلوی شکل گیری روند جدید را بگیرد و روند جدید به صورت اصلاحی باقی میماند.

موج دوم معمولاً بر روی سطح ۷۸,۶٪ از بین می رود.

مثال

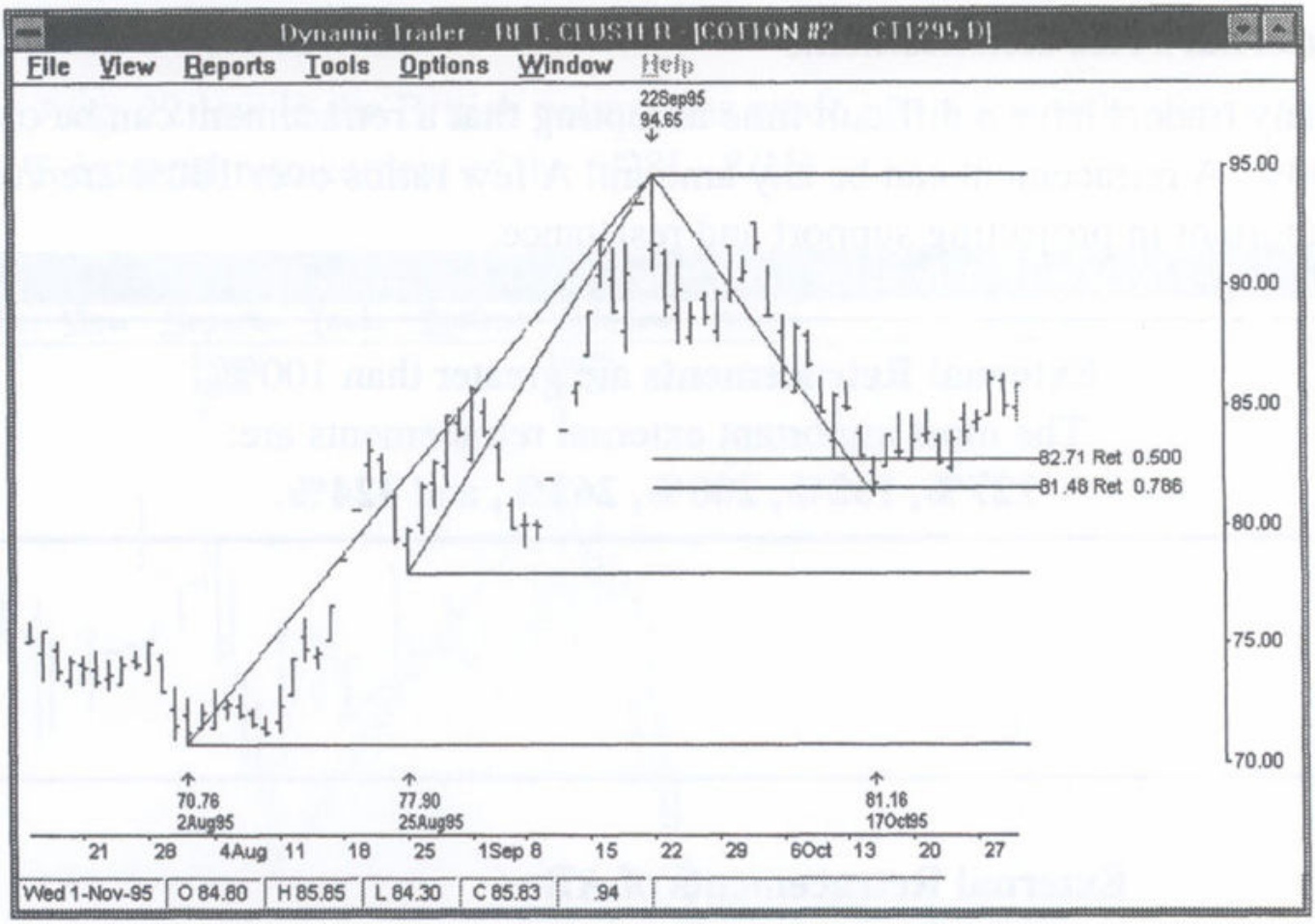

(تصویر ۱۲-۴)

دانه پنبه یک قعر قیمتی در محل انطباق سطوح ۵۰٪ از روند بزرگتر و ۷۸,۶٪ از روند کوچکتر، ساخته است.

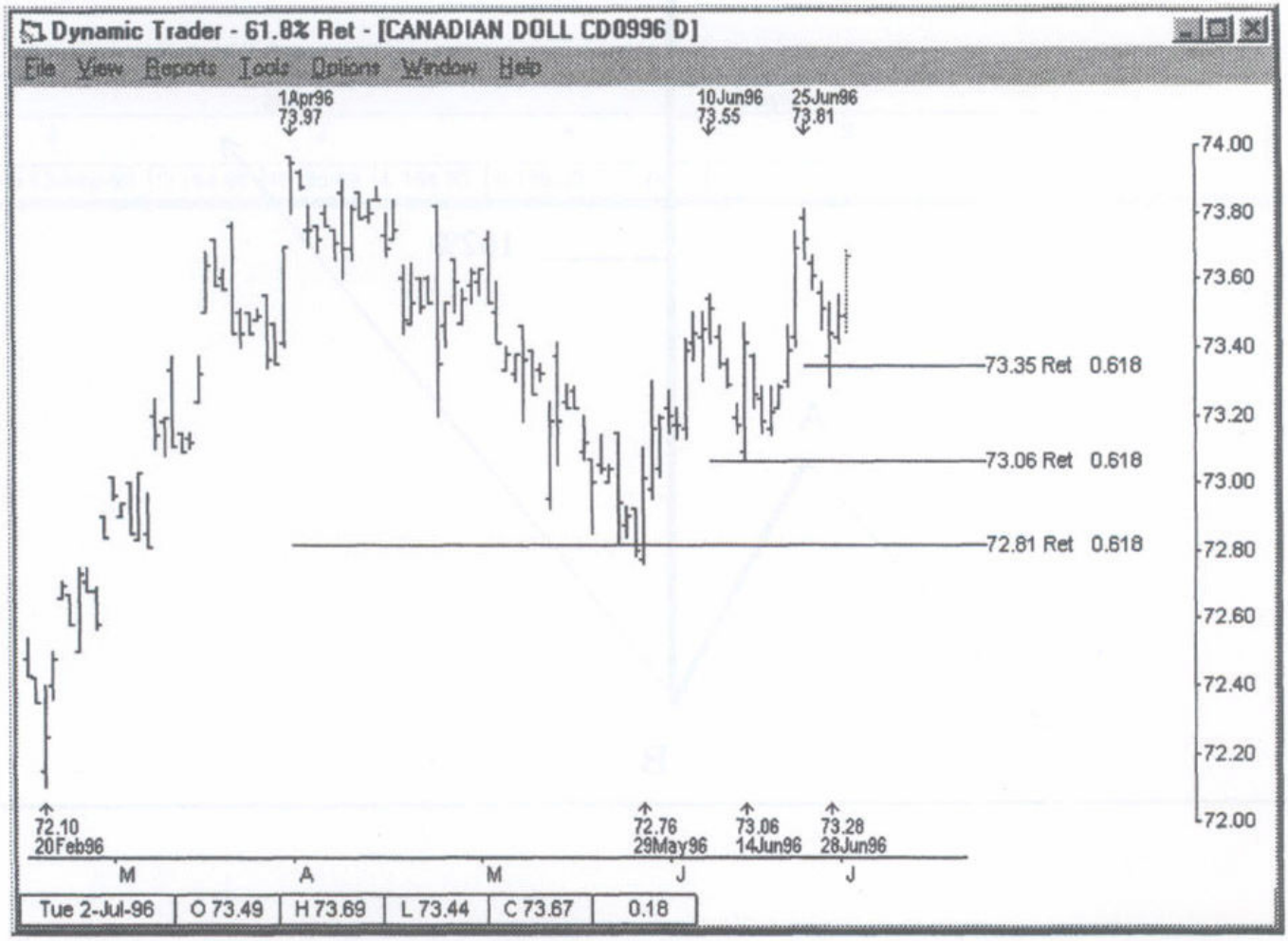

(تصویر ۱۳-۴)

سطح ۶۱,۸٪ فیبوناچی یک سطح حمایتی در تمام قعر های روند اصلاحی است. توجه داشته باشید کـه در تاریخ ۱۴ ژوئن یک قعر دقیقاً بر روی سطح بازگشتی ۶۱,۸٪ ایجاد شده است.

بازگشت خارجی قیمت

بسیاری از معامله گران با درصد های بیشتر از ۱۰۰ برای بازگشت های قیمتی مشکل دارند اما یک بازگشت قیمتی میتواند به هر اندازه ای باشد. بعضی از این اعداد دارای بار روانی هستند و سطوح مقاومتی و حمایتی را تشکیل می دهند.

برخی از اعداد مهم بازگشت خارجی ۱۲۷٪، ۱۶۲٪، ۲۰۰٪، ۲۶۲٪ و ۴۲۴٪ می باشد.

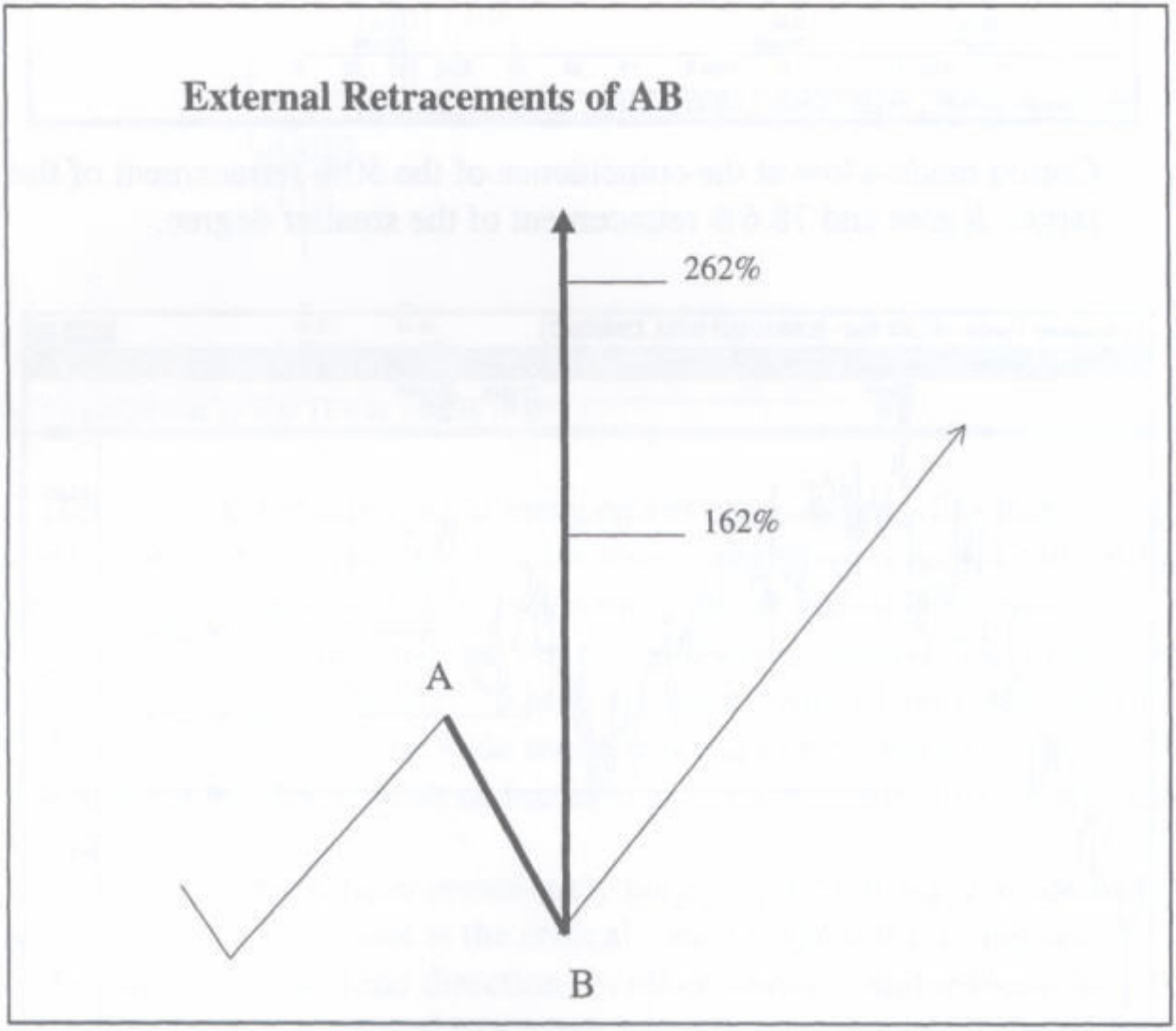

(تصویر ۱۴-۴)

در شکل فوق بازگشت خارجی سوییِنگ AB مشخص است.

مثال:

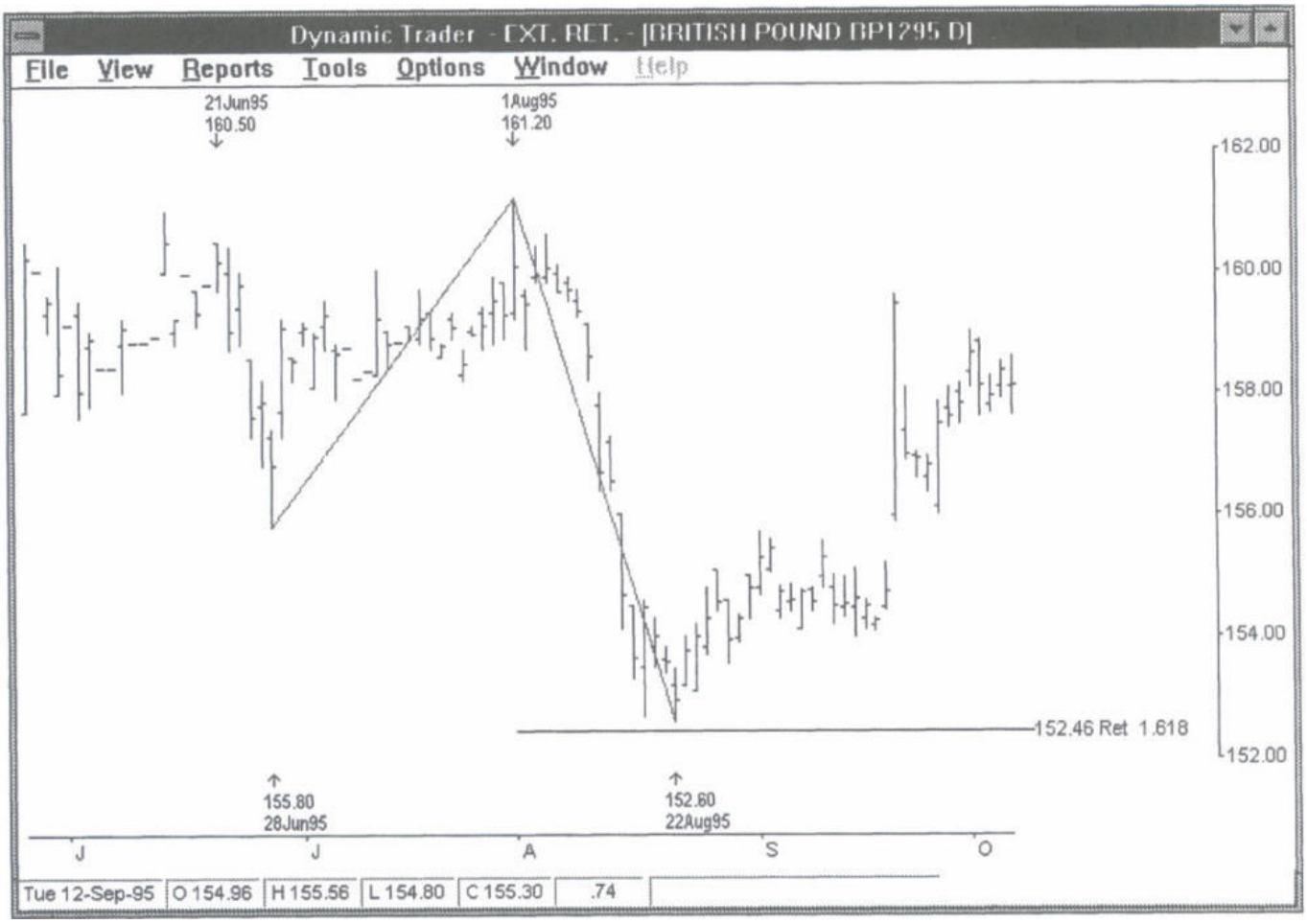

(تصویر ۱۵-۴)

قعر ایجاد شده در ۲۲ آگوست تنها چند واحد بالاتر از سطح ۱۶۲٪ از بازگشت خارجی سوییننگ ۲۸ ژوئن تا اول آگوست می باشد.

(تصویر ۱۶-۴)

نزول قیمت در کالای سویا در سطح ۲۶۲٪ از بازگشت خارجی اولین سوییـنگ مخالف رونـد، متوقـف شـده است.

در ساختار های پنج موجی اغلب شاهد این هستیم که روند در یکـی از سـطوح۱۶۲٪، ۲۶۲٪ و یـا ۴۲۴٪ از بازگشت خارجی موج دوم، متوقف میشود. موج دوم اولین موج مخالف روند نامیده میشود.

بازگشت های خارجی معمولاً در بین معامله گران کاربرد چندانی ندارد در حالیکه ایـن سـطوح از اهمیـت و ارزش بالایی برخوردار هستند.

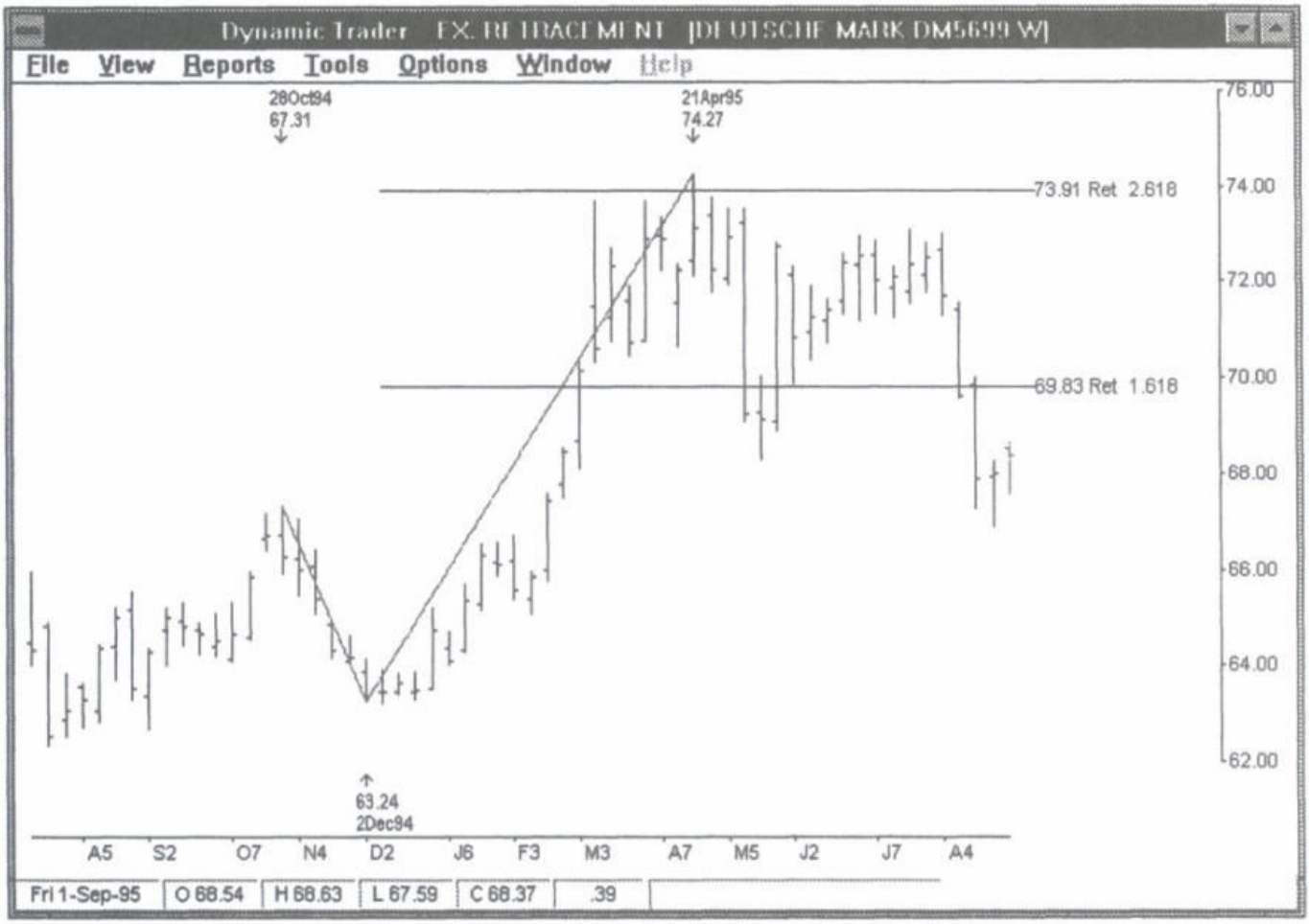

(تصویر ۱۷-۴)

قله ایجاد شده در ۲۱ آپریل، بر روی سطح ۲۰۰٪ از بازگشت خارجی آخرین سوینگ مخالف روند، تـشکیل شده است.

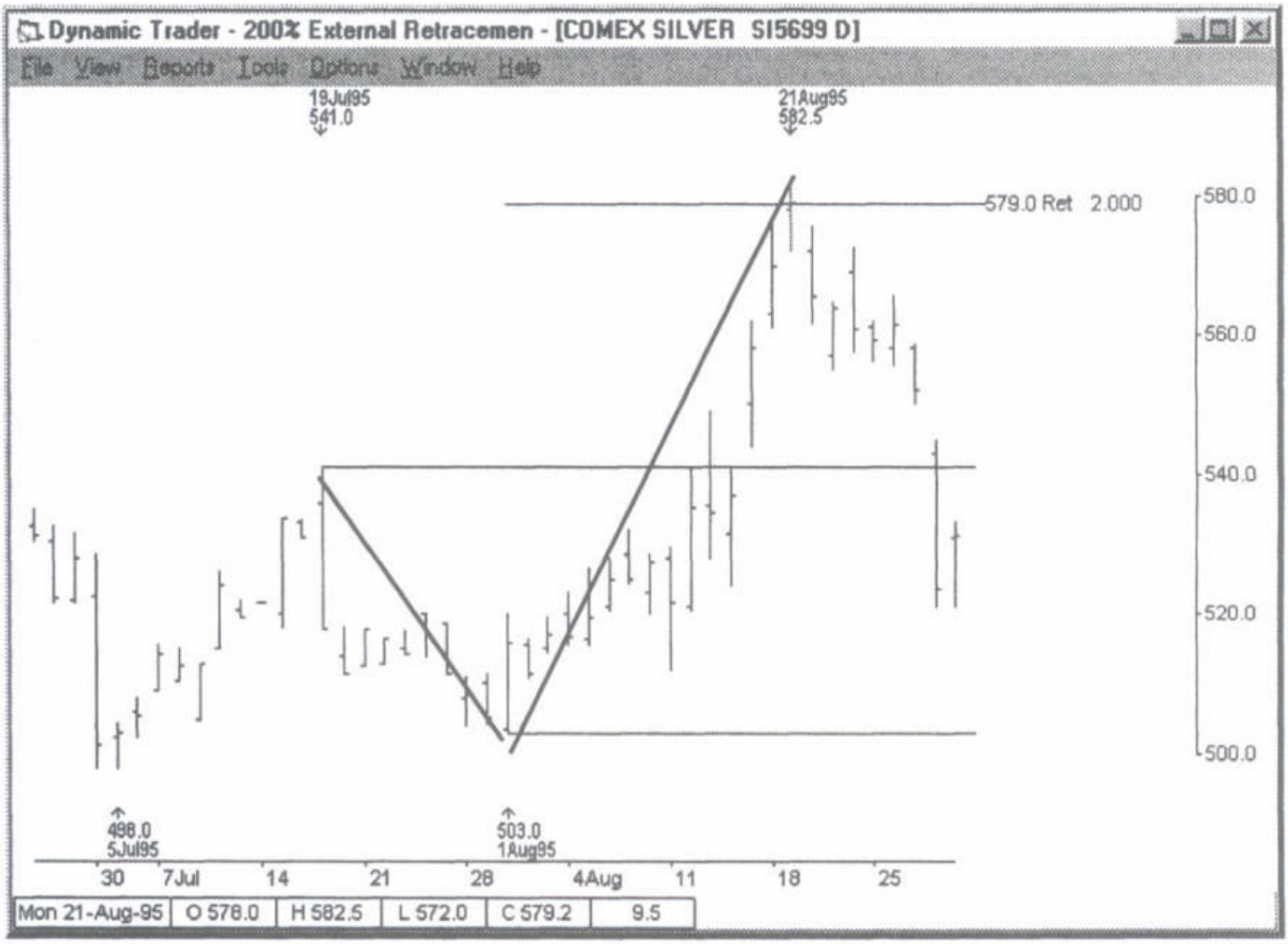

(تصویر ۱۸-۴)

بازگشت خارجی ۲۰۰٪ معمولاً تحت عنوان "حرکت اندازه گیری شده" شناخته میشود. ایـن جملـه اعتبـار این سطح را بیان میکند و نشان می دهد که معامله گران حساسیت خاصی بر روی این سطح دارند.

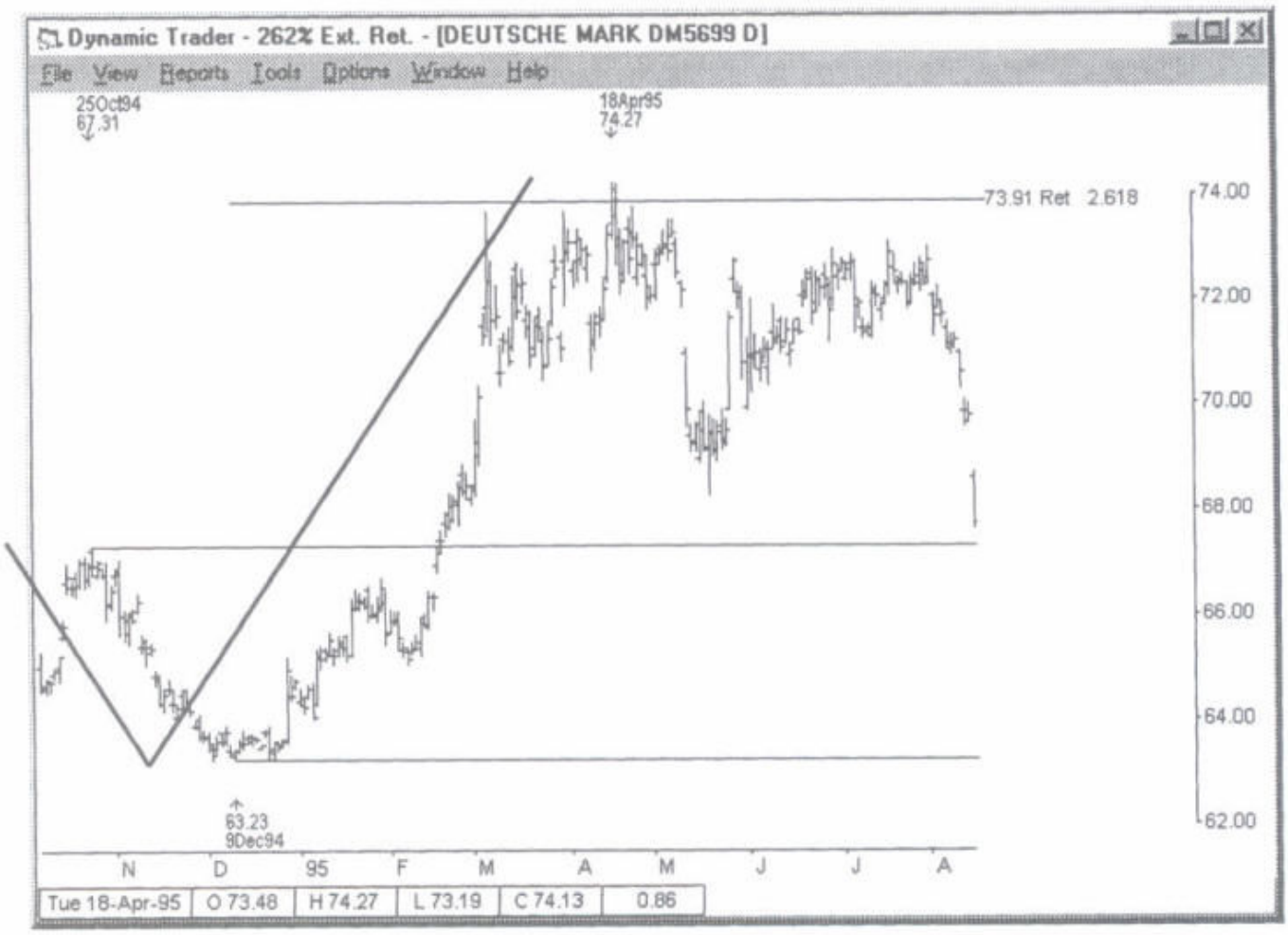

(تصویر ۱۹-۴)

نقطه پیک قیمتی به صورت علامت تیک (√) در آپریل ۱۹۹۵ در نسبت ۲۶۲٪ از بازگشت خارجی آخـرین حرکت مخالف روند شکل گرفته است.

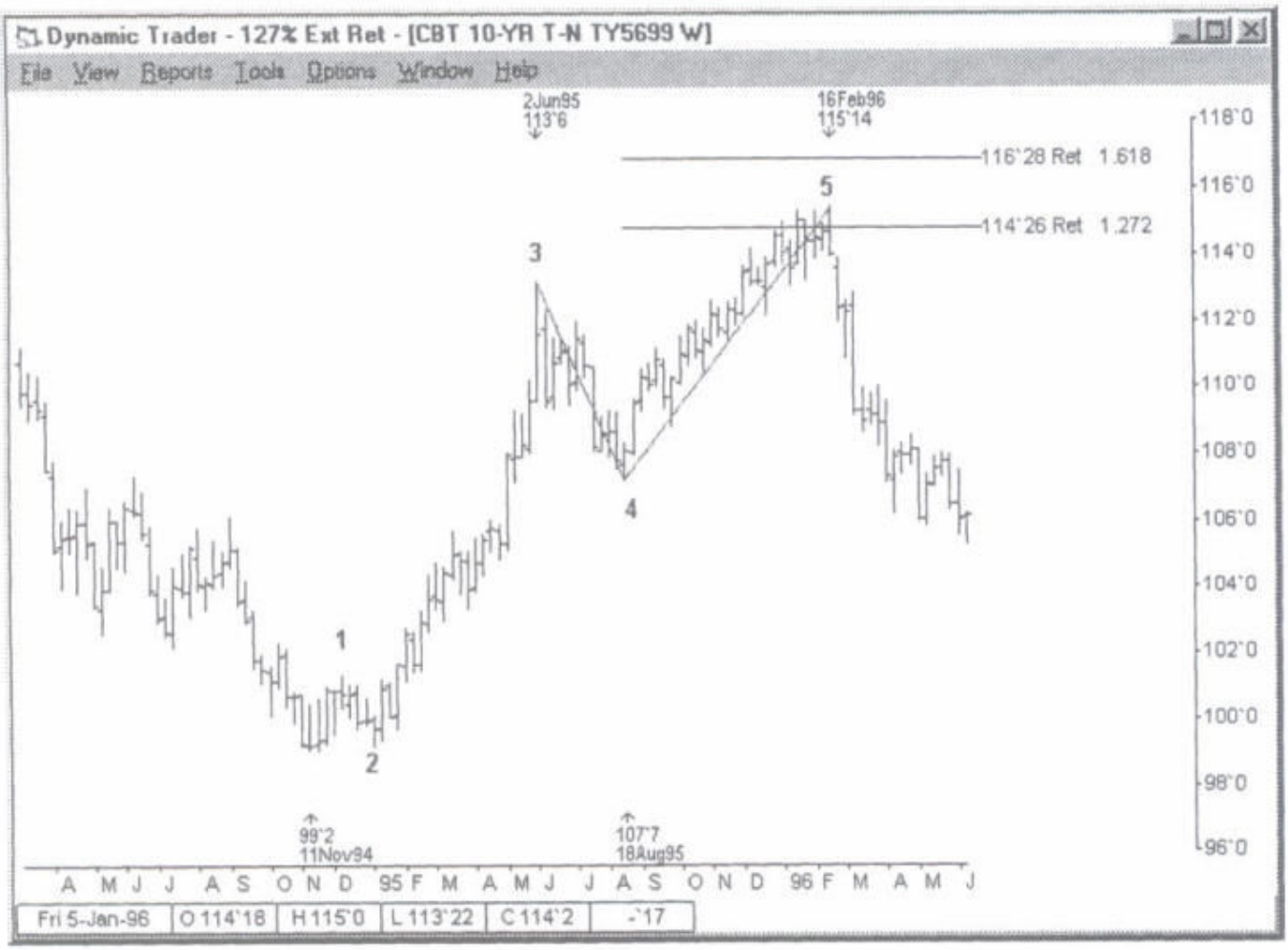

(تصویر ۲۰-۴)

تا زمانیکه موج ۵ یک موج بسط یافته نشده است، این موج معمولاً در نسبتهای ۱۲۷٪ و یا ۱۶۲٪ از بازگشت خارجی موج ۴ (دومین موج مخالف روند) به اتمام میرسد.

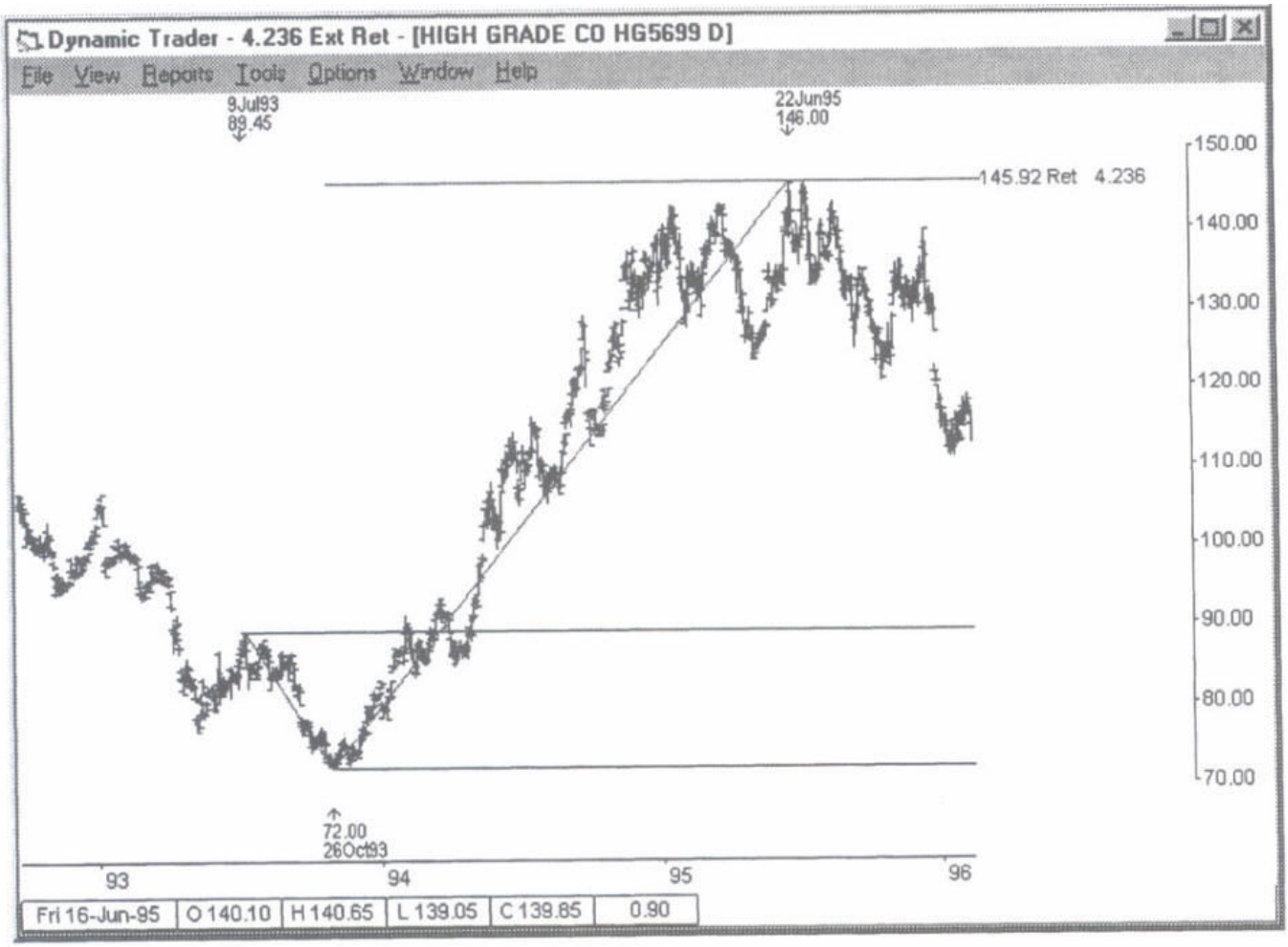

(تصویر ۲۱-۴)

آخرین پیک تشکیل شده در نمودار قیمتی فلز مس تنها چند واحد بالاتر از نسبت ۴۲۴٪ از بازگشت خارجی آخرین روند نزولی قیمت -قبل از شروع روند صعودی- به اتمام رسیده است.

یک روند به ندرت از نسبت ۴۲۴٪ دو روند مخالف خود (موج دو و چهار) تجاوز میکند. این یک نکته قابل تأمل است. در زمانهایی که روند قیمتی به این محدوده نزدیک میشود، باید منتظر تکمیل روند درحال جریان باشیم.

APP یا Alternate Price Projection

تصویر قیمتی متناوب، مقایسه ای بین دو حرکت پیشرو و یا مخالف روند بازار دارد. به عنوان مثال تصویر موج ۳ را در مقایسه با موج ۱ اندازه گیری میکند. مهمترین درصد های تناسب این امواج،۶۲٪، ۱۰۰٪، ۱۶۲٪، ۲۰۰٪، ۲۶۲٪ و ۴۲۴٪ می باشد.

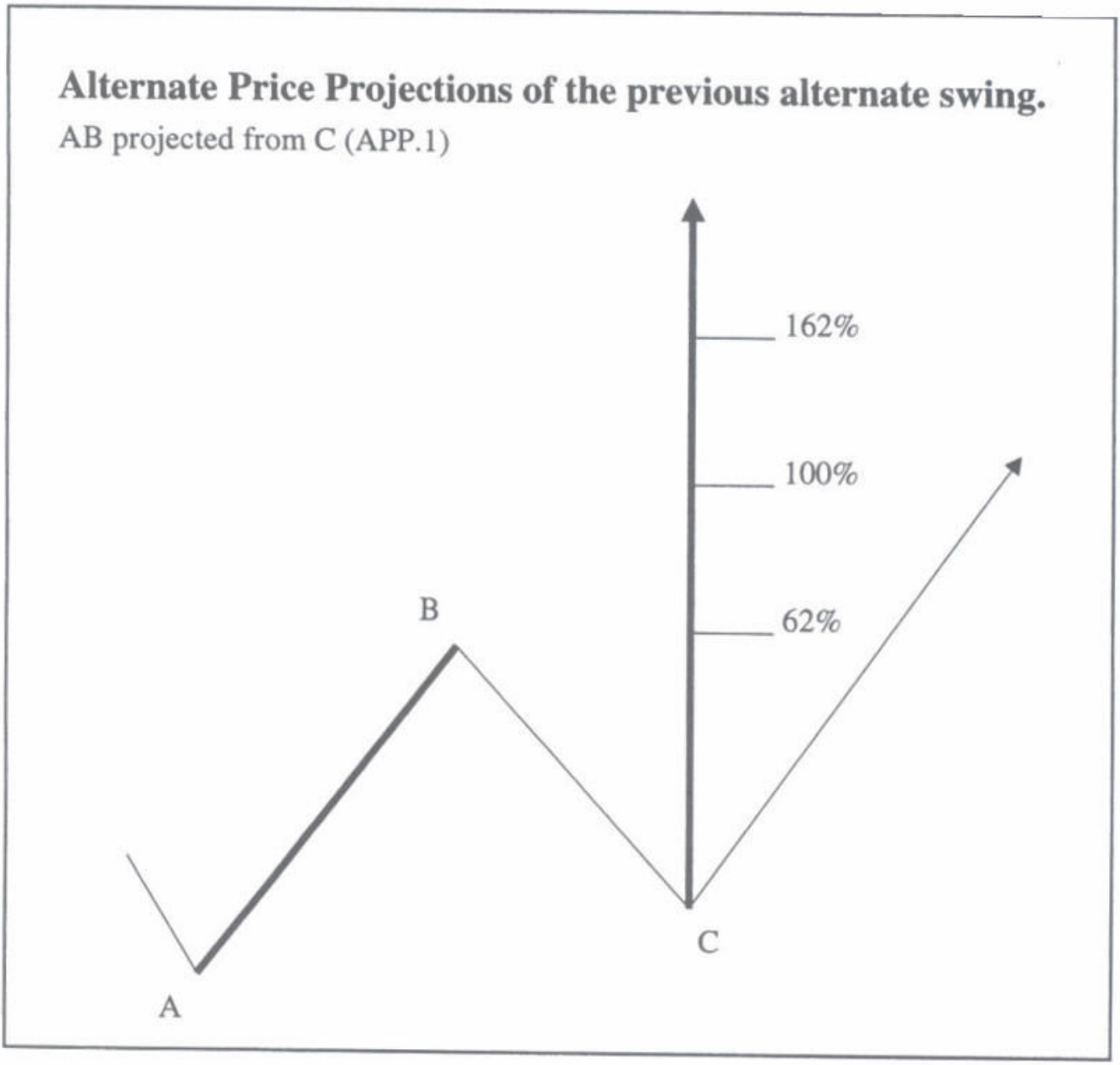

(تصویر ۲۲-۴)

شکل بالا درصد و تصویر پیشرفت موج C از موج AB را نمایش میدهد. همانطور که مشاهده میشود، تصویر موج پیشرو C با موج پیشرو قبل از خود مقایسه شده است. به این حالت، اندازه گیری قیمت به صورت متناوب (APP) گفته میشود.

مثال:

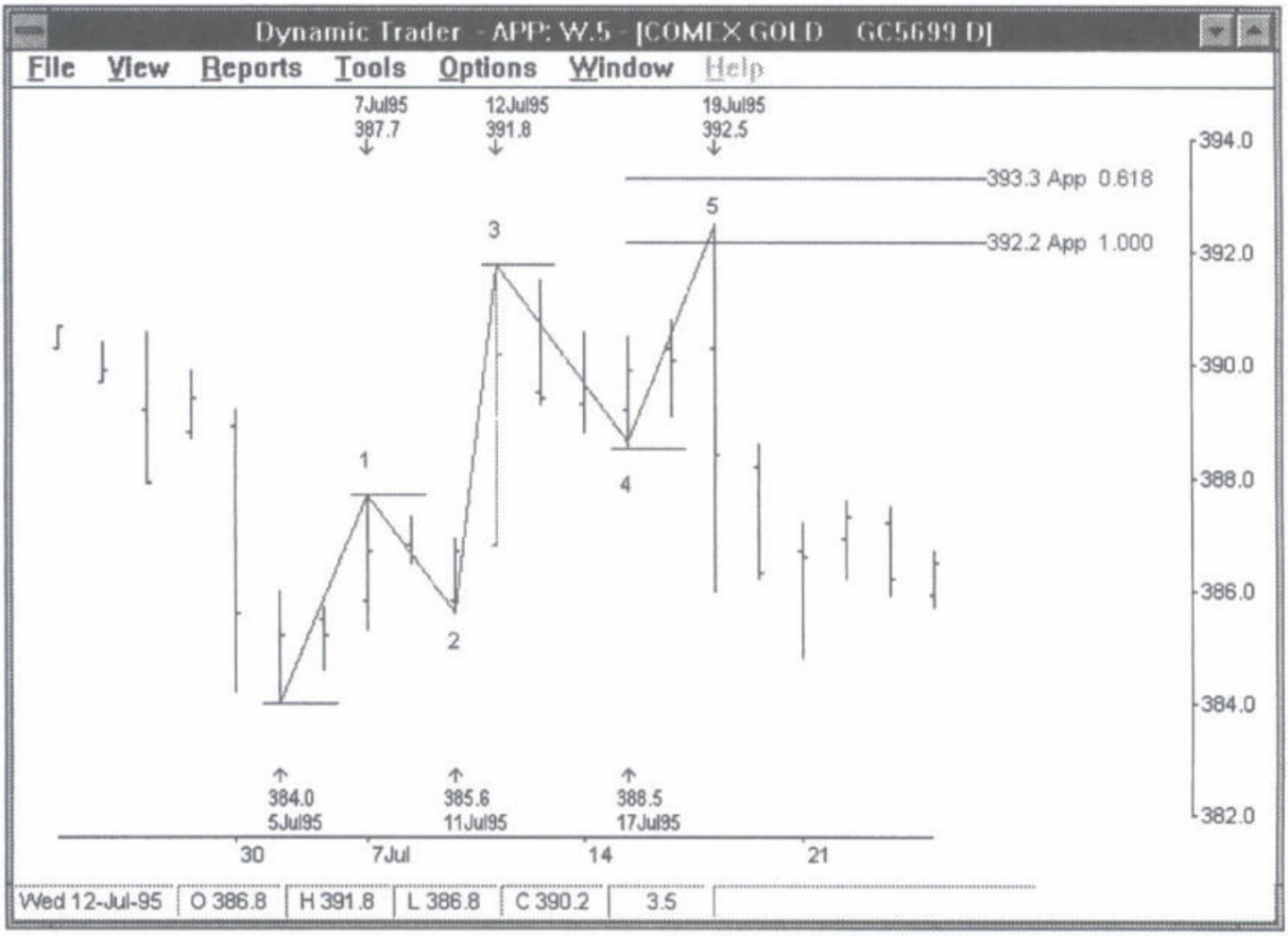

(تصویر ۲۳-۴)

در ۱۹ جولای ۱۹۹۵ شاهد ایجاد قله موج ۵ هستیم. این پیک قیمتی از انطباق دو نسبت ۱۰۰٪ موج ۱ و ۶۲٪ موج ۳ حاصل شده است. دیده میشود که به صورت متناوب از امواج پیشرو برای اندازه گیری این نسبتها استفاده کرده ایم.

این ابزار (APP) از مهمترین روشهای اندازه گیری هدف موج ۵ می باشد و بسیار مورد استفاده قرار میگیرد. اینکه کدام ابزار و کدام نسبت در اندازه گیری کدام موج مناسبتر می باشد را در انتهای این فصل به صورت کامل عنوان خواهیم کرد.

چند مثال:

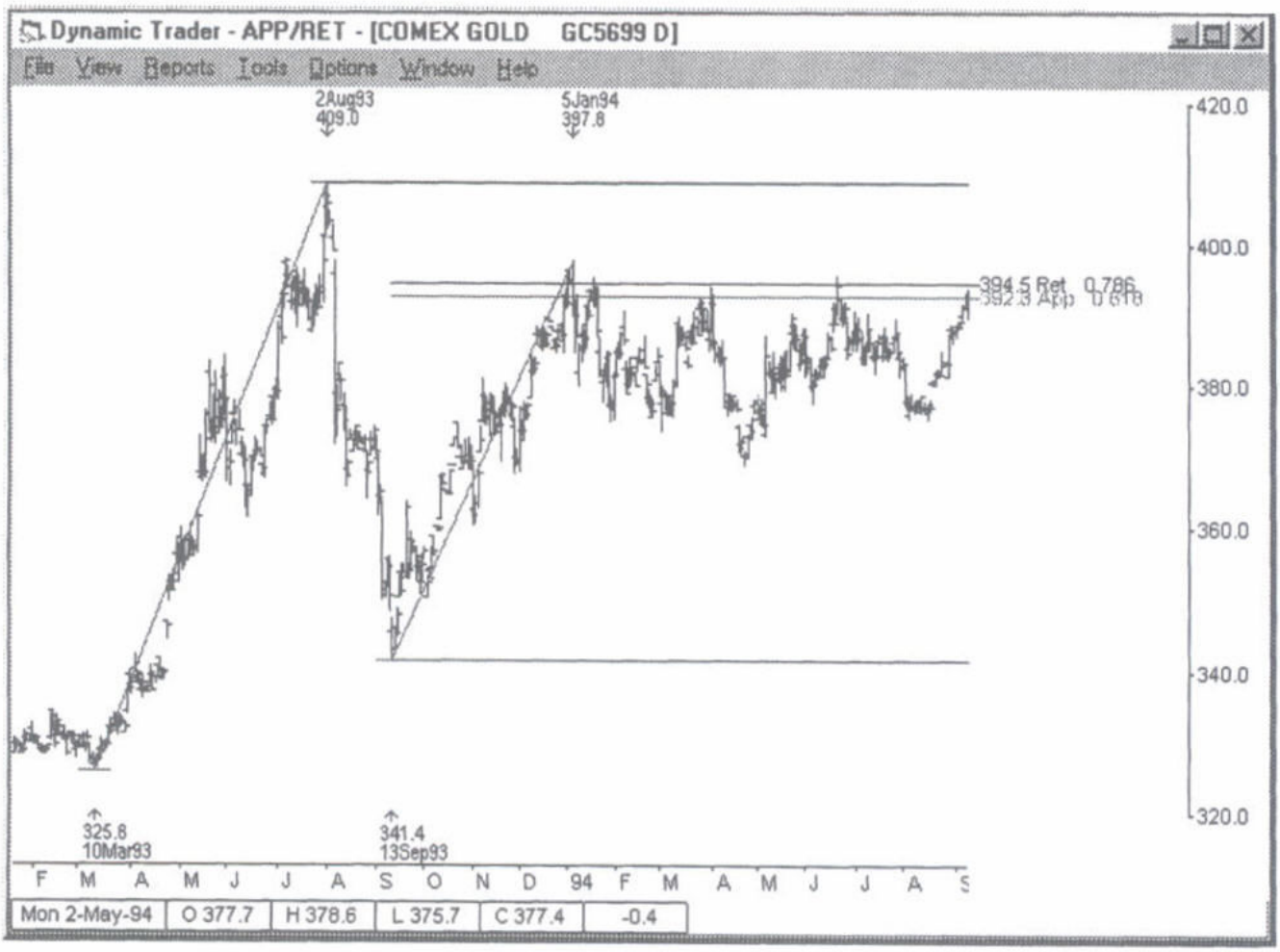

(تصویر ۲۴-۴)

بوجود آمدن پیک قیمتی ۵ ژانویه ۱۹۹۵ و بعد از آن ایجاد یک بازار بدون فراز و نشیب در نمودار قیمتی طلا در محدوده انطباق سطوح بازگشت ۷۸,۶٪ و (APP) بازگشت قیمتی متناوب ۶۱,۸٪ ایجاد شده است.

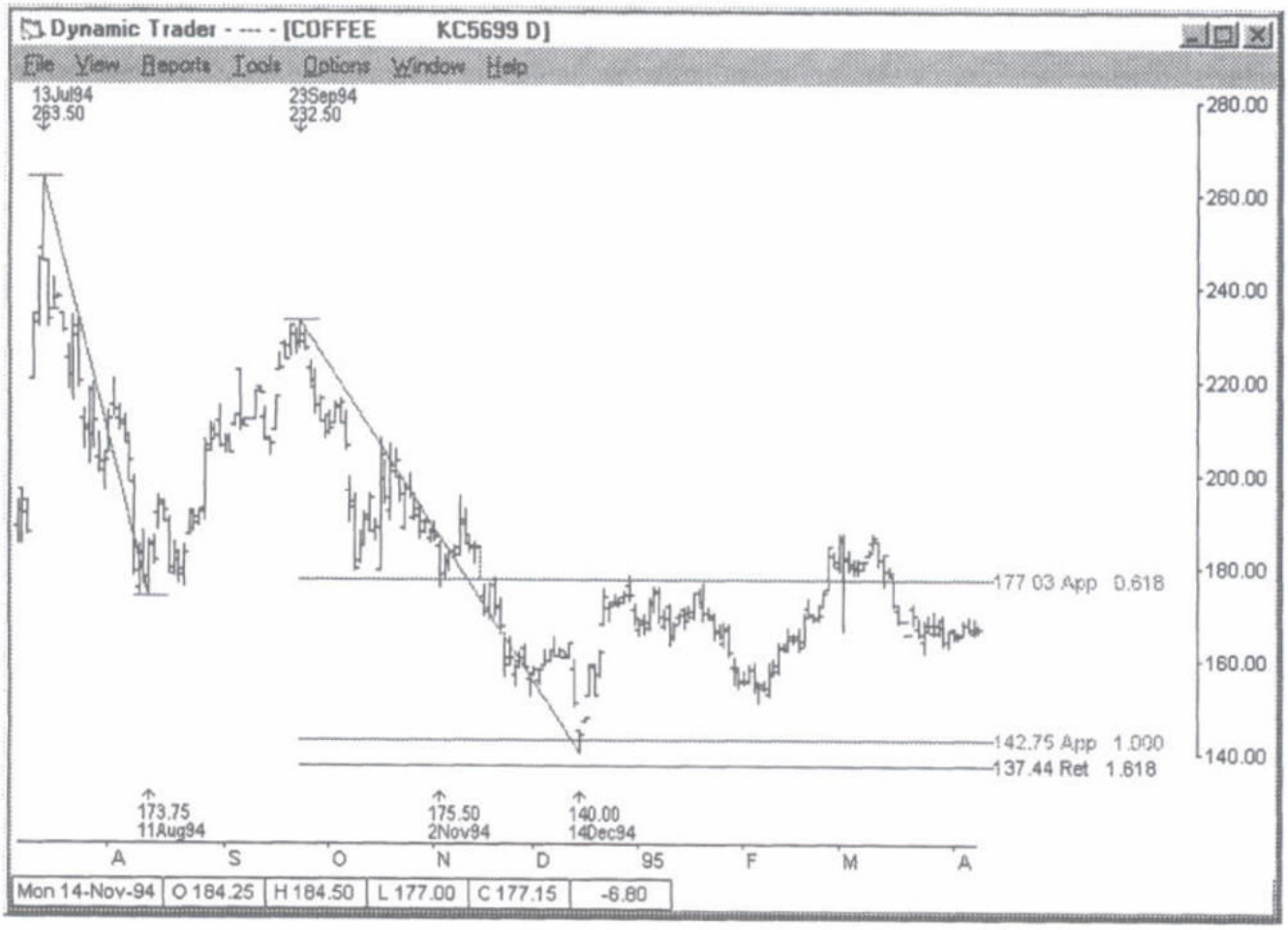

(تصویر ۲۵-۴)

نمودار قیمتی قهوه در دسامبر سال ۱۹۹۴، یک قعر قیمتی ساخته است. این قیمت در محل انطباق نسبتهای ۱۰۰٪ APP موج همجهت قبل از خود و ۱۶۲٪ بازگشت خارجی موج مخالف قبل از خود است. (موج ۱۱ آگوست تا ۲۳ دسامبر)

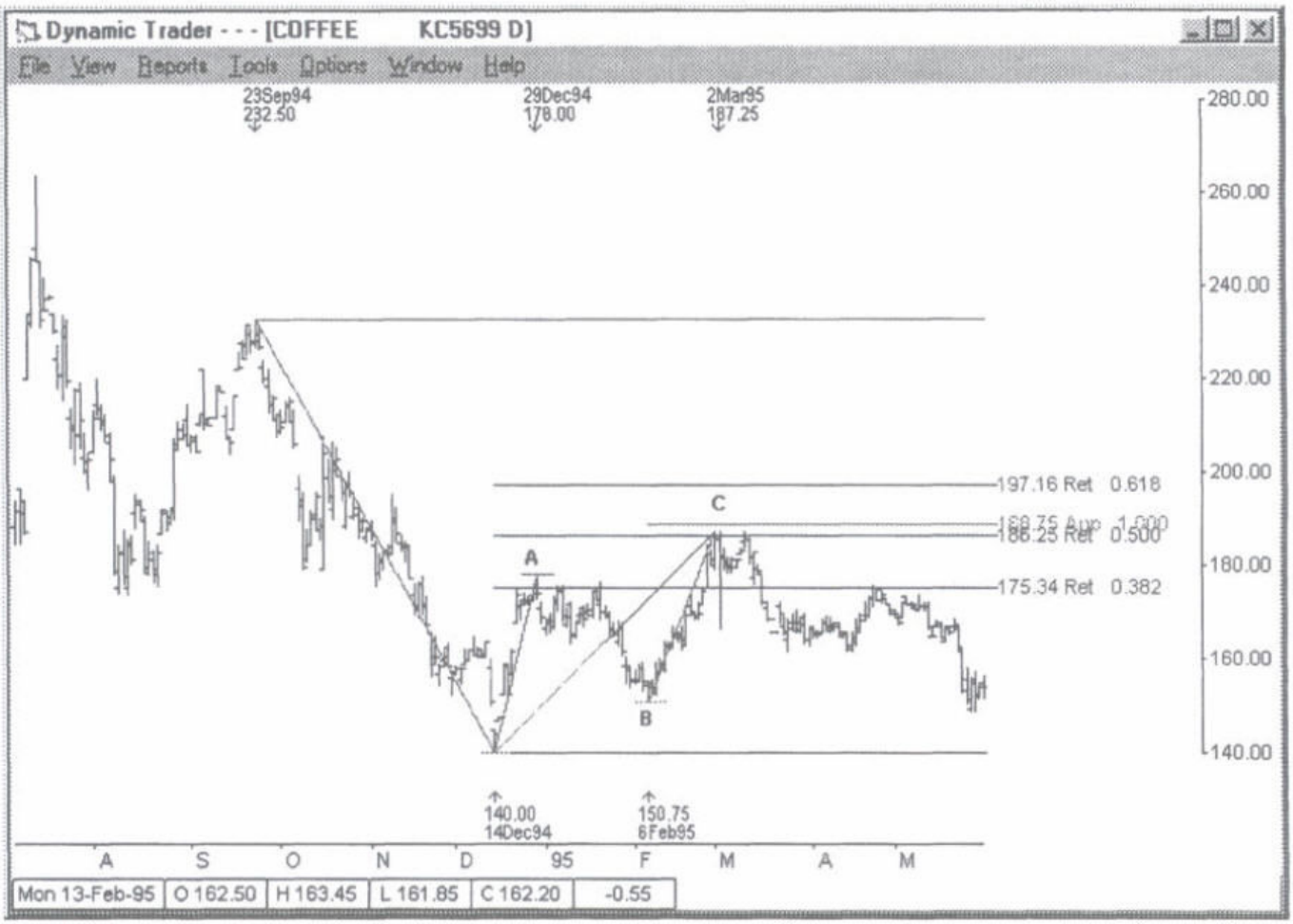

(تصویر ۲۶-۴)

پیک قیمتی موج C که در تاریخ ۲ مارچ ۱۹۹۵ شکل گرفته است، از روی هم افتادن دو نسبت ۵۰٪ روند نزولی بزرگ و ۱۰۰٪ APP موج همجهت خود شکل گرفته است. این APP نشان دهنده این است که موج C با موج A از لحاظ قیمتی برابر است.

همانطور که در شکل مشخص است خود موج A بر روی نسبت بازگشتی ۳۸,۲٪ از نزولی بزرگ قرار گرفته است.

تصویر زیر نسبت های دیگری را نیز در تاریخ ۲ مارچ به نمایش گذاشته است:

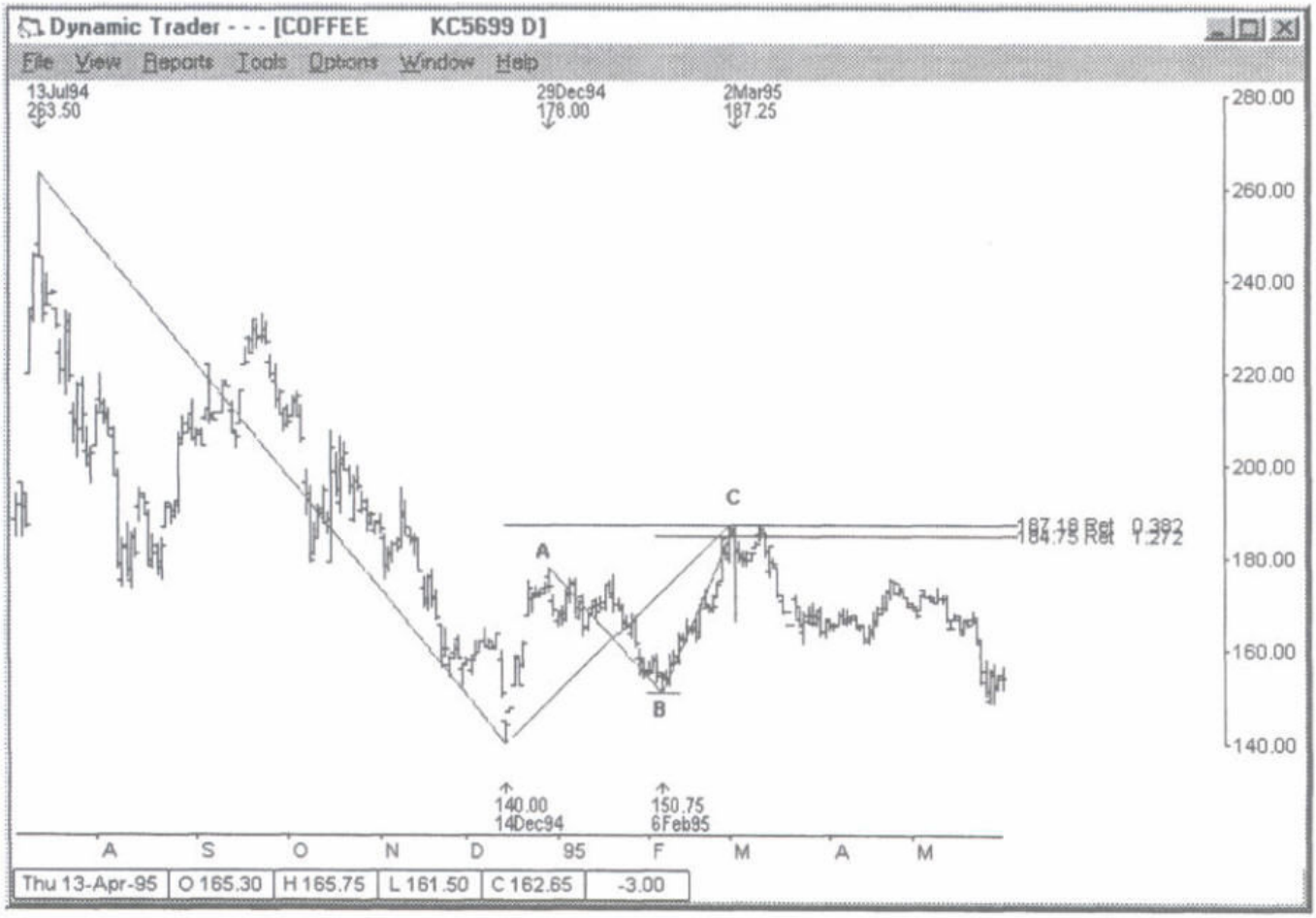

(تصویر ۲۷-۴)

این تصویر نشان میدهد که پیک قیمتی موج C بر روی نسبتهای ۳۸,۲٪ بازگشت قیمتی روند نزولی بزرگتر (۱۳ جولای تا ۱۴ دسامبر) و نسبت ۱۲۷٪ بازگشت خارجی موج AB قرار گرفته است.
با این تفاسیر دیده میشود که چهار سطح قوی و مختلف بازگشتی، بر سر راه موج C قرار گرفته بودند که باعث جلوگیری از پیشروی این موج شده است.

(تصویر ۲۸-۴)

در چهارم ژانویه سال ۱۹۹۶ اوراق قرضه یک پیک قیمتی را ثبت کرد. این پیک قیمتی در نسبت ۶۱,۸٪ APP موج A شکل گرفت. این بدین معنی است که از لحاظ طول موج و قیمت، موج C به اندازه ۶۱,۸٪ موج A است.

در تصویر زیر وارد موج های کوچکتر موج C شده ایم و نسبتهای دیگر این پیک قیمتی را بررسی میکنیم. هر صعود کوچک قیمت با یکدیگر در نسبتهای ۶۱,۸٪ یا ۱۰۰٪ متناسبند. همانطور که در تصویر دیده میشود، انتهای موج C با ریز موج های قبل از خود در این نسبتها متناسب است.

یک نکته مهم این است که هر گاه چند APP از امواج مختلف، یک محدوده مقاومتی را بر سر قیمت بسازند، بوجود آمدن تغییرات بدیهی است.

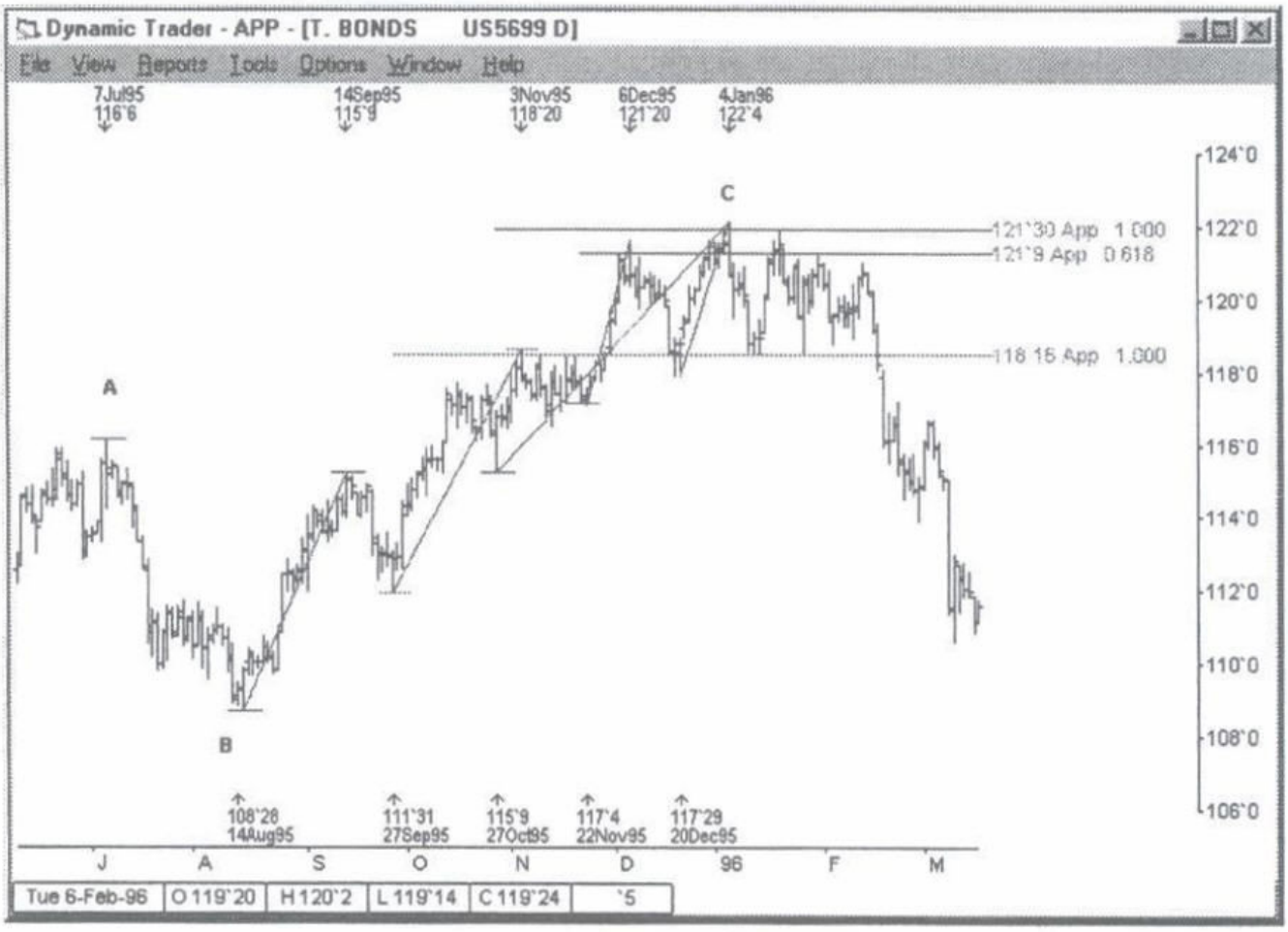

(تصویر ۲۹-۴)

(تصویر ۳۰-۴)

پیک ایجاد شده بر روی چارت شکر در تاریخ ۱۹ مارچ ۱۹۹۶ یک مثال بسیار جالب از روی هم افتادن ۳ تصویر متناوب قیمتی (APP) از درجه های مختلف می باشد. تصویر بالا مشخص میکند که انتهای موج ۵ در جایی واقع شده است که قیمت به اندازه ۱۶۲٪ موج ۱ پیش رفته است و همچنین موج ۵ با کل موج ۱ تا ۳ در نسبت ۱۰۰٪ متناسب است.

تصویر زیر نشان میدهد که محدوده قیمتی ی که در پیک چارت ایجاد شده است، حاصل از چندین APP است. ریز موج ۵ از ۵ برابر ۱۰۰٪ ریز موج ۱ از ۵ می باشد و موج ۵ از ۵، ۶۲٪ کل موج ۱ تا ۳ است.

همچنین موج ریز تر ۵ از ۵ از ۵ برابر ۱۰۰٪ ریز موج ۱ از ۵ از ۵ می باشد.

مستطیل کم رنگ که محدوده قیمتی ۱۲,۲۰ الی ۱۲,۵۰ را نشان داده، محلی است که تجمع این APP ها را نشان میدهد.

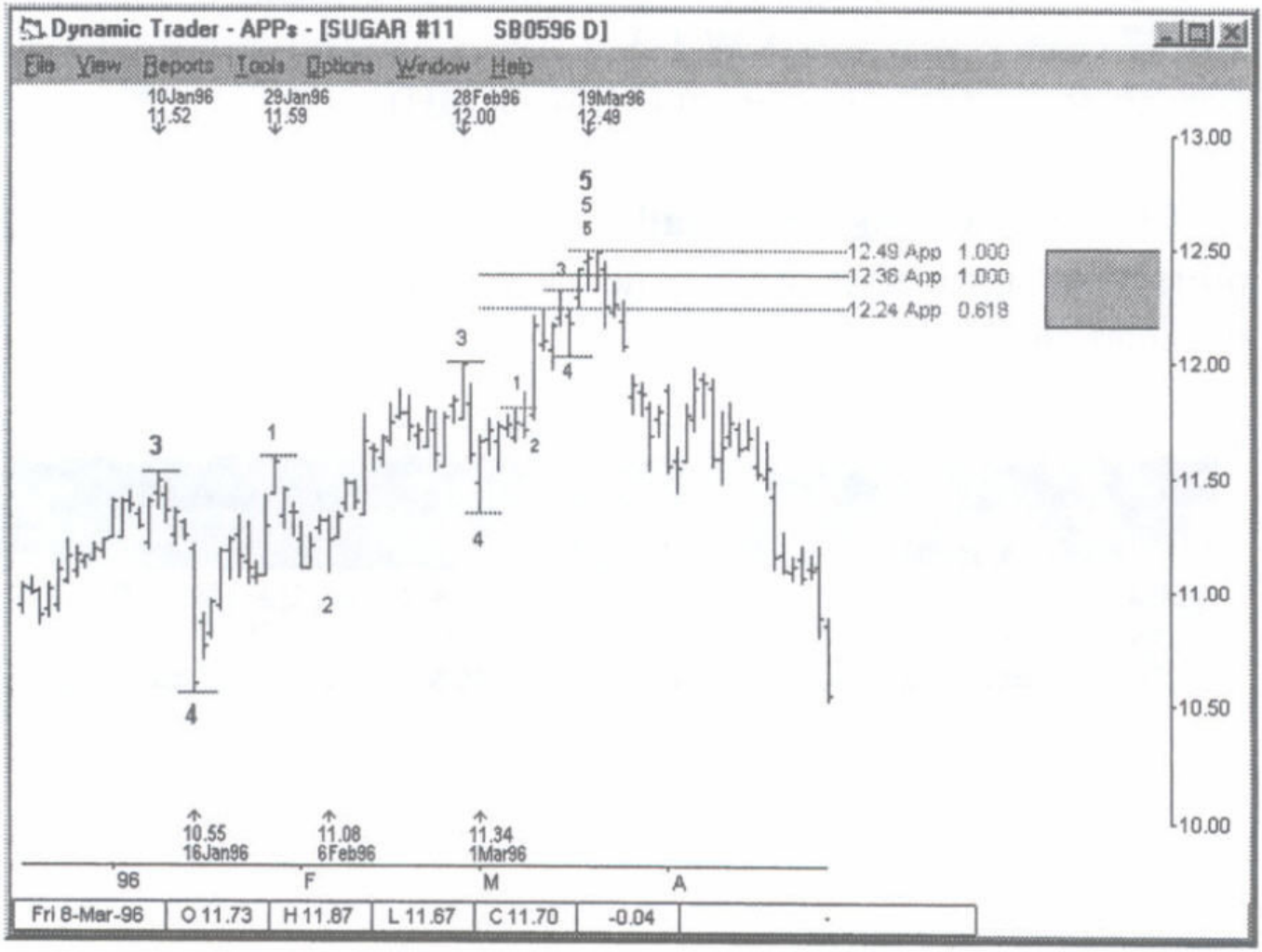

(تصویر ۳۱-۴)

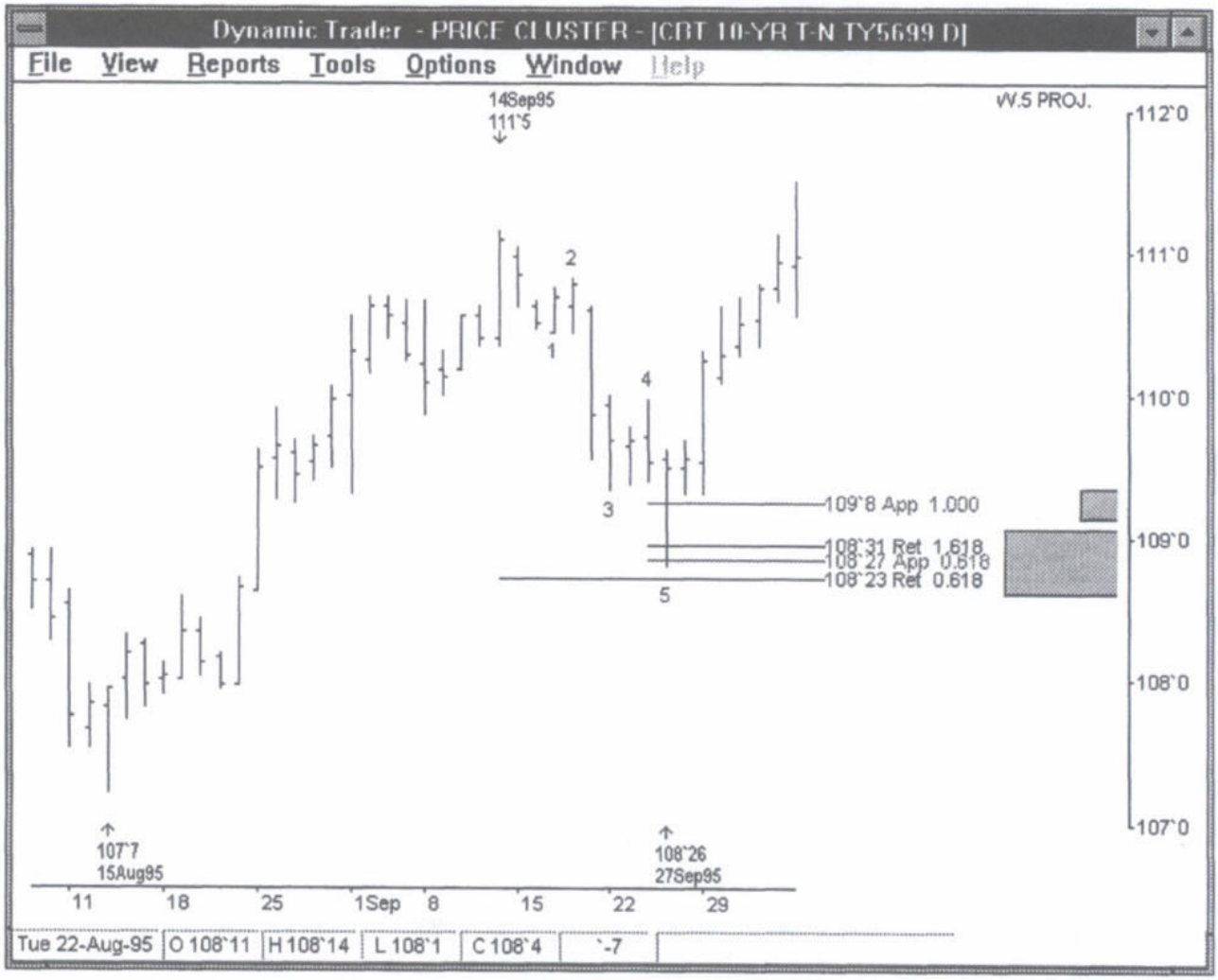

(تصویر ۳۲-۴)

در تصویر بالا مجموعه ای از تصاویر قیمتی در حدود قیمت ۱۰۸,۲۷$ شکل گرفته است که به سه مـورد از مهمترین آنها اشاره میکنیم:

۱- قیمت ۱۰۸,۳۱$ بازگشت خارجی است و نشان میدهد که موج ۵ به اندازه ۱۶۲٪ موج ۴ گسترش یافته است.

۲- قیمت ۱۰۸,۲۷$ یک APP است و نشان میدهد که موج ۵ به اندازه ۶۱,۸٪ کل موج ۱ تا ۳ است.

۳- قیمت ۱۰۸,۲۳$ یک Ret (بازگشت) است و نشان میدهد کـه مـوج اصـلاحی بـه انـدازه ۶۱,۸٪ مـوج صعودی قبل از خود (موج صعودی ۱۵ آگوست تا ۱۴ سپتامبر) اصلاح شده است.

خوشه قیمتی

همانطور که در تصویر زیر دیده می شود، ۳ محدوده قیمتی بعد از موج ۴ (کف قیمتی در تـاریخ ۱۴ ژوئـن) تشکیل شده است. دو عدد از این محدوده ها بوسیله تصویر و پروجکشن قیمتی موج ۴ از ۵ هم تائید شـده است و سطوح قبلی را قوت بخشیده است. هر گاه این الگوهای قیمتی و الگوهـای زمـانی، یکـدیگر را تأییـد کنند، تغییرات در روند ها محتمل تر خواهد بود.

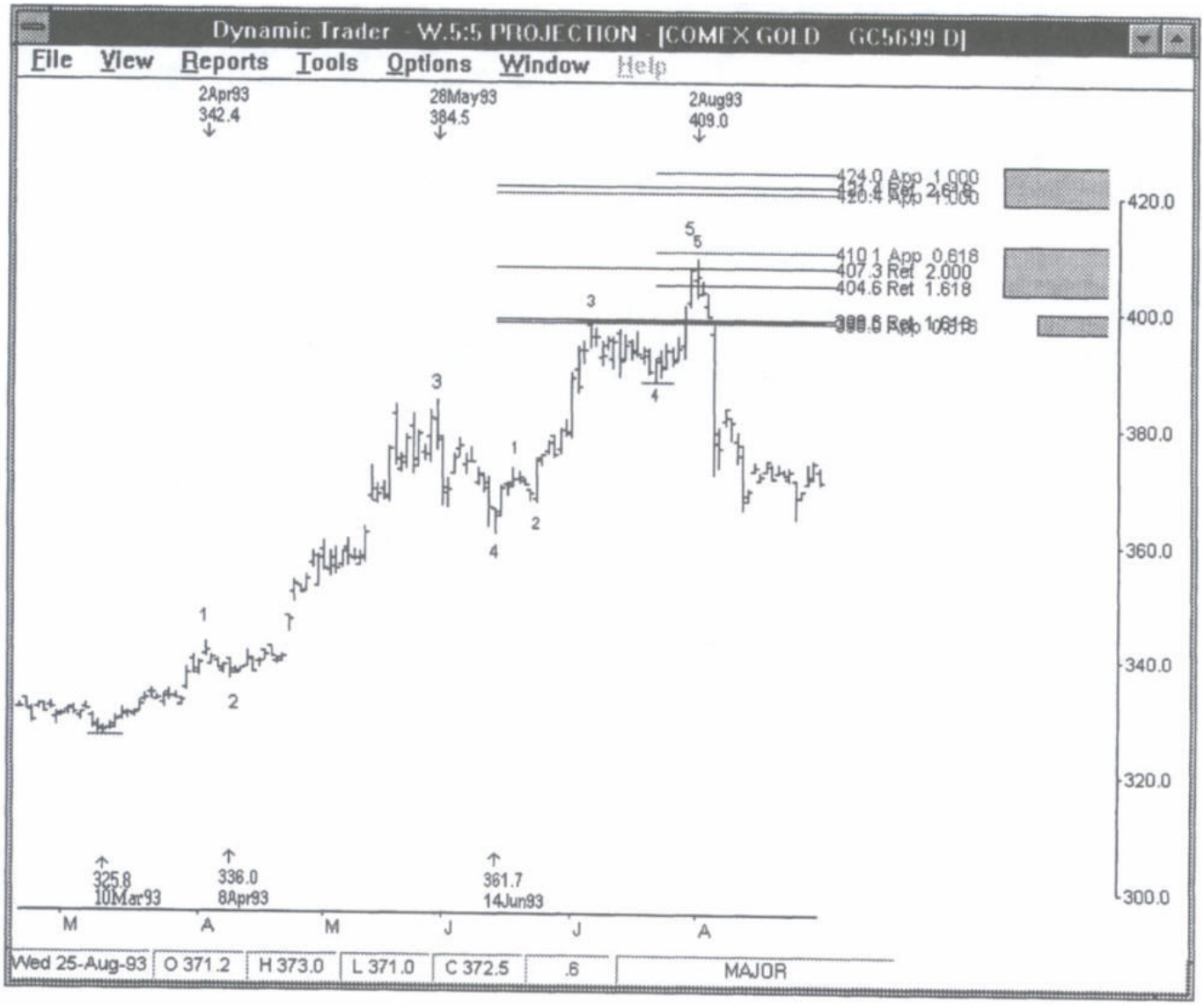

(تصویر ۳۳-۴)

هر یک از این مستطیل های کنار تصویر نشان دهنده این خوشه های قیمتی هستند که حاصل از روی هـم افتادن چندین تصویر قیمتی از موجهای مختلف با درجه های متفاوت هستند. همانطور که در تصویر دیـده میشود، بعد از کامل شدن الگوی موج صعودی، در یکی از این خوشه های قیمتی، قیمت واکنش نشان داده و توانایی صعود بیشتر را از دست داده است.

(تصویر ۳۴-۴)

در آپریل سال ۱۹۹۵ در ارز مارک آلمان شاهد یک پیک قیمتی بودیم که محل روی هم افتـادن دو APP 100% از دو درجه متفاوت بود.

یکی از این APP ها حاصل از سه اکسترمم قیمتی در تاریخ های ۵ جولای ۱۹۹۱، ۴ سپتامبر ۱۹۹۲ و ۱۱ فوریه ۱۹۹۴ می باشد. یعنی موج پیشروی صعودی بعد از تاریخ ۱۱ فوریه ۹۴ به اندازه ۱۰۰٪ موج صعودی قدیمی امتداد یافته است. همچنین APP دوم حاصل از سـه اکـسترمم قیمتـی در تـاریخ هـای ۱۱ فوریـه ۱۹۹۴، ۲۸ اکتبر ۱۹۹۴ و تصویر آن از تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۴ است. توجه داشته باشیم که پیک قیمتی ۲۸ اکتبر فقط چند واحد زیر 62% APP حاصل از سه اکـسترمم ۵ جـولای ۱۹۹۱، ۴ سـپتامبر ۱۹۹۲ و ۱۱ فوریه ۱۹۹۴ است.

در این مثال نیز به این نکته میرسیم که اگر به محدوده ای برسیم که چند نسبت و تصویر از موجهای قبلی در آن محدوده منطبق باشد، میتوانیم انتظار این را داشته باشیم که جهت بازار تغییر کند.

همیشه در یک چارت شاهد این موضوع نیستیم که سقف و کف های امـواج اصـلاحی دقیقـاً بـر روی یـک سطح بازگشتی مهم و معتبر (درصد های فیبو) ساخته شود. اگر اینچنین بود، معامله گری کار بسیار آسانی بود. اغلب سقف و کف های مخالف روند، در نزدیکی یا بر روی یکی از درصـد هـای مهـم بازگـشت داخلـی ایجاد میشود. اگر بقیه پروجکشن های قیمت در نزدیکی این درصدهای مهـم افتـاده شـود، محـدوده هـای قیمتی ای ساخته میشود که محدوده حمایت و مقاومت نامیده میشود.

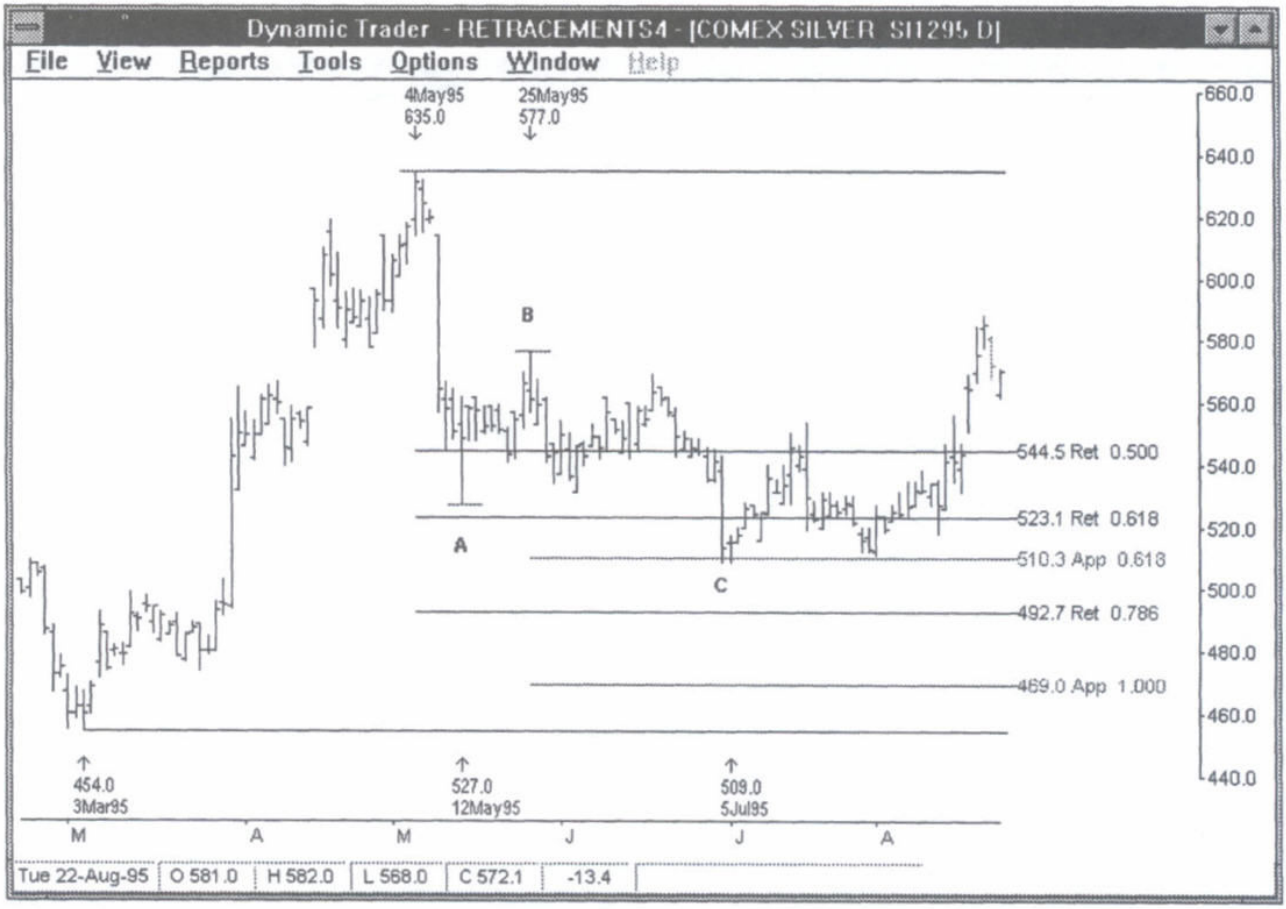

(تصویر ۳۵-۴)

فلز نقره از ۴ می ۱۹۹۵ سقوط شدیدی را آغاز کرد و در ۵۰٪ بازگشت داخلی به اولین سـطح مقـاومتی در مقابل خود رسید. به طور معمول شاهد یک واکنش قیمتی به این سطح (۵۰٪ فیبوناچی) هستیم. دلیل این واکنش این است که اکثر معامله گران توجه خاصی به این درصد ها دارند. نقره به این نزول خود تـا انتهـای ماه ژوئن میلادی ادامه داد و در زیر سطح ۶۲٪ بازگشتی فیبوناچی بسته شد. آخرین کف ایجاد شده بر روی APP 62% است که زیر سطح قبلی تشکیل شده است. این سطح بازگشتی و سـطح ایجـاد شـده توسـط تصویر متناوب قیمتی (APP)، یک محدوده حمایت قیمتی را در بازه (۵۱۰,۳ - ۵۲۳,۱) ایجاد کرد.